

## انتظار ۳۵ ساله پایان یافت

# افتتاح رسمی نیروگاه هسته‌ای بوشهر

وزیر انرژی روسیه: با افتتاح این نیروگاه، ایران وارد مرحله جدیدی در فرآیند توسعه شده است



\*رئیس سازمان انرژی اتمی ایران: ایمنی نیروگاه بوشهر در حد بسیار بالایی است  
\*همکاری ایران و روسیه منحصر به نیروگاه بوشهر نخواهد بود  
\*نیروگاه اتمی بوشهر تا پایان امسال بطور کامل به بهره‌برداری می‌رسد  
\*۴۰۰ مگاوات از ۱۰۰۰ مگاوات برق نیروگاه اتمی بوشهر از دیروز وارد شبکه برق کشور شد  
سرویس شهرستانها - آیین به گزارش خبرنگار اعزامی راهاندازی مقدماتی نیروگاه اتمی بوشهر صبح دیروز باحضور جمعی از مقام‌های ایران و روسیه و بیش از ۱۰۰ خبرنگار داخلی و خارجی در بوشهر برگزار شد و به این ترتیب جمهوری اسلامی ایران بطور رسمی به باشگاه هسته‌ای جهان پیوست.  
معاون رئیس جمهوری اسلامی ایران و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در این مراسم با بیان این‌که نیروگاه بوشهر می‌تواند به‌عنوان یک الگو و نمونه مورد توجه همسایگان باشد، گفت: به همسایگان خود در جنوب خلیج فارس اعلام می‌کنیم که دانش و فناوری ایران در حاشیه خلیج فارس یک فرصت استثنایی برای آنان است.  
بقیه در صفحه ۲

## اظهارات ۳ عضو کابینه

# در مورد اختلاس بانکی

\*وزیر اطلاعات: دارایی‌های فرد اختلاس‌کننده از بانک صادرات بلوکه شد  
\*دستگاه اطلاعاتی کشور این موضوع را به گونه‌ای دنبال می‌کرد که کوچکترین زیان و خسارتی به بیت‌المال و مردم وارد نشود  
رئیس کل دیوان محاسبات کشور خبر داد  
**دولت ۵۰ هزار میلیارد ریال از بانک مرکزی استقراض کرده و نپرداخته است**  
\*پارسال فقط ۸۲/۴ درصد منابع عمومی دولت تحقق پیدا کرد که ۱۷/۶ درصد کسری دارد  
\*کسری تراز عملیاتی بودجه پارسال دارای ۲۰ درصد افزایش است \*پارسال ۴/۵ میلیارد دلار معاوضه نفت انجام شده که خلاف قانون است  
\*۱۲ میلیارد دلار مازاد فروش نفت به حساب ذخیره ارزی واریز نشده است  
\*در ۱۲ استان بانک‌های دولتی در بانک‌های خصوصی ۴۰۵۰ شماره حساب دایر کرده‌اند که خلاف قانون است  
صفحه ۴  
**جشنواره و نمایشگاه بین‌المللی مطبوعات برگزار می‌شود**  
\*نمایشگاه بین‌المللی مطبوعات و خبرگزاری‌ها از سوم تا دهم آبان در مصلاي تهران برگزار می‌شود  
صفحه ۳  
\*سخت‌گویی اقتصادی دولت: ۱۰۰۰ میلیارد تومان از مجموع اختلاس صورت گرفته دارای وثیقه بوده که سریعاً مسدود شده است  
\*مادامی که متناسب با حجم فعالیت‌های اقتصادی، دستگاه‌های نظارتی تقویت نشود، امکان بروز چنین مسایلی وجود دارد  
\*رئیس کل بانک مرکزی: نباید باسیاسی‌کردن اختلاس شبکه بانکی موجب از بین رفتن حق و حقوق مردم شد  
\*چرا باید بیش از حد مجاز به یک موسسه پول‌ارائه‌شود که آنها بتوانند ۴ کارخانه را خریداری کنند؟  
تمامی ۲۸۰۰ میلیارد تومان اختلاس صورت گرفته بدون وثیقه نبوده و حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان آن دارای وثیقه بوده که سریعاً مسدود شده است.  
به گزارش ایرنا سیدشمس‌الدین حسینی سخت‌گویی اقتصادی دولت در حاشیه هفتمین نشست شورای گفت‌وگو در جمع خبرنگاران در خصوص اختلاس اخیر در سیستم بانکی افزود: به‌طور قطع تخلف بزرگی انجام شده است، اما در این خصوص باید چند موضوع را پیگیری کرد.  
بقیه در صفحه ۴



اطلاعات و پژوهش  
حباب طلایی  
صفحه ۱۷



روابط بین‌الملل  
آمریکا و تروریسم  
آشکار دولتی  
صفحه ۱۲



نگارها و گفتگوها  
داوری درباره غرب  
گفتگو با دکتر رضا داوری اردکانی  
صفحه ۶



گزارش  
بوق، دود، حرکت...  
صفحه ۵

پایان و فصل  
منافذ بزرگ  
فتح الله آملی  
صفحه ۲

## آگهی مناقصه عمومی

شماره: ۹۰/۵

\* صنایع مهم پارچین در نظر دارد تامین نیروی انسانی خود را جهت انجام خدمات در صنعت طبق برگه شرکت در مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.  
\* لازم به ذکر است آرایه معرفی نامه الزامی بوده و هزینه‌ای بابت واگذاری اسناد اخذ نخواهد شد.  
\* متقاضیان می‌توانند حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز به آدرس ذیل مراجعه و نسبت به دریافت شرایط مناقصه اقدام نمایند.  
\* میزان سپرده شرکت در مناقصه به شرح اسناد مناقصه.  
\* هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.  
\* صنایع مهم پارچین در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است.  
ضمناً استعلامهای رسیده در مورخه: ۹۰/۰۶/۲۳ به‌صورت غیر حضوری مفتوح و نتیجه آن کتباً اعلام می‌گردد.  
**آدرس: تهران - انتهای اتوبان شهید بابانی - جاده اختصاصی پارچین - صنایع مهم پارچین.**  
**تهران - جاده خاوران - بعد از پاکدشت - جاده اختصاصی پارچین - صنایع مهم پارچین.**  
**دورنگار ۳۰۳۲۳۷۸ (۰۲۹۲) و ۳۰۳۲۳۸۷ (۰۲۹۲)**  
**تلفن ۳۰۴۹۱۸۳ (۰۲۹۲) و ۳۰۲۲۰۵۷ (۰۲۹۲) و ۳۰۲۴۳۰۳ (۰۲۹۲)**

۷۵۶۶/م‌الف

## اقتصاد خرد

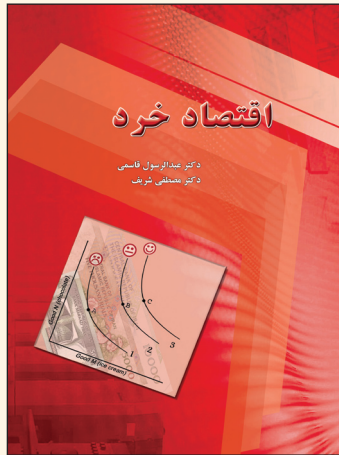
تألیف دکتر عبدالرسول قاسمی  
دکتر مصطفی شریف

قطع رقی، ۵۴۶ صفحه چاپ دوم: ۳۸۰۰ تومان  
این اثر با بهره‌گیری از منابع بسیار معتبر و به روز، متناسب با سطح نیاز دانشجویان رشته‌های اقتصاد، مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع، در پنج بخش و سیزده فصل به رشته تحریر درآمده است.

برخی ویژگی‌های این کتاب عبارتند از: طرح سؤال‌های مفهومی؛ ارائه مطالب به زبان ساده؛ بیان مفاهیم تکمیلی در قالب ضمایم هر فصل؛ استفاده توأم از مباحث توصیفی، نموداری و جبری در بیان مفاهیم؛ بهره‌گیری از مثال‌های کاربردی متنوع برای فهم بهتر و عمیق‌تر مفاهیم؛ استفاده از مسائل متنوع و متناسب با سطح مطالب ارائه شده در فصول مختلف؛ طرح سؤال‌های چهارگزینه‌ای برای علاقه‌مندان به ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد.

\* فروشگاه مرکزی: تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶  
\* فروشگاه شماره (۱): تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴  
\* نمایندگی‌های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۲۴۲، ۲۹۹۹۳۳۰۶  
\* برای خرید پستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۹۳۲۶۵ تماس حاصل فرمایید.  
\* آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: www.ketabettelaat.com

انتشارات اطلاعات منتشر کرد:



## حراج حضوری

رجوع به صفحه ۳



آگهی مناقصه عمومی  
۳۰/تمجیدی/۹۰  
رجوع به صفحه ۱۷



بسمه تعالی  
**پذیرش دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتری پردیس بین‌المللی دانشگاه سیستان و بلوچستان** در بیش از نود رشته گرایش از میان داوطلبان آزمون‌های کارشناسی ارشد و دکتری سال ۱۳۹۰ دانشگاه‌های کشور که مجاز به انتخاب رشته شده باشند برای واحدهای چاپهار و زاهدان دانشجو می‌پذیرد. برای کسب اطلاعات بیشتر و تکمیل فرم ثبت‌نام به نشانی اینترنتی **www.usb.ac.ir** مراجعه نمایید.



بسمه تعالی  
**آگهی مناقصه یک مرحله‌ای بین‌المللی خرید کود شیمیایی**  
شرکت خدمات حمایتی کشاورزی وابسته به وزارت جهاد کشاورزی جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد مقدار ۱۵۰ هزار تن + - ۵٪ کود شیمیایی سوپر فسفات تربیل از طریق مناقصه یک مرحله‌ای بین‌المللی خریداری نماید. بدینوسیله از کلیه علاقه‌مندان واجد شرایط دعوت می‌شود از تاریخ چهارشنبه ۹۰/۰۶/۲۳ لغایت چهارشنبه ۹۰/۰۶/۳۰ با همراه داشتن معرفی نامه معتبر جهت دریافت اسناد مناقصه به بازرگانی خارجی این شرکت واقع در: تهران - خیابان گاندی - کوچه چهارم - شماره ۱ - طبقه ۶ مراجعه و اسناد مناقصه را دریافت و پیش‌نهادهای خود را مطابق شرایط مناقصه در تاریخ شنبه ۹۰/۰۷/۳۰ به کمیسیون معاملات تحویل فرمایند. جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به سایت **WWW.ASSCIR** و به سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس **httiets.mporg.ir** مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۰۹۸۲۱۸۸۷۶۳۳۵ تماس حاصل فرمایید.  
**روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت خدمات حمایتی کشاورزی**

## قابل توجه مشترکین روزنامه اطلاعات

نظر به اینکه در طرح تعویض پلاکهای منازل و اماکن در سطح تهران بزرگ اغلب پلاکها دچار تغییرات شده‌اند و این تغییرات موجب مشکلاتی برای توزیع روزنامه و دیگر مرسولات پستی گشته است از آن دسته مشترکینی که تا کنون نسبت به اعلام پلاک جدید خود اقدام ننموده‌اند درخواست می‌شود سریعاً جهت تسریع در امور نسبت به اعلام پلاک جدید خود اقدام نمایند.  
**تلفن تماس با امور مشترکین روزنامه اطلاعات: ۲۹۹۹۳۷۱-۲ امور مشترکین**

## متقاضیان هنگام ثبت نام در شعب بانک ملی ایران

می‌توانند، حج کارت هوشمند خود را

که دارای قابلیت ها و مزایای ارزشمندی است

دریافت دارند

جهت کسب اطلاعات بیشتر به شعب

و سایت بانک ملی ایران (www.bmi.ir) مراجعه فرمائید

بانک ملی ایران بزرگترین بانک جهان اسلام











## رئیس‌جمهوری به خانواده

## آیت‌الله طالقانی لوح تقدیر اهدا کرد

همزمان با سی‌و دومین سالگرد رحلت آیت‌الله سیدمحمود طالقانی، محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوری به خانواده آن مرحوم لوح تقدیر اهدا کرد.

به گزارش ایرنا در این مراسم که عصر دیروز به میزبانی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد، مهدی طالقانی فرزند آیت‌الله طالقانی در مورد ویژگی‌های آن مرحوم سخنرانی کرد که مورد استقبال حاضران قرار گرفت.

## ایران دهمین کشور جهان از نظر حجم پس‌اندازهای ملی

مجمع جهانی اقتصاد ایران را از نظر شاخص حجم پس‌اندازهای ملی در بین ۱۴۱ کشور جهان در رده دهم قرار داد.

به گزارش ایسنا، در رده‌بندی مجمع جهانی اقتصاد کشورهای تیمور شرقی، چین و الجزایر از نظر شاخص حجم پس‌اندازهای ملی به صورت رده‌بندی از تولید ناخالص داخلی در رده‌های اول تا سوم جهان قرار گرفتند.

کشورهای برونئی، قطر، جمهوری آذربایجان، سنگاپور، عمان، کویت و ایران به ترتیب چهارم تا دهم شدند.

در علم اقتصاد پس‌اندازهای ملی در واقع همان جمع پس‌اندازهای عمومی و خصوصی یک کشور هستند. یعنی به‌طور کلی درآمد ملی منهای هزینه‌های مصرف و خریدهای دولتی مساوی پس‌انداز ملی می‌شود.

در پایین این رده‌بندی هم کشورهای پورتوریکو، سوئانلند، چاد، مونتنگرو، دومینیک، پاپوا نیو گینه، گرجستان، کامبیا و جامائیکا قرار گرفتند.

در جدول اقتصادی جهان یعنی آمریکا و ژاپن هم در این رده‌بندی به ترتیب ۴۹،۱۲۱ شدند.

## مبلغ عوارض آزادراه تهران-قم ۳ برابر شد



معاون وزیر راه و شهرسازی از ۳ برابر شدن مبلغ عوارض آزادراه تهران-قم

براساس جدیدترین تصمیم دولت خبر داد.
براساس مصدق‌دی در گفتگو با مهر اعلام این خبر که عوارض آزادراه تهران-قم با افزایش روبرو شده است.
وزارت راه و شهرسازی اعلام کرد: عوارض پیش‌بینشدهای به دولت مبنی بر افزایش عوارض آزادراه تهران-قم ارائه کرد که این پیشنهاد به تازگی به تصویب رسیده است.

وی درباره میزان افزایش عوارض این آزادراه اظهار داشت: عوارض خودروهای سواری به مبلغ ۲۰۰۰ تومان، وانت و مینی‌بوس به ۵۰۰ تومان و اتوبوس به ۱۰۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است.

معاون وزیر راه و شهرسازی درباره علت افزایش ۳ برابری عوارض این آزادراه افزود: این آزادراه از سوی دولت ساخته شده است و به همین دلیل عوارض ۱۰۰ تومانی برای خودروهای سواری تعیین شده بود، اما سال‌ها از ساخت آن می‌گذرد و نیاز به نگهداری، اسفالت، خط‌کشی، تعویض علائم و کاردریل دارد و باید هر چه زودتر تعویض شود.

مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه آزادراه درباره احتمال افزایش عوارض دیگر آزادراه‌های کشور، گفت: در حال حاضر افزایش قیمتی در عوارض دیگر آزادراه‌ها در دستور کار نیست.

## دولت ۵۰ هزار میلیارد ریال از بانک مرکزی استقراض کرده و نپرداخته است

سرویس اقتصادی-جزئیات
تخلفات ۱۵ ماهه دولت در اجرای قانون بوجه، برداشت‌های غیرقانونی از حساب بانک مرکزی و بی‌انضباطی مالی در بانک‌های دولتی و خصوصی تشریح شد.

به گزارش خبرنگار گزارش اقتصادی اطلاعات دکتر عبدالرضا رحمانی فضلی رئیس کل دیوان محاسبات کشور در گفت‌وگو با خبرنگاران جزئیات گزارش توزیع بوجه پارسال را سال‌ها ارائه داد و گفت: در این گزارش تخلفات متعددی مشاهده می‌شود.

وی ابتدا به گزارش تهیه شده از تفریع بوجه ۱۳۸۹ و تخلفات آن اشاره کرد و گفت: گزارش تفریع بوجه پارسال اواخر آذر یا اوایل دی اسماط مجلس خواهد شد.

وی ادامه داد: در بوجه پارسال دولت جمع منابع عمومی مبلغ ۱۱۷۹ هزار میلیارد ریال بود اما عملکرد آن ۹۷۱ هزار میلیارد ریال شده و نشان می‌دهد که فقط ۸۲/۴ درصد آن محقق شده و حدود ۱۷/۶ درصد بجا دارد.

نامبرده موارد تفریع یافته را به این شرح بیان کرد: مبلغ ۱۲۱ هزار میلیارد ریال از محل درآمدهای مالیاتی و حقوق گمرکی و ۵۰ هزار میلیارد ریال در محل اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها.

رحمانی فضلی افزود: طبق قانون باید پارسال ۵۰ هزار میلیارد ریال از محل فروش دارایی‌های سازمان تامین پیدای می‌کرد، که کاملاً انجام شد.

همچنین ۷۲ هزار میلیارد ریال باید واگذاری دارایی‌های مالی انجام می‌شد. در حالی که ۶۸ درصد اعتبارات هزینه‌ای دولت باید توسط درآمدهای عمومی تأمین می‌شد اما فقط ۵۸ درصد آن را این عمل تأمین شده که نشان‌دهنده وابستگی بیشتر به درآمدهای نفتی است.

وی درباره کسری تراز عملیاتی بوجه پارسال گفت: این کسری ۲۰ درصد افزایش بیش از ۲۲۸ هزار میلیارد تومان به ۲۷۵ هزار میلیارد تومان رسید.

از سوی دیگر حدود ۴۶ درصد منابع نفتی صرف هزینه‌های جاری شده و در حالی که قانون تأکید داشته است که ۷۰ درصد درآمد نفت صرف سرمایه‌گذاری و اعتبارات عمرانی شود فقط ۴۵ درصد به این امر اختصاص یابد. این موضوع نشان می‌دهد که در هزینه‌های جاری از درآمد نفتی بیشتر استفاده شده است.

رئیس کل دیوان محاسبات درباره برداشت دولت از محل محل آرز-ریالی بانک مرکزی گفت: دولت از این عمل جمعا ۶۸ میلیارد دلار برداشت کرده که شامل ۱/۸ میلیارد دلار برای تأمین بوجه عمومی ۲/۹ میلیارد دلار برداشت تخلفاتی از دولت بوده است.

از کاهش تولید نفت نفت خام به میزان ۳ میلیارد دلار در روز و دریافت نکردن به موقع بدهی نفتی از مشتریان به دلیل اعمال تحریم‌های غرب علیه ایران به عنوان دلایل کسری منابع دولت نام برد و افزود: عوارض نفت به میزان ۵/۵ میلیارد دلار از دیگر تخلفات دولت بوده که غیر قانونی انجام شده است.

این مقام مسئول یکی دیگر از تخلفات بوجه ۸۹ و واریز نکردن ۱۲ میلیارد دلار درآمد مازاد فروش نفت به حساب ذخیره ارزی بیان کرد و گفت: پرونده این مورد بهمن پارسال به مجلس ارائه شد.

وی گفت: دولت پارسال ۵۰ هزار میلیارد ریال از بانک مرکزی برای اجرای هدفمندی یارانه‌ها و در قالب نتخواه برداشت کرده که اکنون تسویه نشده است.

همچنین دولت ۲/۸ میلیارد دلار از بانک مرکزی برای پرداخت‌های یارانه نقدی برداشت کرده است.

رحمانی فضلی درباره انقباض مالی گفت: در این رابطه در حوزه بانک‌ها بررسی‌هایی انجام و مشخص شد که در

## معاون رئیس جمهوری: نیازمند حمایت مجلس از طرح‌های کارشناسی سازمان حفاظت محیط زیست هستیم

«جلس شورای اسلامی به جای ارائه پیشنهاد، از طرح‌های کارشناسی سازمان حفاظت محیط زیست حمایت کند تا منابع لازم برای این طرح‌ها تأمین شود» این مطلب را محمودجواد محمدی‌زاده رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در گفت‌وگو با فارس اعلام کرد و جزئیات و توضیح درباره اارومیه و اقدام سازمان را برشمرد.
او گفت: برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه به عنوان نخستین سند مدیریت زیست‌بوم در کشور به تصویب هیأت وزیران رسیده است و اجرای آن به صورت فرایندش در دستور کار قرار دارد. همچنین با توجه به اهمیت این دریاچه و شرایط بحرانی آن ستاد اجرایی ملی مدیریت حوزه آبخیز دریاچه ارومیه در سطح ملی فعالیت می‌کند.

معاون رئیس‌جمهوری ادامه داد: به منظور تصویب حقایه زیست محیطی دریاچه ارومیه ما ۳/۱ میلیارد متر مکعب حاققل نیاز ای سالانه دریاچه ارومیه به عنوان عده مبنای تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی‌های مرتبط در حوزه و تراز آبی اکولوژیک ۱۷۲۵/۱ به عنوان حداقل تراز اکولوژیک دریاچه ارومیه مورد تصویب و مبنای اصلی برنامه‌ریزی‌ها قرار گرفت.

محمدی‌زاده افزود: این مهم‌ی‌ای پس از کارشناسی لازم در خرداد به استان‌ها ابلاغ شد که براساس آن استان آذربایجان غربی می‌تواند ۲۰/۲۵ میلیون متر مکعب آب دریاچه ارومیه بهره‌برداری کند. همچنین این استان باید ۱۸۷۰/۵ میلیون متر مکعب حقایه محیط زیستی برای دریاچه ارومیه بردارد.

محمدی‌زاده به محدودیت منابع آب حوزه آبخیز دریاچه ارومیه اشاره کرد و افزود: در این اساس، ستاد اجرایی تصویب کرد که تا طر محیط زیست جدید و آب استان‌های حوزه دریاچه ارومیه مرتفع و از ایجاد هرگونه حقایه جدید خودداری نشود.وی با اشاره به بررسی و تصویب ۲۴ طرح اولویت‌دار در این زمینه تأکید کرد: این طرح‌ها از طرف وزارتخانه‌های نیرو، جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت

## سقوط بورس‌های جهان و کاهش قیمت طلا

کسک مالی به ارزش ۸ میلیارد یورو به یونان را متوقف خواهند کرد چرا که این کشور کسری بودجه خود را افزایش داده است. دولت یونان روز چهارشنبه اعلام کرد که به معاف‌یاتی جدید به یورو پس‌انداز می‌کند.
به منابع مالی بین‌المللی، دولت یونان برای بازپرداخت بدهی‌های خود، یک تاجر اوراق قرضه در اروپا معتقد است. موقعیت یونان بحرانی است و شانس ویرانگری این کشور افزایش یافته است.

چشم‌انداز یونان نامطلوب است و به نظر می‌آید تمایل اروپایی‌ها به دربار یورو رشد و اقدام سرمایه‌گذاران در فروش این فلز برای جبران ضرر در بازار نرزش پیش‌بینی وقوع یک اتفاق بد را آغاز کرده است.
سویزی دیگر به گزارش ایسنا، به نقل از بلومبرگ، طلا برای تحویل فوری در

هشتند با وجود گذشت ۱۵ ماه از امضای قراردادهای اجرائی در برخی از طرف‌ها هنوز پرداخت‌های برداری بلاشکستگی خشکی به ارزش ۲۰۰ میلیارد دلار به برخی از طرف‌ها می‌دهد.
سایر کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و توسعه مالی به درخواست یونان برای جبران ضرر در بازار نرزش پیش‌بینی وقوع یک اتفاق بد را آغاز کرده است.
سویزی دیگر به گزارش ایسنا، به نقل از بلومبرگ، طلا برای تحویل فوری در

## اعلام جزئیات پیشرفت فازهای جدید پارس جنوبی

فاز ۱۰ حدود ۱۰ درصد، فاز ۱۹ حدود ۷ درصد، فازهای ۲۰ و ۲۱ حدود ۲ درصد، و فاز ۲۲ تا ۲۴ حدود ۲ درصد از برنامه زمان‌بندی تعریف شده عقب مانده‌اند.

از سوی دیگر، تاکنون عملیات اجرایی و تجهیز آن‌ها فاز ۱۱ پارس جنوبی هم توسط پیمانکار چینی آغاز نشده است که در صورت دارد شرایط درآیند این امکان تغییر پیمانکار این پروژه ۵ میلیارد دلاری دوزر انتظار داده‌بو.

هم‌اکنون تمامی فازهای جدید پارس جنوبی در مراحل مقدماتی به پیشرفت رسیده و در حال حاضر ۱۸ سکوی غول پیکر، بیش از ۱۷۰ حلقه چاه توصیفی و توسعه‌ای در خلیج فارس حفاری شده است.
در بخش لوله‌گذاری فازهای جدید پارس جنوبی تاکنون بخش عمده‌ای از لوله‌های مورد نیاز از فازها خریداری نشده است و حتی در صورت خرید تمامی این لوله‌ها محدودیت‌هایی برای کوبش و پوشش‌گذاری لوله‌های گاز ترش وجود دارد و نیاز به شرایط فعلی پارس‌دری از تمامی این طرح‌ها به نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتر لوله‌گذاری گاز ترش محدود است.



انجمن اطلاعات



استان بانک‌های دولتی در بانک‌های غیردولتی تعداد ۴۰۵۰ شماره حساب دارند که خلاف قانون است و قطعا چنانچه حساب‌های بانک ۳۰ استان کشور بررسی شود، به رقم‌های بالاتری خواهیم رسید.

وی افزود: به بانک مرکزی گزارش کردم تا در مدت دو ماه این حساب‌ها برگشت داده شود.

به گفته‌ی وی در برخی بانک‌های خصوصی بررسی شده است حتی حساب‌های شخصی دستگاه‌های دولتی وجود دارد که بدون مجوز بوده و به بانک مرکزی تذکر داده شد. رئیس کل دیوان محاسبات درباره نحوه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های گفت: بررسی‌ها نشان می‌دهد که از ۲۸ هزار میلیارد ریال سهم مردم اسال مبلغ ۲۵۴ هزار ۶۰۱ میلیارد ریال منابع حاصل از اجرای این قانون بوده و هزینه شده است. از این میزان ۵۰ هزار میلیارد ریال آن مربوط به بانک مرکزی بوده که هنوز تسویه نشده است.

همچنین ۳۰ هزار میلیارد ریال آن از محل فروش نفت‌خام صادراتی و ۱۸ هزار میلیارد ریال هم علی‌الحساب دریافت از شرکت‌های تابعه نفت و نیرو بوده است. از سوی دیگر ۵۰ هزار میلیارد ریال هم از محل بوجه عمومی برای پرداخت یارانه نقدی برداشت شده و در نهایت ۱۰۶ هزار و ۶۰۱ میلیارد ریال باید از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی و سایر موارد برداشت می‌شد که فقط ۵۰ درصد پرداخت یارانه نقدی بوده است و بقیه از سایر منابع پرداخت شده که مورد قبول دیوان محاسبات نیست.

وی تأکید کرد: تا پایان مرداد اسال مبلغ ۲۴۸ هزار و ۵۱۶ میلیارد ریال یارانه نقدی به خانواده‌ها و مبلغ ۹۵۰ میلیارد ریال بیمه درمان اندگان حمل و نقل عمومی و جمعا ۲۴۹ هزار و ۴۶۶ میلیارد ریال پرداخت شده است.

به گفته وی، مبلغ ۶۲ هزار و ۴۳۷ میلیارد ریال سهم صنعت از یارانه‌ها هم پرداخت نشده است.

رئیس کل دیوان محاسبات کشور با اشاره به تهیه گزارش عملکرد پارسال بخش نفت گفت: پارسال تولید روغن ۷۲ هزار و ۵۲۰ گاهش داشته و البته در سال ۹۰ افزایش پیدا کرده است.

همچین ۵/۵ میلیارد دلار نفت خام برای محاسبه معاوضه شده که غیرقانونی است.

از سوی دیگر ۱۲/۱ میلیارد دلار درآمد نفتی به حساب ذخیره ارزی وارد نشده و ۵۴ میلیون دلار درآمد صادرات گاز هم باید به حساب صندوق توسعه ملی واریز می‌شد که

بقیه از صفحه اول

از شعب بانک‌ها بوده است و باید بررسی شود چرا بدون اخذ مجوز از بانک‌الای بانک شعبه، اسناد اعتباری با مبلغ بسیاری گواهی شده و هم‌زمان وثیقه‌های لازم هم تأمین نشده است. وزیر اقتصاد اظهار داشت: بانک گشایش‌نامه اعتباری در مورد آن اسناد متعهد است و باید وثیقه‌های لازم را از مشتری در این باره اخذ می‌کرده است.

رئیس شورای گفت‌وگو تصریح کرد: در این خصوص بسیاری از دستگاه‌های نظارتی تقویت نشده، از سوی دیگر منابع چند بانک دیگر هم درگیر شدند.

وی تأکید کرد کشف این تخلف کارشناسیست.بانکی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت اطلاعات بوده و باید پذیریم دامامی که متناصب با صاحب فعالیت‌های اقتصادی، بسیاری از این تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جدی برای منطقه در امکان بروز چنین مسائلی وجود دارد.

حسینی، با اشاره به نمونه‌های تقویت نظارت در شبکه بانکی، گفت: به جهت فعالیت‌های بانک‌های نظارتی در چند سال گذشته در مورد اعضای تسهیلات نظارت‌های بیشتری انجام می‌شود.

وی با تأکید بر آنکه نیاز تحول در ساختارهای نظارتی وجود دارد، گفت: این موضوع در طرح تحول اقتصادی مطرح شده است و دولت به آسیب‌های موجود در این حوزه نظارت کامل دارد و می‌داند که برخی ساختارها ضرر به‌پذیر هستند. رئیس سازمان‌های نظارت غیرمستقل پولی تأکید کرد و گفت: نقدبینگی این بازار ۵۰ هزار میلیارد تومان است که به عنوان نمونه‌ای از تقویت نظارت در شبکه بانکی است.

حسینی همچنین در مورد دخالت بانک‌های دیگر در امر اختلاس گفت: این بانک‌ها از این اختلاس متاثر شدند و البته به‌اندازه استاندارد بانک‌های دیگر در این باره قضاوت کنیم. متناصب است که متشا تخلف به گشایش اعتبار از یک بکته بانک بوده و اسامعلاهای لازم گرفته نشده است.

رئیس امور اقتصادی و توسعه مالی تأکید بر این کرد بررسی‌هایی و اقتصادی موضوع اختلاس در بانک مرکزی و وزارت اقتصاد، هستند. قوه قضائیه برای مجرمان حکم صادر خواهد کرد.وی ادامه داد: موضوع اختلاس از چند ماه پیش در کمیته مشترک در حال بررسی بوده است و این موضوع رسانه‌ای نشده و دستگیری به محض اعلام مانع‌اند نشود زیرا باید در این مدت در مجرم را زیر نظر می‌گرفتیم.

حسینی در مورد درآخوانده شدن خود به مجلس شورای اسلامی گفت: خود به مجلس می‌روم و در اختیار خودم قرار می‌دهم. شمش‌لال‌ها و حتی در صورت خرید تمامی این لوله‌ها محدودیت‌هایی برای کوبش و پوشش‌گذاری لوله‌های گاز ترش وجود دارد و نیاز به شرایط فعلی پارس‌دری از تمامی این طرح‌ها به نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتر لوله‌گذاری گاز ترش محدود است.

رئیس کل بانک مرکزی هم گفت: تخلف دیگران باید به حساب صندوق توسعه ملی به بخش کشاورزی اختصاص می‌یابد. به گزارش ایرنا، صادق خلیلیان وزیر جهاد کشاورزی در حاشیه دهمین نشست شورای

# دولت ۵۰ هزار میلیارد ریال از بانک مرکزی استقراض کرده و نپرداخته است

وی تأکید کرد: پارسال حدود ۴۱ درصد خریداران سهام شرکت‌های دولتی به نهادهای عمومی غیردولتی و دستگاه‌های وابسته مربوط بوده‌اند.

این مقام مسئول یادآور شد: در بهار اسال باید ۳۹۸ شرکت واگذار می‌شد که فقط ۲۵ شرکت یعنی ۲۵ درصد برنامه تحقق پیدا کرده است.

وی افزود: طبق قانون باید بابت واگذاری‌ها از سال ۸۶ تا پایان سال ۹۳ بیش از ۱۵۴ هزار میلیارد تومان واگذاری انجام شود که تاکنون فقط ۸۱ هزار میلیارد تومان آن تحقق یافته است.

دکتر رحمانی فضلی با اشاره به درآمدهای مالیاتی و حقوق گمرکی دولت گفت: میزان درآمدهای مالیاتی باید ۲۵۰ هزار میلیارد ریال باشد که فقط ۲۰۸ هزار میلیارد ریال آن تحقق یافته که شامل ۸۳ درصد دریافتی دولت است. همچنین از مصوبه دریافتی دولت از محل حقوق گمرکی که ۱۰۴ هزار میلیارد ریال بوده فقط ۷۱ درصد آن به میزان ۷۴ هزار میلیارد ریال تحقق یافته است.

وی میزان مالیات وصول نشده را ۷۲ هزار و ۲۵۳ میلیارد ریال بیان کرد و گفت: از این رقم فقط ۲۱۰۰ میلیارد ریال با تلاش‌های اجرائی وصول شده است.

نامبرده گفت: به مدت سه سال ۷۰۰ هزار میلیارد ریال مالیات دریافت شد که عملکرد آن حدود ۳۲ تا ۳۳ درصد است.

به گفته‌ی وی در یک بررسی که در اسال تهران انجام شد، میزان مالیات معوقه بالای یک میلیارد ریال هر فرد، جمعا حدود ۳۸۰۰ میلیارد تومان تا پایان پارسال بوده که این میزان ۱۹۰۰ میلیارد تومان مربوط به مالیات شرکت‌های دولتی است.

رحمانی فضلی در عین حال یادآور شد: میزان تخلفات شدیدتر در گزارش تفریع بوجه ۸۹ نسبت به بوجه ۸۸ حدود ۶۰ درصد کاهش داشته است.

رئیس کل دیوان محاسبات کشور درباره اختلاس ۶۰۰ میلیارد تومانی در بهمه ایران گفت: طبق بررسی‌های نهایی که انجام شده است این تخلف انجام نشده و متهمان آن تیرنه شدند و در نامه‌ای از رئیس جمهوری درخواست شد بابت دلیل اختلاس و شرعی و این متهمان اعادة حیثیت شود.

وی درباره اختلاس ۲۸۰۰ میلیارد تومانی اخیر در سیستم بانکی گفت: بررسی‌های ما نشان می‌دهد که بحث نظارت در داخل سیستم بانکی اشکال دارد و اقدام زیادی هم هستند که می‌تواند از یک بانک تسهیلات کلان بگیرد در شرایطی که به یک بانک دیگر بدهی کلان دارد.

رئیس کل دیوان محاسبات کشور افزود: متأسفانه نظام جامع اطلاعاتی-پرسانی بین بانکی وجود ندارد تا بتوان جلوی اختلاس را گرفت.

وی افزود: کمیود نظارت‌ها و بی‌دقتی اطلاعاتی باعث به وجود آمدن اشکال مهم‌های جزایری‌ها شده و الان هم که تلاش دیگر را داریم.

وی سپس یادآور شد: بررسی‌ها نشان می‌دهد که بانک‌ها در حال شرکت در این هستند و به جای سپرده‌گیری و کمک به جذب سپرده‌ها در ایجاد کارهای تجاری و اقتصادی هستند تا کم‌کم به غول اقتصادی تبدیل شوند.

حتی بانک‌های خصوصی هم که با هدف توسعه بازار پولی ایجاد شده‌اند، آنها هم کار تجاری انجام می‌دهند و شرکت داری می‌کنند.

بانک مرکزی با به‌خوبی بدقت گفت، حتی برخی بانک‌های دولتی به طارح خصوصی‌سازی شده‌هم که شرکت‌داری افتادند که اینها خلاف قانون است.

وی افزود: گزارش‌هایی کرده‌ایم که حتی سود تسهیلات و بهره‌ای که بانک‌ها می‌دهند، خلاف دستورات دیون دولت انجام می‌شد که آن هم صورت نگرفته است.

## اظهارات ۳عضو کابینه در مورد اختلاس بانکی

گفت‌وگو در جمع خبرنگاران افزود: این تسهیلات برای توسعه منابع فراوری بخش کشاورزی، آب و خاک، کشت و صنعت، صناعت، صنایع و فنی بررسی شود. به گزارش ایرنا، محمود بهمنی رئیس کل بانک مرکزی در حاشیه دهمین شورای گفت‌وگو در جمع خبرنگاران با اشاره به سوء استفاده تسهیلات از تولیدات در جهت کشاورزی مطلوب است. خلیلیان تصریح کرد: تولیدات بخش کشاورزی در سال گذشته ۱۰۷ میلیون تن بوده که این رقم نسبت به یک سال قبل از آن حدود ۱۵ درصد رشد داشته است.

وزیر جهاد کشاورزی، توسعه مکانیزاسیون در ایجادمختل و احیای زیرساخت‌های بخش کشاورزی را از سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد و گفت: این اقدام نیازمند پشتیبانی بخش تجارت است. خلیلیان جلوگیری از واردات می‌مورد و در حال خلاصه‌ای موجود است، بررسی‌شده و درآی، دستور مرکزی و توسعه زیرساخت‌های موجود را از دیگر برنامه‌های بخش کشاورزی اعلام کرد و گفت: این اقدام نیازمند پشتیبانی بخش تجارت است. خلیلیان جلوگیری از واردات می‌مورد و در حال خلاصه‌ای موجود است، بررسی‌شده و درآی، دستور مرکزی و توسعه زیرساخت‌های موجود را از دیگر برنامه‌های بخش کشاورزی اعلام کرد و گفت: این اقدام نیازمند پشتیبانی بخش تجارت است.

وزیر جهاد کشاورزی، توسعه مکانیزاسیون در ایجادمختل و احیای زیرساخت‌های بخش کشاورزی را از سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد و گفت: این اقدام نیازمند پشتیبانی بخش تجارت است. خلیلیان جلوگیری از واردات می‌مورد و در حال خلاصه‌ای موجود است، بررسی‌شده و درآی، دستور مرکزی و توسعه زیرساخت‌های موجود را از دیگر برنامه‌های بخش کشاورزی اعلام کرد و گفت: این اقدام نیازمند پشتیبانی بخش تجارت است.

وزیر جهاد کشاورزی، توسعه مکانیزاسیون در ایجادمختل و احیای زیرساخت‌های بخش کشاورزی را از سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد و گفت: این اقدام نیازمند پشتیبانی بخش تجارت است.

وزیر جهاد کشاورزی، توسعه مکانیزاسیون در ایجادمختل و احیای زیرساخت‌های بخش کشاورزی را از سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد و گفت: این اقدام نیازمند پشتیبانی بخش تجارت است.

وزیر جهاد کشاورزی، توسعه مکانیزاسیون در ایجادمختل و احیای زیرساخت‌های بخش کشاورزی را از سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد و گفت: این اقدام نیازمند پشتیبانی بخش تجارت است.

وزیر جهاد کشاورزی، توسعه مکانیزاسیون در ایجادمختل و احیای زیرساخت‌های بخش کشاورزی را از سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد و گفت: این اقدام نیازمند پشتیبانی بخش تجارت است.

وزیر جهاد کشاورزی، توسعه مکانیزاسیون در ایجادمختل و احیای زیرساخت‌های بخش کشاورزی را از سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد و گفت: این اقدام نیازمند پشتیبانی بخش تجارت است.

وزیر جهاد کشاورزی، توسعه مکانیزاسیون در ایجادمختل و احیای زیرساخت‌های بخش کشاورزی را از سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد و گفت: این اقدام نیازمند پشتیبانی بخش تجارت است.

وزیر جهاد کشاورزی، توسعه مکانیزاسیون در ایجادمختل و احیای زیرساخت‌های بخش کشاورزی را از سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد و گفت: این اقدام نیازمند پشتیبانی بخش تجارت است.

وزیر جهاد کشاورزی، توسعه مکانیزاسیون در ایجادمختل و احیای زیرساخت‌های بخش کشاورزی را از سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد و گفت: این اقدام نیازمند پشتیبانی بخش تجارت است.

وزیر جهاد کشاورزی، توسعه مکانیزاسیون در ایجادمختل و احیای زیرساخت‌های بخش کشاورزی را از سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد و گفت: این اقدام نیازمند پشتیبانی بخش تجارت است.

نفت، طلا، سکه و ارز	
<b>بازار جهانی</b>	
<b>هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تکزاس)</b>	۸۶/۷۴ دلار
<b>هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)</b>	۱۱۰/۹۰ دلار
<b>هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا</b>	۱۸۳۴/۶۲ دلار
<b>بازار داخلی</b>	
<b>سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۳ گرم)</b>	۶۵۰۰۰۰ تومان
<b>سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)</b>	۶۲۲۰۰۰ تومان
<b>نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)</b>	۳۰۰۰۰۰ تومان
<b>ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)</b>	۱۵۷۰۰۰ تومان
<b>سکه یک گرمی</b>	۸۲۰۰۰۰ تومان
<b>هر گرم نقره خام</b>	۵۵۶۸۰ تومان
<b>دالان آمریکا</b>	۱۶۵۰۰ تومان
<b>دالان آمریکا</b>	۱۲۴۵ تومان
<b>یورو اتحادیه اروپایی</b>	۱۷۱۵ تومان
<b>پوند انگلستان</b>	۱۹۹۸ تومان

### انجمن اطلاعات اقتصادی

**تثکلیل کمیته مشترک انرژی بین ایران و روسیه**
رستم قاسمی وزیر نفت ایران و سرگئی اشماتکو وزیر انرژی فدراسیون روسیه در دیدار عصر یکشنبه به بررسی همکاری‌های مشترک دو کشور در حوزه انرژی پرداختند.

به گزارش شانا، در جلسه وزیران نفت و انرژی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه همکاری‌های موجود و آتی حوزه انرژی مورد بحث و قرار گرفت.

در این جلسه دو طرف بر تسریع و اجرایی کردن نقشه راه انرژی مشترک که پارسال مورد توافق قرار گرفته است، تأکید کردند.

همچنین بر این دیدار احداث نشدن هر گونه خط لوله گاز در دریای خزر به دلیل مسائل زیست‌محیطی و حفاظت از آبریزان و جلوگیری از آلودگی دریا مورد تأکید دو طرف قرار گرفت.

**بازنگری آخرین وضع خودروهای وارداتی**
رئیس کل سازمان توسعه تجارت با تأکید بر ساماندهی واردات خودرو از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت گفت: در روزهای آینده آخرین وضع خودروهای وارداتی همچون خدمات پس از فروش و سایر شرایط فنی باید تسهیل تجاری و تأمین شرایط خدمات در خصوص منافع مصرف‌کننده بازنگری می‌شود.

به گزارش ایرنا از شبکه اطلاع‌رسانی تولید و تجارت ایران، حمید صاف‌لوی همچنین درباره موضوع خودروهای دارای شرایط استاندارد جهان گفته‌اند: فهرست این خودروها در سایت تینتار سازمان توسعه تجارت موجود است. وی افزود: به زودی فهرست مدل‌های جدید احصا شده و سایر مدل‌های قبلی که امکان ثبت و فروش آنها تا پایان سال جاری وجود دارد، اعلام خواهد شد.

**امضا قرارداد توسعه میدان گازی فروز بدر ماه آینده**
مدیرعامل مینا از پایان مطالعات مقدماتی جامع (MDP) توسعه میدان فروز بدر تا اوایل اسال اخیر داد و افزود: قرار است تا اوایل

اسال با پایان مذاکرات، متن قرارداد برای امضا آماده شود. عباس علی‌آبادی در گفت‌وگو با شانا اعلام کرد: پس از امضای تفاهنامه میان شرکت‌های نفتی فلات قاره و مینا و دریافت اطلاعات فنی از کارفرما ماکار

مطالعه برای تهیه مطالعات مقدماتی جامع توسعه این میدان (MDP) شروع می‌شود. او افزود: این اسال به پایان خواهد رسید.

مدیرعامل مینا گفت: هم‌زمان مذاکرات قراردادی میان این دو شرکت در قالب برگزاری جلسه‌های منظم هفتگی انجام می‌شود و براساس پیش‌بینی قرار است تا اوایل مهر اسال با پایان مذاکرات، متن قرارداد برای امضای مدیران عامل دو شرکت آماده شود.

**وزیر اطلاعات: دارایی‌های فرد اختلاس‌کننده از بانک صادرات بلوکه شد**

وزیر اطلاعات گفت: پول‌ها را مجموعه دارایی‌های فرد اختلاس‌کننده از یک شعبه بانک صادرات، بلوکه شده است. به گزارش ایرنا، حیدر مصلحی پس از این جلسه دیروز دولت و در جمع خبرنگاران اظهار داشت: تلاش می‌کنیم تمامی وجوه اختلاس شده بدون کم و کاست به بانک مسدود شود. وی با بیان اینکه دستگاه اطلاعاتی کشور از او اساط سال گذشته

بر این موضوع اشراف داشت، افزود: دستگاه اطلاعاتی کشور، نشان می‌موجود که کوچکترین زیان و خسارتی به بیت‌المال و مردم وارد نشود.

مصلحی تصریح کرد: دستگاه اطلاعاتی نسبت به دستگیری و بازگرداندن پول‌های جابه جا شده اولین اقدام کرده‌بود. وی در ادامه با بیان این که دولت به بررسی تمامی وجوه اختلاس شده بدون کم و کاست به بانک مسدود شود. وی با بیان اینکه دستگاه اطلاعاتی کشور از او اساط سال گذشته

بر این موضوع اشراف داشت، افزود: دستگاه اطلاعاتی کشور، نشان می‌موجود که کوچکترین زیان و خسارتی به بیت‌المال و مردم وارد نشود.

مصلحی تصریح کرد: دستگاه اطلاعاتی نسبت به دستگیری و بازگرداندن پول‌های جابه جا شده اولین اقدام کرده‌بود. وی در ادامه با بیان این که دولت به بررسی تمامی وجوه اختلاس شده بدون کم و کاست به بانک مسدود شود. وی با بیان اینکه دستگاه اطلاعاتی کشور از او اساط سال گذشته

بر این موضوع اشراف داشت، افزود: دستگاه اطلاعاتی کشور، نشان می‌موجود که کوچکترین زیان و خسارتی به بیت‌المال و مردم وارد نشود.

مصلحی تصریح کرد: دستگاه اطلاعاتی نسبت به دستگیری و بازگرداندن پول‌های جابه جا شده اولین اقدام کرده‌بود. وی در ادامه با بیان این که دولت به بررسی تمامی وجوه اختلاس شده بدون کم و کاست به بانک مسدود شود. وی با بیان اینکه دستگاه اطلاعاتی کشور از او اساط سال گذشته







## اطلاعات

### شرح مثنوی در باب

## طبیعت و تربیت

<div><span></span></div> <div>مثنوی در باب</div>	
<b>بخش دوم</b>	
<b>ج – تغییر و تحول</b>	
وقتی ریشه‌های خوی بد به‌تدریج محکم و قدرت بر کنند آن کم می‌شود و ما پیرتر و خواجه‌تر، هرچند از خوی خود خسته باشیم، چندان پای‌یست آنیم که خلاف‌گوی را تاب نمی‌آوریم.	
خو و خصلت‌های به‌عادت، اینک راسخ‌تر شده‌اند؛ ما مولانا دو راه‌برای بازگشت به‌اصل و ووصلت با فطرت می‌شناسد:	

یا تیر برگیر و مردانه بزن
تو سلی وار این در خیبر بکن
یاسه گلبن وصل کن این خار را
وصل کن با سار، نور یار را...
پند من بشنو که: تن بند قوی‌است
کهنه بیرون کن گرت میل نوی است...
عسره‌الوقفی‌است این ترک هوا
بر کشند این شاخ، جان را بر سما
(دفر دوم، صفح ۲۰۸ و ۲۰۹)
اما شبیظنت نفس نمی‌گارد این انقلاب اتفاق بیفتند، ما را به هول و هراس می‌اندازد، می‌گوید ترک عادت موجب مرض است:
هین مگر دان خو که پیش آید خلل
در دماغ و دل بزیاد صد علل
این چنین تهدیدها آن دیو دون
آرد و بر خلق خواند صد فسون

او می‌داند که در این جاکن شدن خصلت‌ها و رحلت عادات و انعطاف‌پذیری انسان و تغییر و تبدیل صفات اوست که ذات و جوهرش پدیدار می‌شود و چون نیک‌نظر کند، هر چه فرا چنگ آورده، از همین مبادلات و داد و ستدها بوده است. از این رو فطرت و طبیعت تمام‌خواه و کمال‌طلب بشر در سیر سیروبرت خودناگزیر از این حشر و نشر دائمی است و همه اطوار و نشانات حیات او آثار مدبر هیان تحول تکوین‌یافته است:
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

ای مبدل کرده خاکی را به زر
خاک دیگر را بکرده بوالبشر
کار تو تبدیل اعیان و عطا
کار من سهواست و نسیان و خطا...
ای که خاک تیره را تو نران کنی
وی که نران سرده را تو جان کنی...
همچنین تصادف‌هزاران هست‌با
بعد یکدیگر، دوم بۀ ز ابتدا...
صد هزاران حشر دیدی‌ای عنود
تاکنون هر لحظه از بندو وجود...
(دفر پنجم ص ۲۶۴)

<b>د-جذب جنسیت</b>
در درجه‌اول آنچه‌بیش از هر چیز ضرورت دارد، تربیت بشر متناسب با طبیعت اوست، یعنی فروغ شخصیت او به اصلش ارجاع داده شود و شئون او رعایت شود، باید خود را با مبدأ و معاد و مبتدا و منتهای خود هماهنگ کند و این ممکن نیست، مگر به تناسب جزء با کل و مخلوق باخالق.

در نتیجه اگر بنابر «ه همان دست که می‌پروردم، می‌رویم» باشد؛ یعنی تقدیم پرورش بر آفرینش یا مهربانی تربیت و طبیعت و خلق و شئون او رعایت شود، باید خود را با مبدأ و معاد و مبتدا و منتهای خود هماهنگ کند و این ممکن نیست، مگر به تناسب جزء با کل و مخلوق باخالق.
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

در نتیجه اگر بنابر «ه همان دست که می‌پروردم، می‌رویم» باشد؛ یعنی تقدیم پرورش بر آفرینش یا مهربانی تربیت و طبیعت و خلق و شئون او رعایت شود، باید خود را با مبدأ و معاد و مبتدا و منتهای خود هماهنگ کند و این ممکن نیست، مگر به تناسب جزء با کل و مخلوق باخالق.
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

چنان که قرآن کریم بعضاً تقدم تعلیم بر تزکیه را روا داشته است. <b> (یتلوا علیهم ایاکات و بعلمهم الکتاب والْحِکْمه و بر وَحِیْهم، بقره/۱۲۹)</b> اما در انتخاب‌ناپذیری تجانس بنده و پروردگار و عاشق و معشوق و در فطرت تئیند او مولانا مدعی است: <p>او جمیل است و محب للجمال کی جویان تو گزیند پسر زوال؟ خوب خویشی را کند جذب این بدان طبیّات و طبیّین بر وی بخوان در جهان‌هر چیز جذب کردی گرم گرمی را کشید و سرد سرد (دفر دوم، ص ۱۸۰)</p> <p>او بعد از طرح استفادهٔ انکاری مربوط به ضرورت هماهنگی در «جمال» بین بنده و مولّا، از نیاز به نسبت داشتن بنده با «جلال» مولّا سخن می‌گوید: دیدنه بینا از لحاق حق شهود چسب کجا همراز هر احق شهود؟ قند بینند، خودشود زهر قنول را بینند، خودشود آرد بانگ غول (همان، ص ۲۴۵)</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

سپس به حکایت حضرت امیر <sup>۱</sup> بازمی‌گردد: یک زنی آمد به پیش مرتضی گفت: شد برناودان طفلی مرا... بس نمودم شیر و بستان را بدو او همی گرداند از من چشم و رو... گفت: طفلی را برآور هم بهیام تا بسیند جنس خود را آن غلام سوی جنس آید سبک زان نساودان جیس بر جنس است عاشق جلاودان و این نمونه را به کل انسان تعمیم می‌دهد و در عبارت شریفه « <b>انا بشر مثکم</b> » از تجانس پیامبران با انسان سخن می‌گوید: زان بود جنس بر جنس تا به پیغمبر رهند از نساودان پس بشر فرمود خود را مثیلکم تا به جنس آییبد و کم گردید کم (دفر چهارم، صص ۵۸۷-۵۸۸)
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

و همین تجانس را در جان مؤمن و کافر و تناسب هریک با بهشت و دوزخ پی می‌گیرد. <p>او می‌گوید میل و رغبت تو به هر سو مایل شود و به هر کس شباهت بجوید، تو با او از یک قماش هستی و اگر نسبت تو با ایشان بینیان معلود باشد (نیمیم ز ترکستان، نیمیم ز فرغانه)، جنگ بین عقل و نفس اسطوره و بدون ثرد و باخت است، تلاش کن به تدریج صورت بگداری و معمارا برآوردی:</p> <p>دوخ از مؤمن گرزود آن‌چنان که گریزد مؤمنم از دوزخ به جان... در حدیث آمده‌که: مؤمن در دصا چون آواز خواهد ز دوخ از خدا دوخ از وی هم امان خواهد به جان که: خدایا، دور دارم از فلان جاذبه جنسیت است، اکنون بین که تو جنس کیستی از کفر و دین و در اینکه خود را به کل انسان تعمیم می‌دهد و در عبارت شریفه «<b>انا بشر مثکم</b>» از تجانس پیامبران با انسان سخن می‌گوید: زان بود جنس بر جنس تا به پیغمبر رهند از نساودان پس بشر فرمود خود را مثیلکم تا به جنس آییبد و کم گردید کم (دفر چهارم، صص ۵۸۹-۵۹۰)</p> <p>او می‌گوید: چسبت جنسیت؟ یکی نوع نظر که بدان آییند ره همدگر آن نظر که کرد حق دور نهان چون نهد در تو، تو گردی جنس آن... هر طرف چه می‌کشند تن را نظر می‌بصر را کفر کشاند باخبر... جنس و نانجنس از خرد نانی شناخت سوی صورت‌ها نشاید زود ناخست نیست جنسیت به صورت‌های جان عسی آمد در بشر جنس ملکّ (دفر پنجم، صص ۶۲۰-۶۱۹)</p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

<b>ادامه دارد</b>
-------------------

<i><b>اشاره</b></i> آراء و آثار دکتر داوری یکی از بزرگترین محل‌های مناقشه و بحثهای فکری و فلسفی معطوف به مسائل دوران ما بوده‌است. همه اذعان دارند که برای فهم تحولات فرهنگی معاصر ما، خوانش نظرها و نوشته‌های داوری ضروری و اجزمنه‌ترین منابع است. دکتر داوری مورفان و مخالفان فکری بسیاری دارد؛ اما هر که او را از نزدیکی می‌شناسد، می‌داند که نمی‌تواند دانش و فضلش را نادیده بگیرد. شاید این گفتگو مساعادتی باشد به هر برخی شبهه‌ها و مسائلی که پیرامون نوشته‌ها و نظریات این معلم ارجمند فلسفه در دانشگاه‌های ایران پدید آمده‌است. این مطلب بیشتر در ماهنامه « <b>اطلاعات حکمت و معرفت</b> » (ش ۶۵) به چاپ رسیده‌است.
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

<b>در آثار و اظهار نظ‌های حضرت عالی دو نوع برخورد با غرب و غربیان دیده می‌شود و به نظر می‌رسد با گذشت زمان در رویکرد شما به تفکر غربی، نوعی ترش‌ ایجاد شده‌ است. در آغاز tendی بیشتری با غرب می‌کردید و آن را منافی و تارک اندیشهٔ متافیزیکی و دینی می‌دانستید و اکنون می‌فرماید «تاریخ غربی تاریخ عظیمی است، آ یا این یک تحول طبیعی و نتیجه پختگی در گذر زمان است، یا شما برای ایستادگی در برابر برخی افراطها، دیدگاه‌های متفاوتی را مطرح کرده‌اید</b>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

نظر من نسبت به غرب و جهان تجدد در چهل سال اخیر تغییر اساسی نکرده‌ است. در این مدت چیزهایی آموختم‌ام که پیش از آن از آنها بی‌دانشتم و چگونگی می‌توانستم چیزی را که صرفاً به تجربه می‌توان آموخت، قبل از تجربه بیاموزم؟ ممکن است گاهی سختم، لحن سیاسی پیدا کرده‌باشد و گمان می‌کنم بیشتر سوء تفاهم‌ها نیز از همین جا بر می‌خیزد، و گر نه من هرگز اندیشه غربی را «تارک اندیشه متافیزیکی و دینی» نمی‌دانستم‌ام. شاید سوء تفاهم از آنجا برخاسته باشد که من سکولاریسم را از اوصاف «داتی» تجدد می‌دانستم‌ام و اکنون هم بر همین قوالم و چنان که می‌دانید، در این قول تنها نیستیم. مثلاً دیگر سوء تفاهم این است که شرق و غرب را معمولاً دو امر موجود در مکان معلوم می‌پندارند. من شرق را پوشیده و غائب و غرب را حاضر و غالب در همه جا و در همه شئون زندگی مردمان می‌دانم؛ منتهی این غرب یا بهتر است بگویم صورت متحد آن، در همه جایه یک نحو تحقق نیافته‌است. به این جهت در عالم جدید صورتهای متفاوت و متشکک از غرب که در مراتب قوت و ضعف نسبی قرار دارند، می‌توان یافت. ما اکنون بر هر مذهب و ملتی که باشیم، به ارزش‌هایی مایلیم که در قرون هیجدهم اروپا طرح و مقرر شده‌ است. شاید بگویند مردم جهان به فرهنگ‌ها و دین‌های متفاوت تعلق دارند؛ پس چگونه آنها را مایل به ارزش‌های قرن هیجدهم بدانیم؟ پاسخ این است که امر بدیهی تاریخی را با نظیر آن نمی‌توان نفی کرد، بلکه باید وضعی را که در آن امور بدیهی تاریخی ناسازگار با یکدیگر جمع می‌شوند، شناخت، وجود ما از لایه‌های متفاوت تشکیل شده‌ است و بعید نیست که در وجود کسی، لایۀ تجدد مایی چسبیده به لایۀ سنت خواهی و پیوسته به آن باشد.
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

اشاره‌ای به قول من در تصدیق عظمت تاریخ غربی فرمودید. من کی متکر این عظمت بوده‌ام؟ تاریخی که همهٔ تاریخ‌ها را می‌پوشاند و قواعد علم و عشلش چنانگیر و دستور زندگی همه مردم روی زمین می‌شود، چگونه عظیم نباشد؟ اما این تاریخ عظیم را می‌توان تقد کرد و من در زمرۀ نقادان این تاریخم.
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

<div><div><span><span>◆</span><span>◆</span><span>◆</span></span></div><div></div></div>
------------------------------------------------------------------------------------------

<b>* تاریخ مدرنیته به پایان نزدیک شده: اما تکرار این حرف‌ها کافی نیست، بلکه این پایان یافتن را باید در تفکر و به آمایش جان دریافت. من شرق را پوشیده و غایب، و غرب را حاضر و غائب در همه شئون زندگی می‌دانم؛ منتها در همه جا به یک نحو تحقق نیافته‌است</b>
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

<b>* تاریخ غربی بر مبنایی استوار است که نمی‌توان آن را مطلق و دائم دانست. به این جهت وقتی بنیادش سست شود، ر به پریشانی می‌رود. هم اکنون آثار ضعف در بنیه آن و به‌خصوص در شئون ظاهرش پدیدار شده؛ اما چون رشد و انتشار علم و تکنولوژی آشکار است، ضعف و سستی کمتر به چشم می‌آید. سوء تفاهم دیگر این است که کشورهای آسیای و آفریقایی رانده از قدیم و مانده از تجدد و جدید را شرق می‌انگاریم اگر این سوء تفاهم‌ها رفع شود، درمی یابیم که در نظر من تغییر اساسی پدید نیامده‌ است و اگر اختلافی در اقال دریزو و امروز می‌باید اختلاف عرضی و صوری است و به موقع و مقام ایراد سخن باز می‌گردد.</b>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

<b>در چند جا فرمودید که غرب مانند چیزهای دیگر دارای ماهیت و وجود است و غرب روح و عالمی است قراتر از دیگر چیزهای غربی. این نگاه انتقادی چنین برمی انگیزد که غرب ذاتی یکپارچه نیست و نباید جوهر انکارانه درباره آن اندیشید.</b>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

درست است که من از ماهیت و وجود غرب گفته‌ام، اما اولاً منظور من از ماهیت است که غرب را با مجموعۀ ظواهر و جلوه‌های تمدن غربی یکی نباید دانست. ثانیاً ما در بهترین صورت، وجود و ماهیت را با معانی مانوس آنها در فلسفه در نمی‌یابیم؛ اما در بحث از وحدت غرب، از این دو اصطلاح همان معانی متداول در فلسفهٔ مدرن نشده‌ است. غرب به صورت مجموعه‌ای از علم و تکنولوژی، آداب و رسوم، مناسبات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، ابتدا در اروپای غربی به «وجود» آمده و به‌تدریج در سراسر روی زمین پراکنده شده و اکنون در همه جا «هست».
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

علم و تکنولوژی و حقوق بشر و لیبرالیسم و سوسیالیسم و فاشیسم و نازیسم و دیکراسی به نحوی که متغیر دارند، از اجزای وجودی غرب‌اند؛ اما اینها هر چه پراکنده و متنوع و تفکر باشند، وحدتی دارند. ذات غرب این وحدت است. ما متأسفانه این ذات را به آحاد درمی‌یابیم، به خصوص که این وحدت، وحدت تاریخی است و وحدت تاریخی با اختلاف و تنوع در شئون و تحول و تغییر منافات ندارد. غرب با طرح اصولی پدید آمده یا درست بگویم بر مبنای اصولی بنا نهاده‌ است.
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

«تجدد» هم مرحله‌ای از تاریخ غربی است که بر مبنای بافت تازه‌ای از اصول دوهزار سالۀ قویم غراب یافته و در مسیر چهارصدساله‌اش به جایی رسیده‌ است که این قبی پیش روی دیگر جهان‌روشن نیست، و «پست مدرن» نامش و نفوذ آن بر علوم انسانی و حتی در آرای همگانی گواه آن امر است. من به شما موافقم که تلقی جوهر انکارانه از غرب وجهی ندارد؛ زیرا غرب جوهری که قائم به ذات یا وجود لافّی الموضع نباشد، بلکه یک حادثهٔ تاریخی است که در آن ما مردم عهدی را می‌پایزیم و به اندیشاتن بر مبنای آن کم و بیش سامان می‌یابد و البته مردمان تا می‌توانند، به عهد تاریخی خود وفادار می‌مانند.
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

این عهد ضامن وحدت و مقوم ذات یک دوره تاریخی است. غرب هم در صورتی که به عنوان دیگری متفادش بوده‌ است، از زمان بنسئه شده و چندان بار تجدید و تفسیر شده‌ است. هیچ عهد تاریخی و از جمله عهد غربی(به استثنای عهدی که آدمی با آن آدمی شد)، دائمی نیست؛ زیرا بشر اگر می‌تواند عهد بنیابد، به شکستن عهد هم قادر است؛ اما عهد بنسئ و عهد شکستن را سهل نگذاریم که و پنداریم که با هوس و سودا و حتی با تصمیم‌های سیاسی می‌توان به یک عهد پایان داد و عهد دیگر بنا کرد!
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

شاید در نوشته‌های من خوانده‌باشید که پیدایش و پیش آمدن تجدد یک امر قه‌ری نبوده‌ است. هیچ عهدی نمی‌تواند به ضرورت بدل شود؛ اما وقتی به وجود آمده، به نحوی ضرورت پیدا می‌کند. ضرورت ندانشن و ضروری بودن تجدد، در این معنی نیست که ما مدام قادر به تغییر دادن مسیر تاریخ هستیم. سفره وجود و زمان و تاریخ را در برابر ما نگسترده‌اند که هر چه از آن خواستیم، برآوردیم به هر راه و هر جا که خواستیم، ببریم. ما با اختیار عهد می‌بندیم و اختیار یا ابداع را بیست آغاز می‌شود و مقام و اثبات در پی آن می‌آید(و تا وقتی که بنیاد آن عهد سست شود، به آن وفادار می‌مانیم، مختصر بگویم اگر تاریخ تابع ضرورت نیست، از میل و سلیقه و تلقی غریب ایدئولوژیک هم پیروی نمی‌کند.
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

<b>به نظر شما مهمترین ویژگی غرب چیست؟</b>
تفکر غرب همان متافیزیکی(مابعدالطبیعه) است. مابعدالطبیعه که ریشه به تفکر پیش از سقراطی دارد، با سقراط و افلاطون و ارسطو آغاز می‌شود. مابعدالطبیعه را با ماورای طبیعت اشتباه نباید کرد. این تفکر عقلی و منطقی است. زمت فلسفهٔ پیش از سقراط معنایی داشت؛ اما وقتی سقراط آن را از آسمان به زمین آورد، معنای تازه‌ای پیدا کرد. در فلسفهٔ حد که «انسان، جود عاقل» می‌شود. از ابتدای تاریخ فلسفهٔ تا دوره جدید، عقل بنیادی برای وجود آدمی و پیرون از وجود او داشته‌ است. در عهد تجدد، آدمی خود مصدر و منشأ احکام عقلی می‌شود و به نظر بعضی از صاحب نظران عقل او، عقل اراده یا معطوف به قدرت است.

<b>آیا همانند گذشته معتقدید ما هم باید مانند غربیان که شرق شناسی دارند، غرب شناسی داشته باشیم؟ آیا امروز ما نیز به بخشی از این پدیده تعلق داریم و به‌طور کلی برای تأسیس غرب شناسی فرصت از دست رفته و قدری دیر نشده است؟</b>
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

هرگز م معتقد نبوده‌ام که غربیان که تفکرشان به تقلید از غربیان که شرق‌شناسی دارند، غرب شناسی داشته باشند. شرق‌شناسی و غرب‌شناسی چیزهایی هستند که بتوان با تصمیم آنها را ساخت. شرق‌شناسی حاصل نگاه خاص غربی به جهان قبل از تجدد، در مرحله‌ای از بسط تاریخ غربی بود و با قدرت و تسلط غرب و میل به جهانی شدن آن مناسبت داشت. شرق‌شناسی وصف و شرح و تفسیر و تاریخ و فرهنگ‌های گذشته در قلیس با جهان تجدد بوده؛ اما اکنون به نظر
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

می‌رسد که شرق شرق شناسان، که زمانی وجود داشت، دیگر وجود ندارد. وقتی خوب تأمل می‌کنیم، می‌بینیم ما دیگر شرقی نیستیم، هرچند که یکسره غربی هم نشده‌ایم، بلکه در جهان غربی با شبه‌غربی به سر می‌بریم. در این جهان مهمترین کاری که می‌توانیم بکنیم، این است که نسبت خود را با غرب دریابیم و جانب غربی خود را بازشناسیم. غرب‌شناسی ما از سنخ شرق‌شناسی نیست؛ زیرا شرق‌شناس به گذشته تاریخ از منظر تاریخ خود که تاریخ آینده‌ اش بود، نگاه می‌کرد. در این منظر، گذشته‌ یا چیزی نبود یا اگر بود، برای نگهداری در موزه مناسب بود!
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

<div><div><span><span>◆</span><span>◆</span><span>◆</span></span></div><div></div></div>
------------------------------------------------------------------------------------------

<b>«غرب‌شناسی ما از سنخ شرق شناسی نیست؛ زیرا ا شرق شناس به گذشته از منظر تاریخ خود نگاه می‌کرد. در این منظر، گذشته یا چیزی نبود یا اگر بود، برای نگهداری در موزه مناسب است؛ مطلق دانستن و کمال انگاشتن غرب یا پوشالی انگاشتن و عین فساد دانستنش، نشانهٔ آشکار بیگانگی با آن است</b>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

<div><div><span><span>◆</span><span>◆</span><span>◆</span></span></div><div></div></div>
------------------------------------------------------------------------------------------

### نظ‌های ایدئولوژیکه ها

<b>معاصر غربی (با همان مدرنیته) دانست؟</b>
غرب و همه جهان، اکنون پر از جهانی‌بینی است. در گذشته جهان‌بینی به معنایی که می‌فهمم، وجود نداشت؛ اگر مثلاً به ارسطو و ملاصدرا جهان‌بینی نسبت می‌دهند، مسامحه می‌کنند و منظورشان نظر ارسطو و ملاصدرا در باب هستی است. می‌دانیم که میان فیلسوفان اختلاف‌ها هست و فلسفهٔ رنسانس، از فلسفهٔ فیلسوف دیگر ممتاز است. این هم درست‌است که تفکر با هتک ستر و کشف حجاب صورت می‌گیرد. اما در تفکر قصد و غرض جایی ندارد و هیچ تفکری برای معارضه و مبارزه با تفکر دیگر پدید نیامده‌ است. وانگهی چگونه می‌توان با یک تاریخ(آن هم تاریخی مثل مدرنیته) برخورد و معارضه کرد؟

کسی که به نام تفکر چنین داعیه‌ای داشته باشد، متفکر نیست هرچند که اهل سیاست می‌توانند سیاستی مغایر با سیاست‌های مدرن و مخالف با آنها داشته باشند و می‌بینیم که دارند. پرسش اصلی فلسفی از ابتدا پرسش وجودیوه‌ است. وجود یک امر اتزاعی نیست و در تاریخ فلسفه در آغاز هر دوره‌ای به نحوی ظاهر شده‌ است. بعضی فیلسوفان تاریخ غرب را تاریخ وجود می‌دانند. در دوره اخیر که وجود و قدرت تاریخی ظاهر شده‌ است، باید اندیشید که: ۱- ما با این قدرت چه نسبتی داریم و از آن در چه فایده‌ای و درمی‌یابیم؟ ۲- این قدرت به کجا می‌رود و کارش به کجا می‌انجامد؟
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

## دائوری در باره غرب

<b>گفتگو با دکتر رضا داوری اردکانی – سید مسعود رضوی</b>
---------------------------------------------------------

<div><div><span><span>◆</span><span>◆</span><span>◆</span></span></div><div></div></div>
<p>اهل فلسفه ما می‌توانند آرای فیلسوفان غربی را نقد کنند(که البته هنوز این نقد و حتی مقدمات و شرایط آن مهیا نشده است)؛ اما وظیفه فیلسوف رد و اثبات یک فلسفه یا ایدئولوژی نیست. وظیفه و کار فیلسوف تفکر است و تفکر اگرچه راه نشان می‌دهد و مردمان با نور آن در راه قرار می‌گیرند، رد ابتدا مقصد و برنامه ندارد.</p> <p><b>آیا راه گریز از مدرنیته غربی هست؟ و آیا می‌توان غرب را با غرب به یار تدر دیگر با ابزار علم و فلسفه و علوم اجتماعی غربی شناخت؟</b></p> <p>چرا راه گریز از غرب می‌جویید و اصلاً چرا می‌خواه‌اند از غرب بگریزند؟ مگر جایی برای آسایش پیدا کرده‌اید؟ اگر در غرب تقلیدی احساس غربت می‌کنید، قبل از گریختن باید در اندیشهٔ وطن و ماورای آن باشید و اگر وطن خود را یافتید، هرجا باشید، دیگر احساس غربت نمی‌کنید و نیازی به گریز از غربت ندارید.</p> <p><b>◆◆◆</b></p> <p><b>* غرب تمدن بزرگی است و آثار و آفات عظیمی داشته و عالمی است پر از تعارض و کشمکش درونی که راهش به بهشت زمینی و صلح و صلاح دائمی بشر ختم نمی‌شود. اینکه این راه به کجا می‌رسد، هنوز معلوم نیست؛ اما اندیشیدن به آن یکی از وظایف متفکران است</b></p> <p><b>◆◆◆</b></p> <p><b>* ضروری نبودن تجدد، بدین معنا نیست که ما مدام قادر به تغییر دادن مسیر تاریخیم. سفر در زمان و تاریخ را اند برابر ما نگسترده‌اند که هر چه از آن خواستیم، برداریم و به هر راه که خواستیم، ببریم. اگر تاریخ تابع ضرورت نیست، از میل و سلیقه‌ها ایدئولوژیک هم پیروی نمی‌کند</b></p> <p><b>◆◆◆</b></p> <p>تعبیر دیگر سخن این است که از مدرنیته به آسانی نمی‌توان گریخت. شاید بگویند تاریخ مدرنیته به پایان نزدیک شده است. من هم بر همین قولم؛ اما گفتن و تکرار این حرف‌ها کافی نیست، بلکه این پایان یافتن را باید در تفکر و به‌آزمایش جان دریافت. گرایش جهانی دیگر با این آرایش ممکن می‌شود؛ اما اینکه فرمودید آیا با علوم غربی را شناخت، پیداست که به یک اعتبار تاریخ غیر از علوم غربی است. درمی‌کند این علوم را می‌آموزند به یک اعتبار کم و بیش غربی می‌شوند آنها در نقد غرب را می‌شناسند که از حقیقت آن علوم و از تحلی که در وجودشان پدید آمده است، پرسش کنند، و گر نه کسی که با علوم و فلسفه‌ها و ادبیات غربی آشنایی دارد، ضرورت تا نباید به ادعای غربیست.</p> <p><b>آیا راه حل مشکلات انسان مدرن(تسلیمات اتمی، فجاج زیست محیطی، استعمار... از ه همان غرب می‌تواند چیزی؟ در نظر می‌رسد در زمینه نقد دستاوردهای غربی و حتی از آن بهتر در بر جستۀ نقد نقش تفکر شرقی در پویایی تفکر غربی، غربی‌ها گوی سبقت از شرقیان ربوده‌اند.</b></p> <p>هر مشکلی اگر قابل رفع باشد، همان جا که پدید آمده‌ است، می‌تواند و باید رفع با حل شود. مشکلاتی که شما نام بردید، هر چه حلشان متغنی نیست، اما لاف‌ل اکنون در هیچ جا راهی برای حل آنها یافت نمی‌شود و از اهل نظر کسی هم داعیه حل آنها را ندارد و چگونه داشته باشد؟ اما در قسمت آخر پرسش اگر درست فهمیده باشم، می‌خواهید بگویند که نقد غرب کار شرقیان یا دیگران نیست، بلکه غربیان خود تفکر غربی را نقد کرده‌اند و این درست است. در اینجا و در بسیاری جاهای دیگر نیز همان نقد غربی‌ها به صورت‌های مختلف هم، اظهار شده‌ است. کسانی هم گفته‌اند ما که هنوز به مدرنیته نرسیده‌ایم، چرا باید آن را نقد کنیم؟ فرا گرفتن و تکرار نقد تاریخ غربی چیزی است، و باز شناختن خود و جهان خود در این نقدها چیزی دیگر است. من همواره در نقد غرب و غرب‌زدگی، به نفع یا به غرب(که فقط در سیاست معنی و مورد دارد، و بلکه درک وضع تاریخی خودمان را در نظر داشته‌ ام و این جهت است که باید نگاه کارم معلمی فلسفه است. هرگز به صرف نقد و گزارش آرای فیلسوفان غربی در نقد غرب اکتفا نکرده‌ام.</p> <p><b>آیا بهتر نیست برای یافتن یک جایگاه‌فکری قابل انکار در بنای معاصر، بیشتر بر مباد فکر شرقی خود را نقد کنیم تا اینکه به نقد غرب پردازیم؟</b></p> <p>می‌کنم در ابتدا چیزی هست که به شکستن من مربوط می‌شود زیرا من غرب و تجدد را نقد کرده‌ام و گاهی این نقد لحن و رنگ سیاسی پیدا کرده‌ است. تاریخ را از موضع سیاست و ایدئولوژی نمی‌توان و نباید نقد کرد. من هم موضع سیاسی نداشته‌ام بلکه می‌اندیشیدم که اگر تاریخ غربی پایان یابد، عالمی دیگر که هنوز هیچ کس آن را نمی‌شناسد، به جای آن می‌آید. در زمان</p>

<p>اهل فلسفه ما می‌توانند آرای فیلسوفان غربی را نقد کنند(که البته هنوز این نقد و حتی مقدمات و شرایط آن مهیا نشده است)؛ اما وظیفه فیلسوف رد و اثبات یک فلسفه یا ایدئولوژی نیست. وظیفه و کار فیلسوف تفکر است و تفکر اگرچه راه نشان می‌دهد و مردمان با نور آن در راه قرار می‌گیرند، رد ابتدا مقصد و برنامه ندارد.</p> <p><b>آیا راه گریز از مدرنیته غربی هست؟ و آیا می‌توان غرب را با غرب به یار تدر دیگر با ابزار علم و فلسفه و علوم اجتماعی غربی شناخت؟</b></p> <p>چرا راه گریز از غرب می‌جویید و اصلاً چرا می‌خواه‌اند از غرب بگریزند؟ مگر جایی برای آسایش پیدا کرده‌اید؟ اگر در غرب تقلیدی احساس غربت می‌کنید، قبل از گریختن باید در اندیشهٔ وطن و ماورای آن باشید و اگر وطن خود را یافتید، هرجا باشید، دیگر احساس غربت نمی‌کنید و نیازی به گریز از غربت ندارید.</p> <p><b>◆◆◆</b></p> <p><b>* غرب تمدن بزرگی است و آثار و آفات عظیمی داشته و عالمی است پر از تعارض و کشمکش درونی که راهش به بهشت زمینی و صلح و صلاح دائمی بشر ختم نمی‌شود. اینکه این راه به کجا می‌رسد، هنوز معلوم نیست؛ اما اندیشیدن به آن یکی از وظایف متفکران است</b></p> <p><b>◆◆◆</b></p> <p><b>* ضروری نبودن تجدد، بدین معنا نیست که ما مدام قادر به تغییر دادن مسیر تاریخیم. سفر در زمان و تاریخ را اند برابر ما نگسترده‌اند که هر چه از آن خواستیم، برداریم و به هر راه که خواستیم، ببریم. اگر تاریخ تابع ضرورت نیست، از میل و سلیقه‌ها ایدئولوژیک هم پیروی نمی‌کند</b></p> <p><b>◆◆◆</b></p> <p>تعبیر دیگر سخن این است که از مدرنیته به آسانی نمی‌توان گریخت. شاید بگویند تاریخ مدرنیته به پایان نزدیک شده است. من هم بر همین قولم؛ اما گفتن و تکرار این حرف‌ها کافی نیست، بلکه این پایان یافتن را باید در تفکر و به‌آزمایش جان دریافت. گرایش جهانی دیگر با این آرایش ممکن می‌شود؛ اما اینکه فرمودید آیا با علوم غربی را شناخت، پیداست که به یک اعتبار تاریخ غیر از علوم غربی است. درمی‌کند این علوم را می‌آموزند به یک اعتبار کم و بیش غربی می‌شوند آنها در نقد غرب را می‌شناسند که از حقیقت آن علوم و از تحولی که در وجودشان پدید آمده است، پرسش کنند، و گر نه کسی که با علوم و فلسفه‌ها و ادبیات غربی آشنایی دارد، ضرورت تا نباید به ادعای غربیست.</p> <p><b>آیا راه حل مشکلات انسان مدرن(تسلیمات اتمی، فجاج زیست محیطی، استعمار... از ه همان غرب می‌تواند چیزی؟ در نظر می‌رسد در زمینه نقد دستاوردهای غربی و حتی از آن بهتر در بر جستۀ نقد نقش تفکر شرقی در پویایی تفکر غربی، غربی‌ها گوی سبقت از شرقیان ربوده‌اند.</b></p> <p>هر مشکلی اگر قابل رفع باشد، همان جا که پدید آمده‌ است، می‌تواند و باید رفع با حل شود. مشکلاتی که شما نام بردید، هر چه حلشان متغنی نیست، اما لاف‌ل اکنون در هیچ جا راهی برای حل آنها یافت نمی‌شود و از اهل نظر کسی هم داعیه حل آنها را ندارد و چگونه داشته باشد؟ اما در قسمت آخر پرسش اگر درست فهمیده باشم، می‌خواهید بگویند که نقد غرب کار شرقیان یا دیگران نیست، بلکه غربیان خود تفکر غربی را نقد کرده‌اند و این درست است. در اینجا و در بسیاری جاهای دیگر نیز همان نقد غربی‌ها به صورت‌های مختلف هم، اظهار شده‌ است. کسانی هم گفته‌اند ما که هنوز به مدرنیته نرسیده‌ایم، چرا باید آن را نقد کنیم؟ فرا گرفتن و تکرار نقد تاریخ غربی چیزی است، و باز شناختن خود و جهان خود در این نقدها چیزی دیگر است. من همواره در نقد غرب و غرب‌زدگی، به نفع یا به غرب(که فقط در سیاست معنی و مورد دارد، و بلکه درک وضع تاریخی خودمان را در نظر داشته‌ ام و این جهت است که باید نگاه کارم معلمی فلسفه است. هرگز به صرف نقد و گزارش آرای فیلسوفان غربی در نقد غرب اکتفا نکرده‌ام.</p> <p><b>آیا بهتر نیست برای یافتن یک جایگاه‌فکری قابل انکار در بنای معاصر، بیشتر بر مباد فکر شرقی خود را نقد کنیم تا اینکه به نقد غرب پردازیم؟</b></p> <p>می‌کنم در ابتدا چیزی هست که به شکستن من مربوط می‌شود زیرا من غرب و تجدد را نقد کرده‌ام و گاهی این نقد لحن و رنگ سیاسی پیدا کرده‌ است. تاریخ را از موضع سیاست و ایدئولوژی نمی‌توان و نباید نقد کرد. من هم موضع سیاسی نداشته‌ام بلکه می‌اندیشیدم که اگر تاریخ غربی پایان یابد، عالمی دیگر که هنوز هیچ کس آن را نمی‌شناسد، به جای آن می‌آید. در زمان</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

<b>* غرب تمدن بزرگی است و آثار و آفات عظیمی داشته و عالمی است پر از تعارض و کشمکش درونی که راهش به بهشت زمینی و صلح و صلاح دائمی بشر ختم نمی‌شود. اینکه این راه به کجا می‌رسد، هنوز معلوم نیست؛ اما اندیشیدن به آن یکی از وظایف متفکران است</b>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

<b>◆◆◆</b>
تعبیر دیگر سخن این است که از مدرنیته به آسانی نمی‌توان گریخت. شاید بگویند تاریخ مدرنیته به پایان نزدیک شده است. من هم بر همین قولم؛ اما گفتن و تکرار این حرف‌ها کافی نیست، بلکه این پایان یافتن را باید در تفکر و به‌آزمایش جان دریافت. گرایش جهانی دیگر با این آرایش ممکن می‌شود؛ اما اینکه فرمودید آیا با علوم غربی را شناخت، پیداست که به یک اعتبار تاریخ غیر از علوم غربی است. درمی‌کند این علوم را می‌آموزند به یک اعتبار کم و بیش غربی می‌شوند آنها در نقد غرب را می‌شناسند که از حقیقت آن علوم و از تحولی که در وجودشان پدید آمده است، پرسش کنند، و گر نه کسی که با علوم و فلسفه‌ها و ادبیات غربی آشنایی دارد، ضرورت تا نباید به ادعای غربیست.

<b>آیا راه حل مشکلات انسان مدرن(تسلیمات اتمی، فجاج زیست محیطی، استعمار... از ه همان غرب می‌تواند چیزی؟ در نظر می‌رسد در زمینه نقد دستاوردهای غربی و حتی از آن بهتر در بر جستۀ نقد نقش تفکر شرقی در پویایی تفکر غربی، غربی‌ها گوی سبقت از شرقیان ربوده‌اند.</b>
هر مشکلی اگر قابل رفع باشد، همان جا که پدید آمده‌ است، می‌تواند و باید رفع با حل شود. مشکلاتی که شما نام بردید، هر چه حلشان متغنی نیست، اما لاف‌ل اکنون در هیچ جا راهی برای حل آنها یافت نمی‌شود و از اهل نظر کسی هم داعیه حل آنها را ندارد و چگونه داشته باشد؟ اما در قسمت آخر پرسش اگر درست فهمیده باشم، می‌خواهید بگویند که نقد غرب کار شرقیان یا دیگران نیست، بلکه غربیان خود تفکر غربی را نقد کرده‌اند و این درست است. در اینجا و در بسیاری جاهای دیگر نیز همان نقد غربی‌ها به صورت‌های مختلف هم، اظهار شده‌ است. کسانی هم گفته‌اند ما که هنوز به مدرنیته نرسیده‌ایم، چرا باید آن را نقد کنیم؟ فرا گرفتن و تکرار نقد تاریخ غربی چیزی است، و باز شناختن خود و جهان خود در این نقدها چیزی دیگر است. من همواره در نقد غرب و غرب‌زدگی، به نفع یا به غرب(که فقط در سیاست معنی و مورد دارد، و بلکه درک وضع تاریخی خودمان را در نظر داشته‌ ام و این جهت است که باید نگاه کارم معلمی فلسفه است. هرگز به صرف نقد و گزارش آرای فیلسوفان غربی در نقد غرب اکتفا نکرده‌ام.

<b>آیا بهتر نیست برای یافتن یک جایگاه‌فکری قابل انکار در بنای معاصر، بیشتر بر مباد فکر شرقی خود را نقد کنیم تا اینکه به نقد غرب پردازیم؟</b>
می‌کنم در ابتدا چیزی هست که به شکستن من مربوط می‌شود زیرا من غرب و تجدد را نقد کرده‌ام و گاهی این نقد لحن و رنگ سیاسی پیدا کرده‌ است. تاریخ را از موضع سیاست و ایدئولوژی نمی‌توان و نباید نقد کرد. من هم موضع سیاسی نداشته‌ام بلکه می‌اندیشیدم که اگر تاریخ غربی پایان یابد، عالمی دیگر که هنوز هیچ کس آن را نمی‌شناسد، به جای آن می‌آید. در زمان

<b>انقلاب من از «تجدید عهد اسلامی» می‌گفتم؛ اما چون هیچ کس به آن توجه نکرد، در تکرار آن اصرار نکردم؛ زیرا وقتی سخن در گوش مردم در نمی‌گیرد، سخن مناسب با وقت نیست و سخن سیاست باید سخن وقت مناسب با مقتضیات وقت باشد.</b>
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

من به درستی فکر نکرده بودم که تجدید عهد دینی در جهان تجدد چگونه صورت می‌گیرد. برای رسیدن به این معنی قبلاً باید فکر کرد که تجدد چگونه پان می‌یابد و جهان جانشین آن چگونه و از کجا می‌آید. اگر این قضیه سهل انگاشته شود، به جای زبان فلسفه و تفکر، زبان سیاست گشوده می‌شود و ما که هنوز زبان تفکر را باز نیافتاده‌ایم، چه آسان زبان سیاست باز می‌کنیم! من هم در برهه‌ای خاص، به زبان سیاست رو کردم و همراه همه شدم. هنوز ما تقریباً هر چه در باب غرب می‌گویند، سخن سیاسی است، نه نقد تاریخی. اگر به جای پرسیم که بتوانیم غرب را نقد کنیم، در آن صورت گذشته وضع کنونی خود را هم می‌توانیم نقد کنیم. درست بگوییم: ما وقتی می‌توانیم غرب را نقد کنیم که جایگاه تاریخی خود را بازشناسیم. عیبی که شباهه ما آن توجه کرده‌اید، به اشتباه میان مخالفت سیاسی و نقد باز می‌گردد و نه به نقد.
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

<b>آیا فکر نمی‌کنید با ظهور دوره پست مدرن و چندگانگی فرهنگی، دیگر صحبت از غرب شناسی معنایی ندارد؛ زیرا ما دیگر بزرگ صرف نیستیم و غرب با این ویژگی برای ما دیگر بزرگ و افتخار به افتخام نیست؟</b>
غرب و شرق در تصور حکمی دارند و به تحقق حکم‌شان متفاوت است. غرب و شرق محض و صرف، هرگز در هیچ جا وجود نداشته‌ است. اکنون هم وجود ندارد. کربن معتقد بود که اگر چند تن معدود عالم شرقی وجودداشتند،ند،مقیم عالم غربی‌اند! من در نظر مقرر کربن حکم نمی‌کنم، اما می‌داند که شرقی بودن در زمان پوشیده بودن شرق و درافتادگی آدمیان در چاه غربت غربی قیروان(اشاره به «قصه الغریه الغریبه» شهرودی است) غرب شناسی معنایی ندارد. اتفاقاً در تفکر پست مدرن است که چون و چرا درباره غرب موجه می‌شود.

اگر غرب شناسی معنی داشته باشد، آن را در فلسفه فیلسوفان پست مدرن می‌توان یافت. طرح چندگانگی فرهنگی، منافاتی با طرح پرسش از جستی تاریخ غربی ندارد. قبول و ضد چند فرهنگی، فرع و نتیجهٔ انصراف از مطلق انگاشتن فرهنگ تاریخی غربی‌است؛ ولی مطلق نبودن با مطلق ندانستن فرهنگ غربی ضرورتاً اقتضای راه دادن به فرهنگ‌های دیگر نمی‌کند و مگر فرهنگ‌های دیگر آماذگی دارند که جای فرهنگ غربی را بگیرند؟! این هم در فرهنگ غربی، قدری برای اثر پذیری از فرهنگ‌های دیگر مهیا شده‌ است، امر تازه‌ای نیست. فرهنگ غربی از آغاز تا کنون، مخصوصاً از فرهنگ ایران و اسلام اثرهای فراوان پذیرفته است. فرهنگ غربی
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------



























لنگهای گویگاه لژی الیوان

**اجرای طرح حرکت بین خطوط خودروها در بزرگراه‌های تهران**
سرویس حوادث: رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران از اجرای «طرح حرکت بین خطوط خودروها در بزرگراه‌های پایتخت خبر داد.
سردار حسین رحیمی اظهار داشت: تا توجه به این که دو علت اصلی تصادفات در تهران بی‌توجهی به جلو و تغییر مسیر ناگهانی در پنج ماهه نخست امسال بود، برای جلوگیری از تغییر مسیر ناگهانی و کاهش ترافیک در معابر اصلی طرح حرکت خودروها در بین خطوط اجرا می‌شود.
رئیس پلیس راهور تهران از اجرای این طرح در بزرگراه‌های خبر داد و افزود: با توجه به این که بیشتر این حوادث در بزرگراه‌ها رخ می‌دهد، پلیس بزرگراه مسئول رسیدگی به این موضوع است و با متخلفان برخورد می‌کند. سرهنگ «فیروز کردری‌مهر»، رئیس پلیس بزرگراه‌های تهران با اشاره به این که اجرای طرح حرکت بین خطوط خودروها در بزرگراه‌های پایتخت آغاز شده است، افزود: بر این اساس حرکت نکردن بین خطوط ۷۰هزار ریال و تغییر مسیر ناگهانی ۱۳۰ هزار ریال جریمه در پی دارد.
وی اضافه کرد: تغییر مسیر در داخل تونل‌ها یا روی پل‌ها و محل‌هایی که خط مشخص کشیده شده است، ممنوع است و مأموران پلیس بزرگراه برخورد و رانندگان متخلف را در این زمینه تشدید می‌کنند.

**کاهش مدت خدمت سربازان متاهل تک‌دب شد**

سرتیپ دوم پاسدار موسی جانشین اداره منابع انسانی ستاد کل نیروهای مسلح در واکنش به خبر معاون نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها از ارائه طرحی به دولت برای کاهش زمان خدمت نظام وظیفه دانشجویان پرس که ازدواج دانشجویی می‌کنند اعلام کر: خبر کاهش مدت خدمت سربازان دانشجویان پسر که ازدواج دانشجویی می‌کنند، صرفاً یک شایعه نبوده و با توجه به تعداد موالید ذکور سال‌های ۷۰ تا ۸۰ که در ده سال آینده به خدمت اعزام می‌شوند، هیچ برنامه‌ای برای کاهش مدت خدمت سربازی را معافیت گروه جدیدی از مشمولان وجود ندارد.

وی افزود: برابر مقررات موجود کارکنان وظیفه متاهل حتی الاکام در استمال محل سکونت مسرسان‌به کارگیری می‌شوند. لذا همه مشمولان وظیفه باید در قالب مقررات موجود تکلیف خدمت نظام وظیفه خود را ورش کنند. سردار کمالی در پایان از همه مشمولان و اشخاص و سازمان‌ها تقاضا می‌کند که با توجه به نقش خدمت نظام وظیفه در آمادگی دفاعی نیروهای مسلح و همچنین اهمیت و حساسیت خبرهای مربوط به آن برای خانواده‌ها و جوانان، از رسانه‌ای کردن پیشنهادهایی که به خدمت سربازی ارتباط دارد خودداری و هرگونه شایعه‌ها و صرفاً برای بررسی به ستاد کل نیروهای مسلح ارائه کنند.

**بررسی حکم متهمان تجاوز به عنف خمینی شهر**

**در دیوان عالی کشور**

سرویس حوادث: حکم متهمان تجاوز به عنف در خمینی شهر هم اکنون در دیوان عالی کشور در حال بررسی است.
رئیس کل دادگستری اصفهان گفت: در مهلت قانونی ۲۰ روزه، متهمان به رای دادگاه اعتراض کردند و این اعتراض سبب شد طبق ضوابط قانونی، پرونده آنان در دیوان عالی کشور مورد بررسی مجدد قرار گیرد.
افشاری بیان این که حکم دیوان عالی کشور در مورد این متهمان در چند روز آینده صادر خواهد شد، گفت: در حکم دیوان عالی کشور، رای اشد کیفری شعبه ۱۸ اصفهان تایید می‌شود یا در صورت تشخیص وجود ایراد و نقض احتمالی در آن باید احکامات لازم صورت گیرد. در دادگاه ۹۰ متهم تجاوز به عنف در خمینی شهر، متاهلانی که تا چهارم این پرونده به اعدام، ۱۲۹ سال حبس و شلاق تعزیری محکوم شدند. سوم خرداد امسال ۱۳ نفر درحالی که قه، چوب و چاقو در دست داشتند به یک میهمانی خصوصی در باغی در شهرستان خمینی شهر حمله کردند و پس از زندانی کردن مردان، زنان را به باغ دیگری بردند و در آنجا اقدام به تجاوز به عنف کردند.

**اهدای اعضای پدر ۵۴ ساله به سه بیمار**

سرویس خبر-جاس بهرام طوطان با اهدای اعضای پدر پنج‌ده و سه ساله رزنی طراوتی دوباره یافت. به گزارش روابط عمومی واحد پیوند بیمارستان دکتر مسیح دانشوری، مرحوم غلامرضا شهنازی در ۱۹ همین ماه به دنبال عذر غشای قشار خود به بیمارستان در شهرستان رزن مراجعه کرد و سپس برای بررسی بیشتر به بیمارستان میلاد تهران منتقل شد و در پی عوارض خونریزی مغزی ناشی از فشارخون بالا دچار افت سطح هوشیاری شد. پس از بروز اعلام خطر، با اطلاع رسانی رابط پیوند بیمارستان میلاد، هماهنگ کننده پیوند اعضای بیمارستان دکتر مسیح دانشوری و با بیان بیمار حاضر شد و آزمایشات مورد نیاز برای تشخیص مرگ مغزی انجام شد و با رضایت خانواده شهنازی، بیمار برای بررسی‌های نهایی و اهدای عضو به واحد پیوند منتقل شد و با بخشش خانواد شهنازی، مادر و پدر خانواده‌ای که تا رسانی کلی ریه می‌پردن در کنار فرزندان خود حیاتی دوباره یافتند و یک بیمار هم از زنج رسانی ریه‌های پاشی.

**امکان ثبت‌نام مجدد برای عمره مفرده**

رئیس اسناد حج و زیارت با بیان این که در دور جدید ثبت‌نام عمره مفرده، تقصیرماتی از سوی دولت وجود ندارد، گفت: افرادی که پیش از این از به عمره مشرف شده‌اند یا در نوبت اعزام هستند هم می‌توانند در این دوره ثبت نام کنند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حج وابسته به بنعه مقام معظم رهبری، علی‌الطایفه افرادی که در زمان آغاز اعزام ثبت‌نامه‌ای که در این دور انجام می‌شود در سال ۱۳۹۲ اعزام بود و برای سال‌های ۹۱ و ۹۲ و ازتالی که از پیش ثبت نام کرده‌اند، اعزام خواهند شد. وی گفت: اولویت اعزام متقاضیان براساس درج‌کنشی مشخص خواهد شد، بنابراین متقاضیان برای ثبت‌نام حبله نکنند. ثبت‌نام عمره مفرده از پیش فردا به مدت یک ماه در همه شعب بانک‌های ملی و ملت انجام خواهد شد.

**بهره‌برداری از ۱۹ کیلومتر شبکه بزرگراهی**

**در جنوب‌غرب تهران تا اسفند**

معاون امور مناطق شهرداری تهران: توجه به میجث کیفیت از مهمترین نکات در احداث هر طرح و پروژه عمرانه شهری پایتخت است و نباید آن را فدای سرعتی تمام عملیات عمرانی کرد. به گزارش «تهران سیمه»، دکتر عیسی شریف در جریان بازدید پایدانی ارسنامدهی مسیر ورودخانه کن، شبکه‌های بزرگراهی ۳۵ متری شهید مهدی (ابراهیم‌آباد)، ۷۶ متری شهید روح‌دی (سعیدآباد)، ۵۵ متری شهیدهاشمی (بهار)، استخر و سونا، خانه فرهنگ محله خلیج فارس، بوسان انرژی و ساختمان جدید شهرداری ناحیه ۵ منطقه ۱۸ افزود: توجه به این‌چنین شبکه‌های بزرگراهی و وضعیت معیشتی شهروندان محروم محله خلیج فارس از دیگری مورد است که باید اجرای آن پروژه‌ها مردم توجه قرار گیرد و انتظار می‌رود که این شبکه‌های بزرگراهی به طول ۹۰ کیلومتر تا نیمه اول اسفند، استخر سونا، خانه فرهنگ محله خلیج فارس، بوسان انرژی، ساختمان جدید شهرداری ناحیه ۵ منطقه ۵ همراه با تعداد بی شماری طرح و پروژه عمران شهری دیگر در مهر امسال و فاز اول و دوم برسد. شهرداری می‌داند رود خانه کن به پایان سال ۹۱ به بهره برداری کامل می‌رسد.

برپایه این گزارش، مهندس شهرام باقری معاون فنی و عمرانی شهرداری منطقه ۱۸ هم درتایان این بازدید گزارش مسوطی از وضعیت پیشرفت طرح‌ها و پروژه‌های عمران شهری در این منطقه ارائه کرد و وعده داد تا پایان امسال تمامی محلات دارای سرای محله شود.

## دزد عابر بانک‌ها در چنگ پلیس

سرویس حوادث:سارقی که با داشتن پرونده‌های متعدد کلاهبرداری و سرقت از سال ۸۲، باهمه پس از آزادی از زندان اقدام به سرقت ۱۱ میلیون تومان از حساب عابر بانک یک کارگر کرد به پرونده دم افتاد.

فردی در ۲۴ خرداد در شکایتی به قاضی نیک صفت بازپرس شعبه پنجم دادرسی ناحیه یک تهران (شمیرانات) گفت: من کارگر ساختمانی هستم. آخرین روزهای پارسال برای بانک پول از عابر بانک به‌حیث تیرش رفتم. دستگاشمالک داشت و کار کردن را عابر بانک را هم به من نداد. من دانستم. از یک نفر که با کارت عابر بانک منتظر ایستاده بود کمک خواستم و مبلغ ۱۰۰ هزار تومان پول از حسابم برداشتم و به من داد. بعد از چند ماه، وقتی برای برداشتن پس اندازم به بانک رفتم متوجه شدم آن مرد در مدت شب بعد مبلغ ۱۱ میلیون تومان پس اندازم را ازحسابم برداشت. کدهمست باراجاع این شکایت به کارگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران،تصویری از متهم از طریق دوربین مدارتسه بانک به دست آمد و با بررسی تصویر مشخص شد متهم فردی به نام اسماعیل از محله متهمان سابقه دار پلیس است. اسماعیل بازرگان نیز با همین شیوه از ده‌ها نفر از شهروندان تهرانی سرقت کرده بود. در بررسی از شماره حسابی که اسماعیل مبلغ ۱۱ میلیون تومان را به آن منتقل کرده بود، مشخص شد حسابم برابر می‌انسانی است که از او نیز به‌صورت مشابه توسط این متهم مبلغ ۸۰۰هزار تومان به کارت و شماره حساب سرقتی دیگر منتقل شده بود.

در بررسی سوابق متهم مشخص شد که در ۸۳ به اتهام کلاهبرداری دروسال ۸۳ و ۸۶ به چهار مرتبه از زندان آزاد شده و درسال ۸۹ به اتهام سرقت از کارگاه برای برداشت شده و درآخر پارسال پس از آزادی از زندان مجدداً به اتهام سرقت از کارگاه ساختمالک داشت و کار کردن را عابر بانک را هم به من نداد. من دانستم. از یک نفر که با کارت عابر بانک منتظر ایستاده بود کمک خواستم و مبلغ ۱۰۰ هزار تومان پول از حسابم برداشتم و به من داد. بعد از چند ماه، وقتی برای برداشتن پس اندازم به بانک رفتم متوجه شدم آن مرد در مدت شب بعد مبلغ ۱۱ میلیون تومان پس اندازم را ازحسابم برداشت. کدهمست باراجاع این شکایت به کارگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران،تصویری از متهم از طریق دوربین مدارتسه بانک به دست آمد و با بررسی تصویر مشخص شد متهم فردی به نام اسماعیل از محله متهمان سابقه دار پلیس است. اسماعیل بازرگان نیز با همین شیوه از ده‌ها نفر از شهروندان تهرانی سرقت کرده بود. در بررسی از شماره حسابی که اسماعیل مبلغ ۱۱ میلیون تومان را به آن منتقل کرده بود، مشخص شد حسابم برابر می‌انسانی است که از او نیز به‌صورت مشابه توسط این متهم مبلغ ۸۰۰هزار تومان به کارت و شماره حساب سرقتی دیگر منتقل کرده است.

سرهنگ اکبرپور رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بااشاره به اینکه متهم از تمامی بانک‌ها که به این شیوه از آنها سرقت شده است خواست برای پیگیری موضوع و شناسایی متهم به پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ واقع در میدان تیرش –خیابان نیلوارن – سه راه دایرامر مراجعه کند.

سرویس سیاسی – اجتماعی:

«بشتر بیمارستان‌های تهران قدیمی و فرسوده هستند که در مقابل کمترین حوادث به طور کامل از بین خواهند رفت.»

به گزارش خبرنگار ما، دکتر مرزیه وحید دستجردی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مراسم بهره‌برداری از بیمارستان صحرایی دکتر شهید رحمنون در صحرایی قدیم‌شدت با اعلام این خبر افزود: برخی از بیمارستان‌های تهران یک قرن قدمت دارند و در صورت وقوع زلزله اکثر این بیمارستان‌ها فرو می‌ریزند، بنابراین از بهترین راه‌ها در شرایط اضطراری و غیر اضطراری استفاده از بیمارستان‌های صحرایی است.

وی یکی از مشکلات نظام سلامت را کاهش جمعیت روستاها و افزایش جمعیت شهریه‌به‌ویژه حاشیه‌شهرهای بزرگ دانست و گفت: اکثر این مناطق از ارائه خدمات درمانی تخصصی محرومند که این بیمارستان‌ها که هم‌را با کلینیک هستند می‌توانند خدمات بسیار خوبی به مردم ارائه کنند. دکتر دستجردی با قدردانی از سازمان بسیج جامعه پزشکی که خدمات بسیاری خوبی در این بیمارستان‌ها ارائه می‌کند، افزود: استاندار تهران خواست تا در تقویت این بیمارستان‌ها و ارائه خدمات درمانی به اقشار آسیب‌پذیر چهره نظام سلامت کشور تغییر پیدا کند.

وزیر بهداشت در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به این که در ۶۰ سال گذشته ۱۵ هزار تخت بیمارستانی به بهره‌برداری رسیده است و تا پایان امسال هم چهار هزار تخت بیمارستانی دیگر به بهره‌برداری می‌رسد، افزود: ۶۶ هزار تخت بیمارستانی دیگر در دست ساخت است که امیدواریم تا پایان دولت دهم به بهره‌برداری برسد.

وزیر بهداشت در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به این که در ۶۰ سال گذشته ۱۵ هزار تخت بیمارستانی به بهره‌برداری رسیده است و تا پایان امسال هم چهار هزار تخت بیمارستانی دیگر به بهره‌برداری می‌رسد، افزود: ۶۶ هزار تخت بیمارستانی دیگر در دست ساخت است که امیدواریم تا پایان دولت دهم به بهره‌برداری برسد.

**آزیت، سالانه جان ۹۰ ایرانی را می‌گیرد**

سرویس سیاسی – اجتماعی: ۹۰ ایرانی هر سال به دلیل حضور در چرخه تولید مصرف محصولات دارای آزیت جان خود را از دست می‌دهند.

ایسن مطلب را علی محمد شاعری قائم مقام سازمان حفاظت محیط زیست در گفت‌وگو با استعلام‌های تهران، توضیح داد: آزیت ماده‌ای بسیار خطرناک و سمی است که در برخی محصولات مصرفی وجود دارد، برعکس تاکنون شنواری عالی محیط زیست برای نمونه واردات محصولاتی بااین منشاء چهار قانون تصویب کرده است.

او ادامه داد: بر اساس پروتکل‌های بین‌المللی، گزارش سازمان جهانی بهداشت و قوانین اتحادیه جهانی کار، آزیت بسیار خطرناک و سرطان‌زا و، اما کارگیری تولید آن در تمامی محصولات، منوع است، کنون کشورهای ماندروسیه و کانادا که بیشترین سهم تولیدات آزیت را دارند درصدد لغو ممنوعیت‌های جهانی هستند تا در آمد هنگفتی از این طریق برای آنها در کشورهای جهان سوم تأمین شود.

به گفته وی، معاون محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست، در ایران به دلیل آنکه دستگاه‌های متولی به تعهدات خود در زمینه جایگزینی آزیت با دیگر مواد، عمل نکرده‌اند، هر ساله داری از هموطنان به سرطان ریه و دستگاه‌های تنفسی دچار می‌شوند، بر همین اساس، سازمان حفاظت محیط زیست در تقاضم انسانی با سازمان تحقیقات مسکن، اجرائی شای جایگزینی آزیت با رانبدل می‌

شاعری توضیح داد: براین اساس، تمامی واحدهای تولیدی مربوطه باید از جایگزین مناسب برای آزیت در محصولاتی مانند روغن‌های موم چوب و پوشش سقف، لو‌های انتقال آب و لنت تر استفاده کنند.

### لنگهای گویگاه هادیان

**عامل جنایت پل مدیریت در ملاه عام اعدام شد**

سرویس حوادث: سرپرست دادرسی اورجانی تهران از اجرای حکم اعدام قاتل پرونده جنایت پل مدیریت در امروز خبرداد.
فریدون امیرآبادی قراهانی در این باره گفت که درخواست اجرای حکم از سوی اولیای مد و محل وقوع جنایت به صورت علنی اجرا می‌شود و وی افزود: طبق روال قانونی خانواده کوشا (محکوم به مرگ) در جریان اجرای حکم قرار گرفت.
دختری دانشجوی به نام (مهسا) مقارن ظهر چهارشنبه ۱۵ تیرامسال، به دلیل در درخواست رابطه دوستی و ازدواج با همکلاسی اش به نام کوشا از سوی او مورد حمله قرار گرفت و کشته شد.

در این حادثه در دو حوالی پل مدیریت رخ داد، هم‌دانشگاه‌های مهسا هم که ششاده ماجرا بود مجروح شدو و هزگان کوشا را دستگیر کردندو تحویل پلیس دادند. این متهم به قتل در جریان محاکمه به قتل با انگیزه رد خواستگارش از سوی مقتول اعتراف کرد و به قصاص محکوم شد.

**سقوط وانت بار با ۴ سرشین به دره**



سرویس حوادث: تاوانی راننده نوجوان در هدایت وانت بارموجب سقوط خودرو به عمق ۳۰ متری دره در جاده امامزاده (دودر) شد، اما راننده وانت و سرنشینان آن از این حادثه جان سالم به‌در بردند.
این وانت در حالی که دوسرینش در قسمت بار و راننده و یک سرنشین نیز در اتاق آن بودند هنگام حرکت در جاده امامزاده (دودر) بعد از رستای سونقان دچار حادثه شد و به دره سقوط کرد.
آتش نشانان ایستگاه ۷۴ شهرستان و گروه نجاتی ۸ با اطلاع شهروندان به محل حادثه اعزام شدند.

عباس میرایی رئیس ایستگاه ۷۴ آتش نشانی گفت: در این حادثه و هنگام سقوط خودرو دوسرینش در دره کمرشست بار وانت بودند. به بیرون پرتاب و راننده و سرنشین دیگر آن هم پیش از رسیدن آتش‌نشانان از خودرو خارج شدند و آتش‌نشانی‌ها چرخه حادثه را به پای کار دره منتقل کردند.

سرویس حوادث: مدیرکل تشریح و صحنه جرم سازمان پزشکی قانونی گفت: پارسال ۶۷ نفر بر اثر مسمومیت به علت گاز گرفتگی در چاه جان باختند

# بهره برداری از بیمارستان صحرایی منطقه قیام‌دشت با حضور وزیر بهداشت



عصر: از سعید نیک‌نژاد

وجود دارد که خدمات باوروی به مردم ارائه می‌کند.

شاهچراغی با اعلام این که اگر فسرید در اینجا نیاز به خدمات تخصصی داشته‌باشد، باید حداقل ۴۰ کیلومتر فاصله به تهران را طی کند، گفت: خدماتی که در این منطقه ارائه می‌شود. در حد یک روستا است.

وی از وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خواست تا بیمارستان‌های صحرایی در کشور را به‌نایزاهای درمانی در مواقع اضطراری

دانست و گفت: از دیگر اهداف این مراکز، ارائه خدمات تخصصی در مناطق محروم است.

وی با اعلام این که به این بیمارستان‌به عنان به اصطلاح «بخت‌پرستان سینا» مجوز داده شده است، افزود: این مرکز ظرف یک هفته گذشته بیش از دو هزار بیمار ویزیت شده‌اند که جراحی‌های کوچک در آن انجام شده و دو مورد

به گفته او، لته‌های ترمز وارداتی باید در تمامی میادی کشور توسط سازمان کم‌رک کنترل و عاری بودن آنها از آزیت به تأیید امر پذیر برسد.

اما اکنون با وجود این تأدیر، هر ساله لته‌های ترمز قاچاق به کشور وارد و جان ده‌ها انسان بی‌گناه تهدید می‌شود.

شاعری در پاسخ به این پرسش خبرنگار ما که شهروندان چگونه می‌توانند محصولات آزیت را از چرخه وارد مصرفی خود حذف کنند گفت: مثلاً در هنگام تعویض لنت، هر راننده باید به جعبه لنتی که انتخاب می‌کنددقت کند و عبارت «بدون آزیت» یا «Non Asbestos» را باید به این صورت به سلامتی خود و دیگر شهروندان کمک کرده است.

به گفته قائم مقام سازمان حفاظت محیط‌زیست، خطر قرار گرفتن در کارگاه‌های تولید محصولات آزیت برای کارگران به گونه‌ای است که تمامی آنان دست کم تا ۳۰ سال بعد از حضور در کارگاه هم مستعد ابتلا به سرطان ریه و مجاری تنفسی هستند و این نتیجه از بر امجعات بیماران به مراکز درمانی تهران به دست آمده است.

شاعری همچنین از پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست به دولت برای اعطای تسهیلات بانکی به واحدهای صنعتی خرید کار و به منبای آن‌ان واحدها بتوانند طرح جایگزینی آزیت را اجرایی و خط تولید خود را تغییر دهند.

او ادامه داد: جایگزینی این ماده خطرناک در این سیرالیزان ضروری است، زیرا اکنون در ۵۰ کشور دنیا این موضوع تحت پیادکسرو تولید، عرضه و مصرف محصولات آزیت ممنوع شده است.

**استاندارد خودروها**
تحت‌تفتیس مسکن، اجرائی شای جایگزینی آزیت با رانبدل می‌

شاعری توضیح داد: براین اساس، تمامی واحدهای تولیدی مربوطه باید از جایگزین مناسب برای آزیت در محصولاتی مانند روغن‌های موم چوب و پوشش سقف، لو‌های انتقال آب و لنت تر استفاده کنند.

او ادامه داد: بر اساس پروتکل‌های بین‌المللی، گزارش سازمان جهانی بهداشت و قوانین اتحادیه جهانی کار، آزیت بسیار خطرناک و سرطان‌زا و، اما کارگیری تولید آن در تمامی محصولات، منوع است، کنون کشورهای ماندروسیه و کانادا که بیشترین سهم تولیدات آزیت را دارند درصدد لغو ممنوعیت‌های جهانی هستند تا در آمد هنگفتی از این طریق برای آنها در کشورهای جهان سوم تأمین شود.

به گفته وی، معاون محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست، در ایران به دلیل آنکه دستگاه‌های متولی به تعهدات خود در زمینه جایگزینی آزیت با دیگر مواد، عمل نکرده‌اند، هر ساله داری از هموطنان به سرطان ریه و دستگاه‌های تنفسی آسیب می‌خورند، بر همین اساس، سازمان حفاظت محیط زیست در تقاضم انسانی با سازمان تحقیقات مسکن، اجرائی شای جایگزینی آزیت با رانبدل می‌

شاعری توضیح داد: براین اساس، تمامی واحدهای تولیدی مربوطه باید از جایگزین مناسب برای آزیت در محصولاتی مانند روغن‌های موم چوب و پوشش سقف، لو‌های انتقال آب و لنت تر استفاده کنند.

او ادامه داد: بر اساس پروتکل‌های بین‌المللی، گزارش سازمان جهانی بهداشت و قوانین اتحادیه جهانی کار، آزیت بسیار خطرناک و سرطان‌زا و، اما کارگیری تولید آن در تمامی محصولات، منوع است، کنون کشورهای ماندروسیه و کانادا که بیشترین سهم تولیدات آزیت را دارند درصدد لغو ممنوعیت‌های جهانی هستند تا در آمد هنگفتی از این طریق برای آنها در کشورهای جهان سوم تأمین شود.

شاعری توضیح داد: براین اساس، تمامی واحدهای تولیدی مربوطه باید از جایگزین مناسب برای آزیت در محصولاتی مانند روغن‌های موم چوب و پوشش سقف، لو‌های انتقال آب و لنت تر استفاده کنند.

شاعری توضیح داد: براین اساس، تمامی واحدهای تولیدی مربوطه باید از جایگزین مناسب برای آزیت در محصولاتی مانند روغن‌های موم چوب و پوشش سقف، لو‌های انتقال آب و لنت تر استفاده کنند.

سرویس حوادث: بیش از ۱۰۰ مورد قصور دستگه‌های مسئول از آغاز

اجرائی شدن قانون جدید راهنمایی و رانندگی مشخص شده است که در بیشتر این موارد شهرداری‌ها مقصر بوده‌اند.

رئیس پلیس راهور ناجا با اشاره به اجرایی شدن قانون جدید راهنمایی و رانندگی گفت: در قانون جدید مسئولیت دستگاه‌های مختلف مشخص شده است و اگر تخلفی صورت گیرد، قصور این دستگاه‌ها به‌مقام قضایی اعلام می‌شود. سردار مؤمنی درباره خودرو «افرا» گفت: ایمنی و استاندارد خودرو

فرز در حال بررسی است و این خودرو با وضع فعلی ایمن نیست. وی از وی در حاشیه حضور در مرکز نظارت همگانی نیروی انتظامی (۱۹۷) با بیان آغاز موج دوم سفرهای تابستانی افزود: در مرحله دوم طرح تابستانی دو موج سفر پیش‌بینی شده بود موج اول پس از عید سعید فطر انجام شد و موج دوم تا پایان شهریور تا دوم مهرپیش‌بینی شده است.

وی با بیان این که پلیس تمهیدات خاصی را برای موج دوم سفرهای تابستانی در نظر دارد، گفت: از مردم می‌خواهیم که سفرهای خود را مدیریت کنند و از عجله و شتاب پرهیزند. رئیس پلیس راهور ناجا درباره ناهنجاری و آلودگی‌های سوختی و صوتی برخی خودروهای وارداتی گفت: هر گونه تغییر در ساختار اتومبیل‌ها که خودروها را از حالت استاندارد خارج می‌کند، ممنوع است و مأموران پلیس با این تخلفات برخورد می‌کنند.

به گفته وی، آلودگی صوتی صدای تخلف است و مأموران با این تخلف برخورد خواهند کرد.

**افزایش ۲۰ درصدی ترافیک مهر**

رئیس پلیس راهور ناجا در ادامه درباره تمهیدات این سازمان برای ترافیک مهر با بیان این که بر اساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته افزایش ۲۰ درصدی ترافیک در روز اول مهر مواجه خواهیم بود، گفت: مهر ضرب‌ال‌هنگ جدیدی در زندگی مردم است و ۱۴ میلیون دانش آموز به اضافه استادیان، دانش‌آموزان و غیره در این روز به خیابان‌ها می‌آیند.

مؤمنی با اشاره به آماری‌های متوفیان تصادفات گفت: در تصادفات سه نوع آمار وجود دارد که آثار نهایی متعلق پزشکی قانونی است، اما آمار پلیس بر اساس ترسیم کروکی و آمار سر صحنه تصادفات اعلام می‌شود که بر اساس همین آمارها ۴۹ درصد از متوفیان تصادفات در مسیر بار و بارمیرستان جان خود را از دست داده‌اند. وی با بیان این که در چهارماه نخست امسال حدود ۱۰۰ نفر کشته در تصادفات جان خود را از دست دادند، گفت: بر اساس آماری‌های اولیه در مرداد نیز حداقل میزان متوفیان جاده‌ای ۱۰ درصد کاهش داشته است.

## تأکید مسئولان ستاد مبارزه با مواد مخدر بر مراجعه داوطلبانه معتادان به مراکز درمانی



سرویس حوادث:دیرکل ستاد

مبارزه با مواد مخدر با تأکید بر این که دستگاه مبارزه با مواد مخدر نیازمند تعامل و مبارزه همه دستگاه‌ها است، گفت: تلاش و تهاجر به اعتیاد کرد، دستگاه مراکز درمان مجاز باید گسترش یابد و به راحتی در دسترس معتادان قرار گیرد تا شرایطی مهیا شود که این دسته از بیماران به‌صورت داوطلبانه برای درمان خود به مراکز مراجعه کنند.

سردار مؤمنی در این مراسم، سبب خانم دکتر وحید دستجردی همساره دکتر باقر لاریجانی رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران و سردار همدانی فرمانده سپاه تهران بزرگ از بخش‌های مختلف این بیمارستان صحرایی دیدن کرد.

سرویس حوادث:دیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر با تأکید بر این که دستگاه مبارزه با مواد مخدر نیازمند تعامل و مبارزه همه دستگاه‌ها است، گفت: تلاش و تهاجر به اعتیاد کرد، دستگاه مراکز درمان مجاز باید گسترش یابد و به راحتی در دسترس معتادان قرار گیرد تا شرایطی مهیا شود که این دسته از بیماران به‌صورت داوطلبانه برای درمان خود به مراکز مراجعه کنند.

سردار مؤمنی در این مراسم، سبب خانم دکتر وحید دستجردی همساره دکتر باقر لاریجانی رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران و سردار همدانی فرمانده سپاه تهران بزرگ از بخش‌های مختلف این بیمارستان صحرایی دیدن کرد.

سرویس سیاسی – اجتماعی: «نخستین یادواره شهرداران آسمانی بازویگر در گذشت‌شدت ۱۴۸ شهید شهرداری تهران فردار در سالن وزارت کشور برگزار می‌شود»

به گزارش خبرنگار اطلاعات، امیر جعفری فرمانده بسیج شهرداری تهران این مطلب را درپور در نشست خبری با اعلام کرد و توضیح داد: از وظایف بسیج، نگهداری شهیدان یاد و نام شهیدان، زیر باره مارش مقام معظم رهبری، این امر کمتر از شهادت نیست: به همین منظور تصمیم گرفتیم با حضور و تدبیر دکتر قالیباف که خود از یادگاران دفاع مقدس است، یادواره‌ای برای گرامیداشت مقام شهیدای شهرداری تهران برگزار کنیم. به گفته او در شمار ۱۴۸ شهید شهرداری تهران، چهره‌های شاخصی مانند شهیدان آستان حسن بنا، حسین صابری و محمدحسین غلامی به چشم می‌خورد که روز بزرگ‌زاری یادواره از خانواده‌های این شهیدان تجلیل خواهد شد.

جعفری همچنین از حضور سردار حسین سلامی، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این یادواره خبر داد و افزود: با حضور مقامات ویژه که همگی از فرماندهان شت فعال دفاع مقدس هستند، ساعت ۲۴ هزار شهید برای ۲۴ هزار شهید به صورت رسمی راه‌اندازی می‌شود. به گفته او، استان تهران ۲۴ هزار شهید به دفاع مقدس تقدیم کرده است که در این طرح تلاش می‌شود به منظور زنده نگه‌داشتن جانفشانی‌های شهید، برای هر کدام یک وبلاگ اختصاص داده شود.

به گفته او در این سایت، وصیت‌نامه‌ها، خاطره‌ها، تصویر دستنوشته‌ها و زندگی‌نامه‌های استان تهران انعکاس داده می‌شود. جعفری درباره فعالیت‌های مرکز نیز فرمادهی بسیج شهرداری تهران توضیح داد: برایی یادواره در ۳۷۴ محل به تهران، مناسب‌سازی و معاینات مناطق ۱۴ و ۱۵ و معملوان و جنگل‌ها، جازایان، از طریق شتاب و تعالی، دیوار با علما و مراجع در قالب طرح «شجره طیبه صالحین» و آموزش ۱۲۰۰ مدیر و معاون بسیج در حوزه‌های ولایی، اخلاقی و سیاسی از جمله فعالیت‌های این مرکز است.

به گفته او، مرکز فرماندهی بسیج شهرداری تهران همچنین در راه‌اندازی سایت‌های گسیع‌بانان و امراءادگان تهران و آزادی ۱۷ زندانی جرایم غیرممد مشارکت داشته است. جعفری در ادامه این نشست تأکید کرد: از دیگر وظایف بسیج، امدادرسانی در مواقع بحران است که بر این اساس، دوره‌های آموزشی برای بسیجیان شهرداری تهران تعریف شده است و در شش ماه دوم امسال اجرایی می‌شود.

سه شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۰ - ۱۴ شوال ۱۴۳۲ - ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۱ - شماره ۲۵۱۲۶

**خط ارتباطی اطلاعات با مردم**

۲۲۲۲۶۰۹۰

۷۶۲ بعد از ظهر پنجشنبه و تعطیلات

چند نکته در ارتباط با پیوندهای کان گرامی

توجه خوانندگان محترم را بدین‌ترتیب با پیوندهای تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:

- موضوعات پیوندهای خصوصی، حقوقی و قضایی نباشند.
- از تکرار یک‌بار پیوسته‌ای که پیوسته‌ای نباشد.
- پیام‌ها مختصر و مفید باشند و دقیق باشد.
- چاپ پیاپی بر اساس نوبت است

باشکشی - سرویس ارتباطات مردمی

**ایمیل خط ارتباطی:** ertebat@etlaat.com

**اتوبوس هاژود دست از کار می‌کشند**

از حوالی ساعت ۳۰۷ دقیقه بعد از ظهر به بعد، رانندگان اتوبوس‌های میدان صنعت – مترو حقانی در ایستگاه مبدأ دست از کار می‌کنند و موجب سردرگمی بسیاری از مسافران و به‌خصوص خانم‌هایی می‌شوند که از محل‌های کار و یا تحصیلاتشان باز می‌گردند.

**پول کدام گندم‌ها را دولت پرداخته؟**

مسئول گندم سراسری در ۷۱/۲ گفته بود ما به گندم‌کاران هیچ بدهی نداریم، من به عنوان یک کشاورز گندمکار با زده تن گندم در ماه گذشته به دولت تحویل داده‌ام که قیمت آن حدود چهار میلیون تومان است، سایر کشاورزان شهرستان سلسام نیز همین وضع را دارند اما دروغ از یک دینار پول به دولت تحویل داده‌اند و راستی چرا یک میلیون باید سخی‌بگوید که موجب تعجب و تأسف یک روستایی که از سیاست چیزی نمی‌داند، بشود؟

**سلسام – کشاورز گندمکار**

**۱۹۵ هزار تن جای می‌توانست اززان تر به فروش برسد**
در روزنامه اطلاعات خواندم که ۱۹۵ هزار تن جای به ارزش ۳۵۱میلیارد تومان تبدیل به کوشده که حلالی که می‌توانست یک سال‌های گذشته به قیمت اززان در اختیار کارگران و کارمندان قرار گیرد.

از خواندان این خبر بسیار ناراحت و متأثر شدم.

**تلفن به خط ارتباطی**

**طلب بازنشتگان را پرداخت کنید**

۳۵۱میلیارد تومان جای فاسد کود می‌شود اما طلب بازنشتگان قبل از سال ۷۹ هنوز وصول نشده است و گویا قرار است بازنشتگان این اززو را توشه سفر دنیای دیگر کنند.

**صادقی از تهران**

**وعده‌های جالب برای افزایش آب بها**

آقای معاون وزیر نیرو در مصاحبه‌ای با خبرنگاری فارس اعلام کرده بودند در صورت افزایش ۲۰ درصدی پول آب، خدمات شرکت‌های آب‌آبی کشور به‌صورت مناسب‌تر به مردم ارائه می‌شود. این حال می‌خواهم بدانم منظور ایشان از ارائه خدمات بهتر چیست؟ یعنی آب به‌صورت انبساطی‌زه در لوله‌ها جریان پیدا می‌کند؟ یا در مابست‌های خاصی به‌صورت آب از لوله‌ها شربت سرازیر می‌شود و در تمام عذارای و سرما، چای و قهوه واقعاً که وعده‌های جالبی برای افزایش آب بها داده می‌شود!

**تلفن به خط ارتباطی**

**تجمعات برای نجات دریاچه ارومیه مودعی است**
چند روز پیش معاون استاندار آذربایجان‌غربی اعلام کرد که تجمعات مردم برای نجات دریاچه ارومیه از سوی دشمنان نظام برنامه‌ریزی شده است.

با توجه به اینکه خشک شدن تدریجی این دریاچه بزرگ از ۱۵ سال پیش شروع شده و دلیل آن هم به کار بردن سیاست‌های غلط همچون بستن سدهای زیادی به صورت غیر کارشناسی و قطع سهمیه آب دریاچه بوده است و همچنین با اذعان به این موضوع که با خشک شدن دریاچه ارومیه بیش از ۱۰ میلیارد تن نمک به صورت گرد و غبار و توفان به سر مردم این ناحیه خواهد ریخت و آثار زیان‌بار آن تنها مردم منطقه بلک که سرزمین ایران از کشورهای اطراف همچون عراق و ترکیه را در بر می‌گیرد و متأسفانه مسئولان مربوط







### ترجیم

«بسمه تعالی»

درگذشت بانوی محترمه مرحومه مغفوره حاجیه خانم بانو رستمی دولت آبادی، همسر مکر مه جناب مستطاب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمدتقی زنوزی، خطیب و دانشمند محترم را به اطلاع می‌رساند.

آیات عظام و حجج کرام: سیدرضی شیرازی –مدرس بستان آبادی –قبله‌ائی خوئی –سیدعلی انجزی –هاشمی تبریزی –علوی تهرانی –قاسم پور –محمدیان –برهانی –علیدوست –روحانیان –دکتر سید طه مرقاتی خوئی –سید کاظم موسوی –حسین‌زاده خوئی – علیا.

«بسمه تعالی»

السلام علیک یا فاطمةالزهرا

با تسلیم به مشیت الهی درگذشت همسری فداکار، مادری نمونه، خادمه حضرت زهر(اس) مرحومه مغفوره حاجیه خانم بانو رستمی دولت آبادی را به اطلاع می‌رساند.
مجلس ختم آن مرحومه روز سه‌شنبه مورخه ۹۰/۶/۲۲ ـاز ساعت ۵/۳۰الی ۷بدوازظهر در مسجد جامع شهرک قدس (غرب سابق) ـروبروی مجتمع تجاری میلاد برگزار می‌گردد.

همسر: محمدتقی زنوزی(واعظ) وفرزندان آن مرحومه وخانواده‌های وابسته، جمعیت اسلامی فرهنگی زنوزی‌های مقیم مرکز ـمجمع خوئی‌های مقیم مرکز ـ هیئت‌های عزاداران حسینی آذربایجانی‌های مقیم مرکز

بسمه تعالی

درگذشت متعلقه حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد تقی زنوزی خوئی سایه تأسف و تأثر است.ضمن عرض تسلیت به تمامی خانواده عزادار مجلس ترحیمی روز سه‌شنبه مورخ ۹۰/۶/۲۲ از ساعت ۵/۳۰ تا ۷بدوازظهر در مسجد جامع شهرک قدس(غرب سابق)برگزار خواهدشد.حضور همشهریان باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

دکتر حاج موید حسینی صدر
نماینده مردم محترم شهرستان‌های خوی و چابپاره

بسمه تعالی

از درگذشت متعلقه واعظ شهیر و استاد سخن حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد تقی زنوزی خوئی مطلع شدیم، با عرض تسلیت به تمامی خانواده عزادار مجلس ترحیمی روز سه‌شنبه مورخ ۹۰/۶/۲۲ از ساعت ۵/۳۰ تا ۷ بدوازظهر درمسجد جامع شهرک قدس( غرب سابق) برگزار خواهد شد، حضور عزیزان همشهری به قلوب عزاداران تسلی بخش است.

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	هیات موسس خانه خوی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>		
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	پازگشت همه به سوی اوست	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	بانهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان خانم صهبا قرشی را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.به همین مناسبت مجلس ختمی روز چهارشنبه مورخه ۹۰/۶/۲۳ از ساعت ۵/۳۰الی ۷بدوازظهر در مسجدالنبی (ص) واقع در انتهای خیابان کارگرشمالی – روبروی کوی دانشگاه تهران برگزار می‌گردد، حضور شما سروران عزیز موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر و امتنان بازماندگان خواهد بود.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	خانواده‌های سوگوار: قرشی –صدری –اردکانی – کشمیری –سهامی –شریف کاشانی –قیاسی –محمدی –برزگر –آذرین –ابیوی –شیرازی –میرسعیدی و سایر خانواده‌های وابسته	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	پازگشت همه به سوی خداست	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	به مناسبت هفتمین روز درگذشت اندوهناک شادروان سبکینه صفی‌زاده شیبستری در مشهد مقدس همسر حاج ابراهیم توسلی ودختر مرحوم حاج میر علی اصغر صفی‌زاده شیبستری مجلس یادبودی در روز پنجشنبه ۱۳۹۰/۶/۲۴ ازساعت ۱۶ تا ۱۷/۴۰ در تالار مردانه و زنانه مجتمع اسلامی نور شبسترپها به نشانی: تهران، میدان دکتر فاطمی برگزار می‌شود.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	حضور خویشاوندان و آشنایان موجب شادی روح آن درگذشته و آرامش بازماندگان خواهد بود.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	خانواده‌های سوگوار: صفی‌زاده شیبستری – توسلی – غنیان –وادوا –قدملی‌زاده –حبیبی شیبستری – کتانی – سینی‌چی –فیضی‌زاده –بنکدار زاده–مسلم نژاد–بابازاده –محمدی و سایر بستگان.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	پازگشت همه بسوی اوست	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	بانهایت تأثر و تأسف درگذشت شادروان دکتر محمدعلی ثابت را به اطلاع کلیه بستگان و آشنایان می‌رساند. به همین مناسبت مجلس بزرگداشتی در روز سه‌شنبه ۹۰/۶/۲۲ از ساعت ۱۸ تا ۱۹/۳۰ درمسجد امیرالمؤمنین واقع در شهرک ژاندارمری بلوار مرزداران برگزار می‌گردد. حضور شما عزیزان باعث شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	خانواده‌های: ثابت –ملوک پور – علیزاده ثابت و کلیه خاندان وابسته	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	پازگشت همه بسوی اوست	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	بااندوه و تأسف فراوان درگذشت مادر عزیزمان خانم بتول وزیری تهرانی(معقول) را به اطلاع بستگان و دوستان محترم می‌رساند.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	مجلس یادبود روانشادر روز سه‌شنبه ۹۰/۶/۲۲ ساعت ۱۹ درمنزل آن شادروان برگزار می‌گردد. طبق وصیت آن مرحومه هزینه مراسم صرف امور خیریه خواهد شد. فرزندان: هوشنگ – پروین و پریوش معقول	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	خانواده‌های: تهرانی –معقول –مومنی فراهانی – معتمدی –وزیری فراهانی –محتشمی –مطیعی –صیرفی – سالک –همایون –زموده	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

انالله و انا الیه راجعون

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر ارجمندمان محمد حسین اصغرزاده را به استحضار می‌رساند.

مراسم ترحیم آن مرحوم روز پنجشنبه ۹۰/۶/۲۴ ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در محل مسجدالجواد (ع) واقع در میدان هفتم تیر منعقد می‌باشد.

ابراهیم اصغرزاده –محسن امین زاده

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	پازگشت همه به سوی اوست	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مادری مهربان حاجیه خانم ربایه (ضیاءالملوک، شمس الزمان، مامان جون) شیخان(دبائی) همسر مرحوم علی اکبر دبائی را به اطلاع می‌رسانیم. به همین مناسبت مراسم ختم آن مرحومه روز پنجشنبه ۱۳۹۰/۶/۲۴ از ساعت ۵ تا ۶/۳۰بدوازظهر در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد برگزار می‌گردد.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	از طرف فرزندان <span> </span> : فریدون – شاهرخ – پروین – بهرام – شهرام و شهین دبائی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	شیخان: شیخان –دبائی –طاهری –راسخی –ویمناژ خانواده‌های: شیخان –دبائی –طاهری و آشنایان –مجلسی –نکوبخت تک و سایر بستگان	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	اوست پایدار	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	بانهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان جلال روش صاحب‌منصب وبازنشسته گمرک ایران را باطلاح میرساند. بوصیت آن مرحوم کلیه هزینه‌های مربوطه بصرف امور خیریه خواهد رسید.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	از طرف همسر: فردوس فریدنی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	فرزندان <span> </span> : منوچهر –بهزاد –دکتر نوشین روش داماد: حسین گلبلاغی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	نوه‌ها: مهندس هوتن و آیتین گلبلاغی و سایر بستگان	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	بانهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان آقای مهندس محمدباقر سعیدی را به اطلاع خویشاوندان و دوستان می‌رسانیم.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	همسر: منیره مهاجر اسکویی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	فرزندان: زیبا و گیتا سعیدی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	برادر: مهندس مصطفی سعیدی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	خانواده‌های: سعیدی–مهاجر اسکویی –ابهری –رضایی وخانواده‌های وابسته	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	باکمال تاسف وتاثر درگذشت شادروان سرهنگ علیمحمد عرب خزانینه (بازنشسته نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران)را به اطلاع کلیه دوستان، آشنایان واقوام محترم می‌رساند.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	هزینه مراسم صرف امور خیریه خواهد شد.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	عرب خزانینه: قوامی – نورجهان – توحید آملی – نسیم‌زاده –ضیائی نیکپور –هاشمیه –زمانی –قرچانلو –صفایور – شمشادی – رهنما هدایتی سرخابی – بای – رستمی –رستمانی –هدایتی –جدیدیان کریمی –صفائی –دکتر اقبال –سردار اخوین انصاری –سرهنگ راستین –سرهنگ بعبیور –سرهنگ مرادی –سرهنگ امامی –سرهنگ مجیدزاده –سرهنگ بهرمند –سرهنگ اعرابی –سرهنگ اسکندری – موسوی – توسلی – سلیمی – کشاورزی و یکتن خدایی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	بیست وششم شهریور مصادف است بااولین سالروز عروج ملکوتی فردی وارسته وخداجوی، حاج عبدالمطلب مطلبی شبستری. روانش شاد و یادش گرامی باد.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	هزینه مراسم صرف امور خیریه می‌شود.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	خانواده آن مرحوم	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

باگذشت یکسال پراز درد

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	ودریغ وحسرت سالگرد اسفبار درگذشت شادروان امیرهوشنگ تجزیه‌چی وکیل پایه‌یک دادگستری درتلخ‌ترین روزسال ۱۳۸۹ راه سوگ می‌نشینیم. باشد تا ایمان استوارش به مهر وطن، عدالت و آزادگی سرمشق زندگیمان گردد.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	باتشکر مجدد از کلیه سروان گرامی که در این سال تلخ پامامهدردی نموده‌اند وموجب تسلی خاطر پازماندگان گردیده‌اند. هزینه سالگرد به شیرخوارگاه آمنه تقدیم خواهد شد.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	صبر بسیار ببیاید پدر پیر فلک را	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	تادگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	فرح فرومند –قدسی رحمتیان –پرویز تجزیه‌چی –مهناز تجزیه‌چی – خسرو تجزیه‌چی –فرناز تجزیه‌چی –شهره تجزیه‌چی وسایر وابستگان	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	بسمه تعالی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>		

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	پانزدهمین سالروز درگذشت فرزند ناکاممان زنده‌باد مهندس امید وهفتمین سال درگذشت فرزند ناکام دیگرمان شادروان دوشیزه آرزو را پاس می‌داریم ورستگاری ابدی آنان راامید داریم.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	سیدمحسن حجازی –پروین اعتمادی (حجازی) – ارمان حجازی (حسینی) –سیدمصطفی حسینی و خانواده‌های وابسته	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	به یاد همسری دلسوز و مادری مهربان نرگس آتش‌زمزم، مادر دو فرزند تنها و دل‌تنگ که دستی بر آسمان و چشمی به راه دارند	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
-------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	افسوس و چند صد افسوس ما را مادری نیست در زندگانی هیچ یار و یاورى نیست بی مادری بس درد جان فرساینست یاران هر لحظه‌اش در دامن غمهاست یاران با همه ناباوریه‌ها، این حقیقت تلخ بی تو بودن را پذیرائیم، و اکنون تنها تربتت را ز زیارت و مزارت را گلباران می‌کنیم.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	از طرف فرزندان دل‌بندت <span> </span> : مجید و مائده وهمسر همیشه عاشق تو (قربانزاده)	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	یادبود	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	شهریورماه ۱۳۹۰ مقارن باهفتمین سال‌رحلت شادروان علی اکبر فرز دق‌ی است . یاد و خاطره‌اش را همواره گرامی می‌داریم .	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	روانش شاد. هزینه مراسم صرف امور خیریه می‌شود.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	خاندان فرز دق‌ی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	بانهایت تائر وتالم درگذشت پدری مومن ومهربان شادروان حاج غلامرضا(غلامعلی)یاعلی را به اطلاع می‌رسانیم.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	مراسم چهلمین روز درگذشت آن مرحوم و یادبود فرزند ارشدش حاج اسداله یاعلی روز پنج‌شنبه ۱۳۹۰/۶/۲۴ از ساعت ۱۶ تا ۱۸/۳۰ درمسجد جامع صالح آباد برگزار می‌گردد.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	تشرف‌فرمایی دوستان و آشنایان موجب تسلی خاطر بازماندگان و امتنان کانون غم‌زده خواهد شد.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	فرزندان <span> </span> : عبدالله، علی، جعفر، محمد کاظم وزهره وهمسر مکر مه زهرا	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	آدرس <span> </span> : اصفهان، نجف آباد، مسجد جامع صالح آباد	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	در هفتمین سال درگذشت	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	مادر مهربانمان خانم	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	دکتر سارا سپه دوست به	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	یادش هستیم و برایش دعا	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	می‌کنیم.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	مهشید ومهشاد خانواده‌های سپه‌دوست – معدنی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	عشق تو در وجودم ومهر تو بر دلم	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	باشیر اندرون شد وباجان بدر کنم	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	شهریور ماه مصادف است با سالروز عروج ملکوتی مادر فرهیخته ومهربانمان شادروان نسیره‌السادات میرفرخانی. روانش شاد، یادش گرامی باد	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	فرزندان: محمدعلی –محمد ولی (عبدالعلی) شادیه ونادره ارباب‌زاده	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	سرکار خانم ندا خلیلی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	بانهایت تأسف درگذشت دایی گرامیتان را تسلیت عرض نموده واز درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت ومغفرت وبرای جنابعالی وخانواده محترم صبروشکیبایی آرزو می‌نماییم.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	هیئت مدیره و کارکنان انجمن صنفی انبوه‌سازان	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	سرکار خانم دکتر قطعه‌ای	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	جناب آقای دکتر صدر	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	مصیبت وارده را به شما وخانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	دکتر رحمان زاده، مهندس هوشمند	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>		<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	سرکار خانم دکتر قطعه‌ای	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	جناب آقای دکتر صدر	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	مصیبت وارده را به شما وخانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نمایم.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	دکتر عباسی، دکتر حریقی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	سرکار خانم دکتر قطعه‌ای	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	جناب آقای دکتر صدر	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	مصیبت وارده را به شما وخانواده محترمتان تسلیت می‌گویم.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	دکتر ثاقب، دکتر زواره، دکتر ضرابی، دکتر کدخدا	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	همکار ارجمند جناب آقای احمد عابدی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	بانهایت تأسف درگذشت برادر گرامیتان را به شما وخانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبروشکیبایی مسئلت می‌نمائیم.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	امور مالی –اداره حسابداریها – بودجه و گزارشات – حقوق دسمدز –سازمان وصول –اداره اموال وانبارهای موسسه اطلاعات وشرکت ایران چاپ	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	نماینده محترم فروش نشریات روزنامه اطلاعات در فسا	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	جناب آقای محمد حسین نصیری	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	باکمال تأسف وتأثر درگذشت ناگهانی همسر گرامیتان را از صمیم قلب به شما وخانواده محترمتان تسلیت عرض نموده واز درگاه ایزد منان برای آن مرحومه غفران الهی وبرای بازماندگان صبر وشکیبائی مسألت می‌نماییم.	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	امور توزیع وفروش –سازمان شهرستانها – تهران وحومه –امور مشترکین –آب‌ونمان –شبکه‌اطلاع‌رسانی – امور توزیع وفروش کتاب –انبار کتاب –ساعت کنترل – حمل ونقل –تعمیرگاه –سازمان پخش –انبار برگشتی	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>







قیمت طلا در بازارهای جهانی در ماه میلادی گذشته به بالاترین رکوردهای مشاهده شده تاکنون رسید و این سؤال را در ذهن کارشناسان و سرمایه‌گذاران که آیا زنگ خطر «حباب» به صدا درآمده است؟ آیا افزایش بهای این فلز گران، حیاتی است؟

به گزارش ایسنا، قیمت طلا از ۲۵۵ دلار در اوت سال ۱۹۹۹ به بیش از ۱۸۰۰ دلار بدون کاهش یا سقوط قیمت در هر اونس رسیده است. بنابراین درک جذب شدن سرمایه‌گذاران به سوی این فلز به ویژه در مقایسه با اشفنگی در ازار سهام در همین مدت، ساده ست. همچنین با توجه به رشد مداوم قیمت طلا در بیش از یک دهه گذشته، انتظار عمومی از ادامه افزایش قیمت طلا قابل درک است. با این همه رشد بهای طلا در سال جاری شتاب یافته و این پرسش را مطرح کرده است که آیا اکنون طلا خیلی گران نیست؟

در مقایسه با حباب‌های دیگر، افزایش بهای طلا در واقع بکتوانخت به نظر می‌رسد. قیمت طلا در ۱۰ سال گذشته تا ماه اوت که به رکورد ۱۹۱۷ دلار و ۹۰ سنت در هر اونس رسید، ۵۸۷ درصد افزایش داشت. در مقابل، قیمت نفت خام در یک دهه پیش از اینکه به اوجش در سال ۲۰۰۸ برسد، تقریباً ۱۰ برابر افزایش یافت اما هیچ کدام از این دو قابل مقایسه با نزدک نبودند. شاخص بازار سهام آمریکا، بیش از ۲۰۰۰ درصد در یک دهه تا مارس ۲۰۰۰، صعود کرده است.

مقایسه‌های دیگر نتایج چندان روشنی در برنادرند. براساس ارزیابی دویچه بانک، در واقع طلا با تطبیق برای هر دوی تولیدکننده و ترمود مصرف‌کننده آمریکایی، از اوج قیمت در سال ۱۹۸۰ راتر رفته است. این امر نشان می‌دهد که قیمت در حال حاضر فوق‌العاده گران است. از سوی دیگر دویچه بانک، طلا را در مقایسه با قیمت نفت یا شاخص سهام ۵۰۰ اس‌اند پی‌محاسبه می‌کند که حرکت به سمت ۲۰۰۰ دلار از نشان می‌دهد.

راه دیگر ارزیابی حیایی بودن قیمت طلا، بررسی استقلال‌های اصلی به نفع آن است. یکی از این استقلال‌ها این است که طلا در برابر کاهش ارزش دلار، حفاظت می‌کند. با این همه رشد بیش از ۲۰۰درصدی بهای طلا از ماه آوریل تاکنون، در حالی روی داده است که ارزش دلار واقعاً تغییر نکرده است. دلیل دیگر این است که طلا در برابر تورم فراگیر حفاظت می‌کند. با این همه این مسئله با ضعیف شدن

اقتصادهای توسعه یافته و تشدید سیاست پولی در اقتصادهای نوظهور بعید به نظر می‌رسد. طلا به عنوان ذخیره سرمایه توصیف می‌شود، اما تاریخ چند دهه گذشته نشان می‌دهد که می‌تواند از این نظر برای دوره‌های زمانی طولانی، بسیار بد باشد. نوسان قیمت رو به رشد هم علیه این استدلال شمرده می‌شود.

پشتیبان واقعی طلا، نزدیک یا زیر صفر بودن نرخ‌های بهره بانکی است که یک حس بحران را تقویت کرده و موجب افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری برای این فلز گران‌ها شده است. بانک مرکزی آمریکا نهم ماه اوت وعده داد نرخ بهره پایه را تا حداقل سال ۲۰۱۳، بین صفر و ۰/۲۵ درصد نگه دارد تا به رشد اقتصاد این کشور کمک کند. در واقع افزایش یک‌باره اخیر بهای طلا از ماه ژوئیه تاکنون، مصادف با

رکود در بازار مسکن بوده است و بازده اوراق قرضه ۱۰ ساله وزارت دارایی آمریکا هم برای نخستین بار در تاریخ این کشور به پایین صفر کاهش یافت.

به دلیل اینکه طلا گرایش دارد، در طول رکودهای اقتصادی بازده اوراق قرضه ۱۰ ساله وزارت دارایی آمریکا هم برای نخستین بار در تاریخ این کشور به پایین صفر کاهش یافت.

قیمت طلا مانند هرکالای دیگری تحت تأثیر عوامل بنیادین عرضه و تقاضا در بازار است، اما تغییر برخی شاخص‌های اقتصادی، نوسان‌های ارزش دلار و ذخایر ارزی، تغییرات نرخ بهره بانکی و تورم جهانی از دیگر عوامل اثرگذار بر بهای این فلز گرانبها است

«طلا از جمله کالاهای راهبردی در بازارهای جهانی محسوب می‌شود که با توجه به ارزش ذاتی، فسادناپذیری، برخورداری از مقبولیت عامه، قدرت نقدشوندگی و هزینه نگهداری پایین از اهمیت بالایی برخوردار است که نه فقط نگاه سرمایه‌گذاران را به خود دارد، بلکه از پشتوانه‌های

اصلی همه ارزها به شمار می‌آید



# حباب طلايي

« با توجه به رشد مداوم قیمت طلا در بیش از یک دهه گذشته، انتظار عمومی از ادامه افزایش قیمت این کالا قابل درک است. با این همه، رشد بهای طلا در امسال شتاب یافته و این پرسش را مطرح کرده است که آیا اکنون طلا خیلی گران نیست؟

قیمت طلا مانند هرکالای دیگری تحت تأثیر عوامل بنیادین عرضه و تقاضا در بازار است، اما تغییر برخی شاخص‌های اقتصادی، نوسان‌های ارزش دلار و ذخایر ارزی، تغییرات نرخ بهره بانکی و تورم جهانی از دیگر عوامل اثرگذار بر بهای این فلز گرانبها است

«طلا از جمله کالاهای راهبردی در بازارهای جهانی محسوب می‌شود که با توجه به ارزش ذاتی، فسادناپذیری، برخورداری از مقبولیت عامه، قدرت نقدشوندگی و هزینه نگهداری پایین از اهمیت بالایی برخوردار است که نه فقط نگاه سرمایه‌گذاران را به خود دارد، بلکه از پشتوانه‌های

اصلی همه ارزها به شمار می‌آید

ادامه می‌دهد. تحلیلگران بانک «جی پی مورگان» می‌گویند: طلا تا پایان سال جاری ممکن است حداقل به ۲۵۰۰ دلار در هر اونس برسد که توجه به ارزش ذاتی، فسادناپذیری، برخورداری از مقبولیت عامه، قدرت

نقد شوندگی و هزینه نگهداری پایین، از اهمیت بالایی برخوردار است و نه فقط نگاه سرمایه‌گذاران را به خود دارد، بلکه از پشتوانه‌های اصلی همه ارزها به شمار می‌آید. عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی کشورهای حوزه پیورو و دلار، دورنمای مبهم بهبود اقتصادی و تأخیر در تصمیم‌گیری‌های ساماندهی اقتصادی در این کشورها کاهش ارزش سهام در بازارهای پیورس را به دنبال داشت و در پی آن سرمایه‌گذاران سرمایه‌های خود را به سمت بازار طلا سوق دادند که سبب شد بهای این سنگ معدنی به حدود ۱۸۴۰ دلار در هر اونس برسد.

قیمت طلا مانند هر کالای دیگری، تحت تأثیر عوامل بنیادین عرضه و تقاضا در بازار است، اما تغییر برخی شاخص‌های اقتصادی، نوسان‌های ارزش دلار و ذخایر ارزی، تغییرات نرخ بهره بانکی و تورم جهانی از دیگر عوامل اثرگذار بر بهای این فلز گرانبها است. همان‌طور که بیان شد نوسان‌های ارزش دلار، بهای طلا را متأثر می‌کند و کاهش ارزش این ارز، افت ارزش دارایی‌های دلاری را به دنبال دارد، لذا سرمایه‌گذاران برای حفظ ارزش دارایی‌های دلاری خود به دنبال جایگزینی مناسب مانند طلا هستند.

نرخ بهره بانکی پیانگر میزان سود بدون ریسک قابل پرداخت به سپرده‌های بانکی است و در شرایط کنونی، اکثر کشورها به‌خصوص ایالات متحده، ژاپن و برخی کشورهای اروپایی برای باقی‌ماندن در رقابت جهانی و تلاش در جهت بهبود اقتصادی، نرخ بهره خود را در حد صفر نگه داشته‌اند. بنابراین تمایل افراد به سپرده‌گذاری در بانک کاهش یافته و در مقابل به خرید و نگهداری طلا روی آورند که این امر بر ادامه روند صعودی بهای طلا اثر گذار است.

طلا همواره کالای منتخب مورد معامله در زمان بروز تشنج‌های اقتصادی است و در این شرایط مردم سرمایه‌گذاران به سمت خرید طلا و دیگر فزات گرانبه‌ا روی می‌آورند تا مانع از دست رفتن سرمایه‌های خود شوند.

اصغر ابوالحسنی معاون بانک، بیمه و شرکت‌های دولتی وزارت امور اقتصادی و دارایی در اظهارنظری در خصوص وضع طلا و سکه در بازار داخل گفت: سکه برخلاف ارز دارای ارزش ذاتی است و صرف‌نظر از جنبه اقتصادی مردم به خرید آن علاقه دارند.

ادامه در صفحه ۱۸

## پرونده يك پروژه گازی

که مسئولیت توسعه این میدان را بر عهده داشتند، عملیات بهره‌برداری تأسیسات این میدان تا ۲۵ سال در اختیار شرکت SKS خواهد بود و قرار بر این بوده است که بعد از ۲۵ سال این تأسیسات به گونه‌ای که سالم و قابل بهره‌برداری باشند، بدون دریافت وجه به ایران واگذار شود.

پس از عقد این قرارداد در سال ۱۳۸۷ یعنی حدود دو سال پس از عقد این قرارداد به واسطه شرکت سوئیس آدکس، مطالعات دیگری روی میدان گلشن صورت گرفت و مسئولان وقت از افزایش ذخایر گازی این میدان خبر دادند.

همچنین در این سال نخستین عملیات حفاری آغاز شد. این حفاری‌ها می‌خزن در آب‌های خلیج فارس

اسا در هر حال با گذشت حدود سه سال از عقد این قرارداد در سال ۱۳۸۸ اعلام شد که طرح توسعه این میدان و تولید ال‌ان‌جی در تمام این مدت به دلیل نهای نشدن قیمت گاز به تأخیر افتاده و علی‌رغم برگزاری چندین مناقصه برای ساخت جکت و لرزه‌نگاری، آغاز عملیات جدی اجرایی در بخش بالادستی و برگزاری سایر مناقصه‌ها مانند حفاری به زمان تعیین قیمت گاز موکل شده است.
.
.
.
حتی در این مدت به دلیل طولانی‌شدن مذاکرات تعیین قیمت گاز، بحث‌هایی در زمینه غیر اقتصادی بودن صادرات گاز از طریق ال‌ان‌جی هم مطرح شد و این موضوع چنان‌پیش رفت که در نهایت برنامه تولید سالانه ۷۰ میلیون تن ال‌ان‌جی که برای پایان برنامه پنجم توسعه هدف گذاری شده بود، به سالانه ۴۰ میلیون تن کاهش یافت.

اما در سال گذشته پس از انتشار گزارش ایسنا مبنی بر این که با گذشت سه سال از امضای قرارداد، هم چنان توسعه این میدان در انتظار تعیین قیمت گاز است، مدیر حقوقی و قراردادهای شرکت ملی نفت از احتمال فسخ این قرارداد خبر داده و می‌گوید: در حال حاضر پیگیر موضوع اقدام به فسخ یادامه عملیات اجرایی این میدان در جریان است.

وی در عین حال می‌گوید: براساس قرارداد مقرر شده است که گاز حاصل از توسعه میدان گلشن طبق قرارداد برای تأمین گاز خوراک مجتمع ال‌ان‌جی که در ایران ساخته خواهد شد، اختصاص یابد.



## «آگهی مناقصه عمومی» ۳۰/تمجیدی/۹۰

صنایع دریایی شهید تجمیدی وابسته به سازمان صنایع دریایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در نظر دارد عملیات اجرایی OUTFITTING (تجهیز، نصب و راه‌اندازی، مستندسازی کلیه تجهیزات و سامانه‌ها و تست و تحویل‌دهی) سه فروند شناور نیمه‌سنگین خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از شرکت‌هایی که توان و ظرفیت اجرای کار متناسب با موضوع عمومی پیمان در مناطق دریایی را دارند، دعوت به عمل می‌آید برای دریافت اسناد مناقصه، پس از واریز مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۳۸۳۷/۶۳ نزد بانک سپه شعبه مرکزی بندرانزلی کد ۳۶ به نام صنایع دریایی شهید تجمیدی از تاریخ درج اولین آگهی به مدت ۱۰ روز به آدرس: بندرانزلی - خیابان تکاوران - خیابان مهدیه - صنایع دریایی شهید تجمیدی مراجعه نمایند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۱۹۶-۴۲۱۰۱۸۱ معاونت خرید و پیمان‌ها تماس حاصل فرمایید.

نام و نشانی مناقصه‌گذار	شرکت گاز استان بوشهر-بوشهر-میدان امام خمینی-خیابان فاطمیه درویری اداره بهره‌یستی شهرستان
شرح خدمات	اجرای ۲۴۵۰ متر شبکه پلی اتیلن، ۷۸۰۰ متر خط تغذیه احداث دودستگاه ساختمان ایستگاه TBS با ظرفیت ۲۵۰۰ مترمکعب بر ساعت و یک دستگاه ساختمان TBS با ظرفیت ۵۰۰۰ مترمکعب بر ساعت به همراه خرید دوا ایستگاه TBS با ظرفیت ۲۵۰۰ مترمکعب بر ساعت در روستاهای احمدی، دوبر، چاه کوتاه، قلعه چاه کوتاه و تل اشکی از توابع شهرستان بوشهر
نوع مناقصه	یک مرحله‌ای
محل و زمان مهلت دریافت اسناد	واحد قراردادهای شرکت گاز استان بوشهر- ۹۰/۰۷/۱۶
محل و زمان تحویل پیشنهادها	واحد قراردادهای شرکت گاز استان بوشهر- ۹۰/۰۷/۲۷
محل و زمان گشایش پیشنهادها	سالن کنفرانس شرکت گاز استان بوشهر- ۹۰/۰۸/۰۱
بر آورد اولیه	۸/۹۹۳/۳۰۶/۰۴۲ ریال
نوع و میزان تضمین شرکت در مناقصه	ضمانتنامه معتبر بانکی- ۳۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال
ر تیه بندی	۵ تا سیستمات و تجهیزات از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی

از کلیه شرکتها / پیمانکاران واجد شرایط دعوت می‌شود ضمن اعلام آمادگی کتبی جهت شرکت در مناقصه از طریق نمابر ذیل، فرم مدارک لازم و شرایط پذیرش پیمانکاران در مناقصات را که در شبکه اطلاع‌رسانی این شرکت به آدرس www.nigc-boushehr.ir قرار داده می‌باشد را با دقت تکمیل و به همراه مدارک مربوطه بلافاصله پس از چاپ آگهی نوبت اول و دوم حداکثر تا تاریخ ۹۰/۷/۱۱ به آدرس: بوشهر - میدان امام خمینی - خیابان فاطمیه - درویری اداره بهزیستی شهرستان.
دفتر امور قراردادهای ارسال یا توسط نماینده آن شرکت تحویل نمایند تا پس از بررسی اسناد و مدارک واصله در چارچوب ضوابط و مقررات داخلی از شرکت‌های واجد شرایط جهت دریافت اسناد و مدارک شرایط دعوت به عمل آید. ضمناً ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده و شناسه ملی به همراه فرم‌های ارزیابی کیفی پیمانکاران الزامی می‌باشد.
تلفکس: ۵۵۶۴۴۹-۰۷۷۱

روابط عمومی شرکت گاز استان بوشهر

آگهی اوزن یابی کیفی
شرکت گاز استان گلستان
آگهی اوزن یابی کیفی
شماره ۹۸/۹۷/۱۱ (نوبت اول)
موضوع: مسیبر، شبکه توزیع و نصب انشعابات گاز یازده روستای شهرستان رامیان (نور آباد-سازمان دریا-حاج سید-حسین آباد قربانیان-شهید چمران -اسلام آباد علیا-اسلام آباد سفلی -توحید آباد سید احمد خمینی -شیخ آباد و سلمان فارسی)
مبلغ بر آورد پروژه: ۳۲۷۹۰۰۰/۰۰۰ ریال
مهلت تسلیم اسناد:ارز یابی و هزینه آن: ظرف مدت دو هفته از زمان اعلام آمادگی: از زمان درج آگهی (نوبت اول و دوم) به مدت ۱۰ روز
زمان خرید اسناد: حداکثر ظرف ۵ روز پس از اتمام مهلت آگهی نوبت دوم
محل دریافت اسناد، تحویل و گشایش پیشنهادها: گرگان-میدان بسیج-سایت اداری- شرکت گاز استان گلستان
شرکت کنندگان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی شرکت گاز استان گلستان به آدرس www.nigc-golestan.ir یا www.shana.ir (بخش آگهی ها مناقصه های پیمان) مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۳۶۵-۰۴۴۸۰۰۱۷۱ واحد امور قراردادهای شرکت گاز استان گلستان تماس حاصل فرمایند.
۳۱۸۱/الف
روابط عمومی شرکت گاز استان گلستان

آگهی تصمیمات
شرکت پتر و شیمی زا بید رود سهامی خاص
ثبت شده به شماره ۹۹۵۴۶ و شناسه ملی ۱۰۰۲۴۱۳۵۶۳
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۸۹/۱۲/۲۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۰/۱/۲۱ مورخ ۹۰/۱/۲۱ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان مالی منتهی به ۸۹/۱۲/۲۶ رسید. نعم صفری لنگرودی به کدملی ۰۰۹۱۹۷۰۱۴ به سمت بازرس اصلی و رضا دبانی به کدملی ۰۰۴۲۳۳۹۷۵ به سمت بازرس علی‌البذل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری
۳۲/۱۳۶

## فراخوان مناقصه (نوبت اول)

اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان خراسان شمالی درنظر دارد اجرای پروژه‌های آبخیزداری به‌شرح جدول ذیل را ازطریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به پیمانکاران واجد شرایط در رشته کشاورزی و آب پایه ۵ واگذار نماید.

علاقتمندان می‌توانند از تاریخ درج آگهی نوبت اول تا پایان وقت اداری مورخ ۹۰/۶/۲۶ در قبال واریز وجه به حساب شماره ۲۱۷۴۲۱۱۸۱۶۰۰۲ بانک ملی به نام درآمد متفرقه کل کشور و ارائه اصل فیش واریزی، اسناد مناقصه را دریافت نمایند.

ردیف	موضوع مناقصه	مبلغ بر آورد (ریال)	مبلغ تضمین (ریال)
۱	عملیات آبخیزداری حوزه شهری جاجر-بند خاکی گزی جاجر	۱/۲۶۱/۱۰۳/۴۴	۳۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	کنترل سیل ورسوب در حوضه‌های آبخیز گریوان واسدلی بجنورد	۸۶۹/۷۷۴/۰۷۹	۲۰/۰۰۰/۰۰۰
۳	عملیات آبخیزداری حوضه شیرویه شهرستان اسفراین	۶۵۹/۱۹۷/۱۲۴	۲۰/۰۰۰/۰۰۰
۴	عملیات آبخیزداری حوضه شهری پسته شهرستان بجنورد	۵۴۷/۱۲۱/۴۳۲	۱۵/۰۰۰/۰۰۰

۱- تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ مندرج در جدول فوق و طبق آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی و توضیحات اسناد مناقصه تهیه و ارائه گردد.
۲- هزینه دریافت اسناد مناقصه به ازاء هر پروژه یکصد هزار ریال می‌باشد.
۳- آخرین مهلت تحویل پیشنهادها پایان وقت اداری مورخ ۹۰/۷/۱۶ و گشایش پیشنهادها ساعت ۱۰ صبح مورخ ۹۰/۷/۹ و ۹۰/۷/۱۰ می‌باشد.
۴- بر مبنای فهرست بهاء منابع طبیعی و آبخیزداری سال ۱۳۸۸ می‌باشد.
۵- مدت اعتبار پیشنهادها سه ماه از تاریخ تحویل پیشنهادها است.
۶- محل دریافت اسناد، تحویل و گشایش پیشنهادها، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان خراسان شمالی به نشانی بجنورد - میدان ۲۲ پهنم - بلوار جانباز با کدپستی ۹۴۱۵۱۳۱۶۴ می‌باشد.
۷- هزینه‌های درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روابط عمومی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری خراسان شمالی

آگهی تصمیمات شرکت مهندسی براش صنعت سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۳۴۱۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۶۸۳۳۶
طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۸۹/۱۲/۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۰/۱/۲۰ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان مالی منتهی به ۸۹/۱۲/۳۱ تصویب رسید. موسسه حسابرسی سلمان بندار به شناسه ملی ۰۵۳۰۰۵۳۰۶۹ و بست بازرس اصلی و سید عبدالله زهراوی به کدملی ۰۷۶۵۵۹-۵۳۲۰ سمت بازرس علی‌البذل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری
۳۲/۱۳۶

آگهی تغییرات
شرکت خدماتی و زیباسازی ری سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۷۰۰۶ و شناسه ملی ۰۳۰۶۴۳۲۸۳
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ - آقای امین حسینی به شماره ملی ۰۲۰۶۶۷۹۸۴۴۲ به عنوان بازرس اصلی، آقای محمدنظری به شماره ملی ۰۴۹۳۵۸۷۹۸۵ به عنوان بازرس علی‌البذل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
در تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱۷ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری
واحد ثبتی تهران
کد: ۱۳۰۴۵۷۲

آگهی تغییرات شرکت طراحی و مهندسی شیه سازهای صنعتی ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۳۹۶۴۵ و شناسه ملی ۰۰۳۹۶۷۰۸
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۸۹/۰۹/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱-اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۱/۹/۱۶ به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای مسعود فیض به شماره ملی ۱۲۸۵۵۵۳۶۹۱ و آقای ناصر وثوقی به شماره ملی ۰۰۵۷۰۱۵۹۹۶ و آقای محمود اشرف کاشانی به شماره ملی ۰۰۴۳۵۳۸۶۵ و شرکت انرژی نوین سهامی خاص را نمایندگی آقای بهزاد سلطانی تا تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۱۶.
در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۷ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری
واحد ثبتی تهران
کد: ۱۳۰۹۵۷۲

آگهی تغییرات شرکت آبتین تندیس ایده سهامی خاص به شماره ثبت ۳۰۷۹۵۳ و شناسه ملی ۰۱۰۰۳۳۳۳۹۶۷
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ - موسسه حسابرسی اصلاح گستران امین به عنوان بازرس اصلی، آقای سیدعباس موسوی سنگسرکی به شماره ملی ۰۲۰۹۹۷۲۰۵۷ به عنوان بازرس علی‌البذل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۲ - روزنامه کثیرالانتشار «طلاعات» جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
۳- ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۸۸/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.
در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۷ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری
واحد ثبتی تهران
کد: ۱۳۱۸۹۱





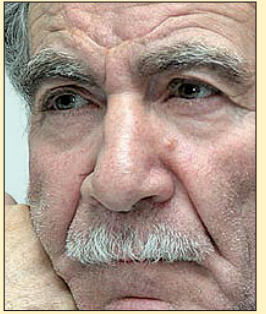












حافظ

از منظر دکتر دینانی

صفحه ۳

۱۵۲

# ادب و هنر



سیر و سلوک در

اشارات عارفانه عطار

صفحه ۲

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات  
ویژه فرهنگ، هنر و ادبیات

سه شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۰  
شماره ۲۵۱۲۶

در حاشیه گفت و گویی امیدبخش با مدیر دفتر موسیقی وزارت ارشاد

## حمایت، توقع زیادی نیست!

■ محمد رضا ممتاز واحد

بود. فراموش نکنیم که موسیقی، یکی از شاخه‌های مهم فرهنگی کشورمان است و برای رشد آن همه باید دست به دست هم بدهند. در یک حوزه فرهنگی، اصل بر تبادل نظرها و گفت‌وگوست که از دل آن طرح‌ها و برنامه‌های آینده متولد و شکوفای شود. همانطور که از نظر تان گذشت، توجه به مسائل ضروری و مهمی که جای خالی آنها بسیار احساس می‌شود (همچون اجرای قانون کپی رایب در ایران)، از دغدغه‌های فکری میرزمانی است. «حمایت از موسیقی کلاسیک ایرانی و همچنین موسیقی نواحی و آیینی»، از مهمترین اهداف راهبردی میرزمانی است. وی با توجه به انواع دیگر موسیقی، تغییر نگاه مردم رایبه این میراث معنوی چنین بیان می‌دارد: «اگر شرایط به گونه‌ای باشد که ما تنها با نوع خاصی از موسیقی آشنا و روبه‌رو شویم، طبیعی است که نگاهمان تک‌بعدی خواهد بود. به نظر من، اگر ما نگاه کلی جامعه رایبه سمت موسیقی سنتی، محلی و مقامی برگردانیم، می‌توانیم سلیقه مردم رایبه این سمت بکشیم. البته این راهی طولانی است که زمانی دراز می‌برد. در این راه، ما باید برنامه‌ریزی مناسب داشته باشیم، هنرمندان به خلق آثار فاخر و البته مورد علاقه مردم بپردازند و رسانه‌ها هم همپاری کنند. در این صورت، ما بی‌شک در آینده به جاهای خوبی خواهیم رسید.»

ارشاد و موسیقی پاپ

میرزمانی در پاسخ به این سؤال که: «یعنی هدف و آرمان شما این است که در آینده دیگر کسی به دنبال موسیقی پاپ نرود و تنها به نواي موسیقی ردیف دستگاهی گوش بسپارد؟» می‌گوید: «ایه هیچ‌جه! همان‌طور که در ابتدای گفت‌وگو تأکید کردم، هدف اصلی ما گسترش موسیقی ایرانی در همه شاخه‌هاست. در این خصوص، ما آرزو داریم که به یک نوع و سبک ایرانی از موسیقی پاپ برسیم.» و اما چگونگی رسیدن به این آرزو از نظر میرزمانی:

«یکی از حوزه‌های همکاری ما در این زمینه، خود آهنگسازان، خواننده‌ها و نوازنده‌های موسیقی پاپ هستند. اگر از ابتدا هنرمندان ما به این مسأله فکر کنند که به موسیقی، فرهنگ، آداب و سنن خودشان و داشته‌های فرهنگی و ریشه‌های فرهنگی‌شان

بقیه در صفحه ۴

این هدف نیازمند آن است تا خطوط قرمز این عرصه را بر مبنای اصول فرهنگی ترسیم کنیم تا تأثیرگذار و راهگشا باشند و به جای مانع گذاشتن، راه حرکت هنرمندان را هموار سازند.»

دومین هدف عنوان شده، در حقیقت اصلی‌ترین معضل و مهمترین مشکل حاکم بر جامعه موسیقی ایران است که توجه هوشمندانه میرزمانی را به بستر سازی فرهنگی این مسأله (یعنی ممیزی) در

چندی پیش گفت‌وگوی جامع و در عین حال امیدوارکننده‌ای با جناب آقای محمّد میرزمانی (مدیر دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که مدتی است به این سمت منصوب شده) صورت گرفت که نکات جالب و روزه‌های امیدبخش بسیاری در آن مشاهده شد. این مصاحبه مفید توسط آقای امیر سعید بورنگ انجام و در روزنامه جام‌جسم به چاپ رسید. 'بر خود واجب دیدم که



جهت ارتقا بخشی فضای موسیقی و هموار سازی مسیر ارباب این فن، میرهن می‌سازد. «تعامل»، از سازمان‌های فرهنگی - هنری کشور گرفته تا ارگان‌های قانونگذاری چون مجلس که تسریع اهداف یک مدیریت کلان را در بر دارد.

«من حوزه همکاری دفتر موسیقی را خیلی وسیع می‌دانم؛ یعنی در کنار همکاران دفتر موسیقی و معاونت هنری وزارت ارشاد باید بسا حوزه‌های هنری فعال در زمینه موسیقی نیز هماهنگی و همفکری داشته باشیم. از سوی دیگر، ارگان‌هایی چون نیروی انتظامی، مجلس شورای اسلامی، ارباب جراید و رسانه‌ها هستند که هر کدام از اینها می‌توانند کمک‌های زیادی به ما داشته باشند. به عنوان مثال ما باید از مجلس، قانون کپی‌رایت و حقوق مالکیت معنوی را پیگیر باشیم و با نیروی انتظامی در ارتباط با برپایی کنسرت‌ها و دیگر مسائلی که شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران با آن دخیل هستند، تعامل داشته باشیم. هر کسی می‌تواند ایده‌ای داشته باشد که اگر آن را با ما در میان بگذارد، بسیار سپاسگزارش خواهیم

به عنوان قلم به دستی کوچک از خیل اصحاب قلم پردازان موسیقی این دیار، به پاره‌ای از موارد مهم این گفت‌وگو بپردازم.

نخستین سؤال و جواب این مصاحبه، «تعیین خط‌مشی» جناب مدیر بود. محمد میرزمانی اظهار داشت: «من در این دوره، دو مسأله اصلی را کنار دیگر اهدافم دنبال می‌کنم. مهمترین هدف راهبردی ما، حمایت از موسیقی ایرانی است که شامل شاخه‌های سنتی، نواحی و مقامی می‌شود. امیدواریم با همکاری کارشناسان و هنرمندان بتوانیم این حمایت را روز به روز گسترده‌تر کرده و بیشتر به آن بپردازیم و بتوانیم جایگاه این موسیقی را که ریشه در فرهنگ غنی کشورمان دارد، هر روز ارتقا ببخشیم.

دومین هدفی که مایلم به آن بپردازم و امیدوارم موفق شوم، جایگزین کردن ابتکار عمل به جای موضع انفعالی دفتر موسیقی در خصوص جریانات موسیقی است. معتقدم ما باید با موضع فعالانه در این عرصه‌ها وارد شویم و از ممیزی به عنوان یک عامل پیش برنده، ارتقا بخش و بستر ساز بهره ببریم.

■ خشت اول



### تأملی در غمزه صراحی

دکتر محمدرضا شادمنا

در جلد پانزدهم حافظ شناسی که به همت آقای سعید نیازی کرمانی، چاپ شده است؛ در شرح بیت: «یارب چه غمزه کرد صراحی که خون خم

با نعره‌های غلغلش اندر گلو بیست» آقای دکتر سیروس ذکاء در مقاله‌ای به نقل از کتاب «درباره حافظ» نقل کرده‌اند که: «غمزه در این بیت به معنی غمازی است و نه ناز و غمزه» و اشاره‌ای دارند به این که سید محمدفرزان در مقاله «چند نکته در تصحیح دیوان حافظ» می‌نویسد: «غمزه اگر به معنای کرشمه، یعنی اشاره عاشقانه به چشم و ابرو گرفته شود (چنان که ظاهر آقای دکتر خانلری هم به این معنی گرفته‌اند). «البته کار صراحی نیست...» (مقاله فرزان ص ۲۵۹).

استادفرزان بعد از بحث مشروحی، غمزه رایبه معنی سخن چینی گرفته‌اند و در توضیح آن آورده‌اند که: «خم در زیر زمین مخفی بوده و محتسب از وجود آن بی اطلاع؛ ولی صراحی در مجلس و در حضور جمع، شراب را عرضه داشته و سبب رسوایی و شگفتی خم شده و این عمل نوعی غمازی و سخن چینی بوده است.»



دکتر ذکاء با ایراد دو اشکال به این نکته جواب داده‌اند: اول این که به نظر ایشان «غمزه پیش از حافظ و مقارن عصر او به معنی سخن چینی به کار نرفته است. دوم این که به شهادت «کشف اللغات انجوری» کلمه غمزه، سی و هشت بار در حافظ تکرار شده است که همه آنها به معنی ناز و کرشمه بوده است.» با این که این محققان بحث مناسبی را درباره این بیت نموده‌اند، اما با کنکاش بیشتر می‌توان گفت که خود حافظ به غمازی و سخن چینی صراحی اعتقادی نداشته است؛ بلکه او را از این قسمت‌ها مبرا می‌داند که می‌فرماید:

در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است

صراحی می‌ناب و سفینه غزل است  
باید گفت، یکی از معانی غالب غمزه، اشاره عاشقانه به چشم و ابرو است؛ اما غمزه به معنای دیگری هم آمده است از قبیل: شوخ، رعنائی، فتان، پرفن، چابک عشان، سحر آفرین، خونریز، فریب کاری. (دهخدا) پس صراحی می‌تواند به یکی از معانی بالا هم باشد. جاری شدن و حرکات شراب در درون صراحی، نوعی رعنائی و حرکات کرشمه انگیز و دل فریب است و به معشوقی نازنین می‌ماند که دل می‌برد و جان می‌طلبد. پس غمزه، حرکات شیرین صراحی است، و خون ریزی غمزه در ادبیات آمده است:

بقیه در صفحه ۲

نیم‌نگاهی به مجموعه تلویزیونی «۵ کیلومتر تا بهشت» علیرضا افخمی

## ناظر کیفی، گرفتار بی‌کیفیتی؟

بخش سریال «۵ کیلومتر تا بهشت» در حالی از صدا و سیما به پایان رسید که شاید برخی هنوز اسم مینا رانمی‌دانند. تماشاگر با دیدن قسمت‌های مختلف این سریال، اکنون از تمامی کارها، برنامه‌ها و سلاطین روح سرگردان سریال (مینا) باخبر است، اما اسمش را نمی‌داند. این شخصیت در آخرین قسمت‌های این مجموعه، پس از پر حرفی‌های بیپوده، بالاخره یادش می‌آید که اسمش را بگوید، و گر نه تماشاگر مثل امیرحسین، باید او را «خانوم» صدا می‌زد.

این که مینا (پریناز ایزدیار) طبق برنامه‌ای مشخص، دوشنبه‌ها سر ساعت باید به نوشهر برود و بخواهد غروب آفتاب را حتماً از کنار دریای آن شهر تماشا کند، بسی بی‌معنی و مضحک است. بهتر بود روز، زمان و مکان این نظاره‌ایستادن مطرح نمی‌شد و وی همچون آنتوان دوسنت تگز و پری (خالق شازده کوچک) به وقت دلتنگی به تماشای غروب خورشید می‌نشست....

بقیه در صفحه ۵

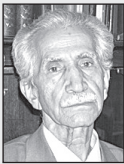






## وادی‌های هفتگانه

### سیر و سلوک



۸۲ نوشته: استاد محمود شاه‌رخ

هدهد مرغان را گفت: ای شوریدگان، از پس وادی حیرت وادی فنادر پیش است. وادی‌یی که سخن گفتن از آن روانیست و حاصل آن کری و لالی و بیهوشتی است و نتیجه آن بی‌خویشی و فراموشی. چون بحر کلی به جنبش درآید و توفان خیز شود، هیچ نقشی بر روی آب پایدار نماند و خار و خرس را مجال درنگ نباشد.

در این دریا جز گم شدن و گم بودن، چیزی صورت نپذیرد و سالکان پخته و مردان مرد چون در این دریای پرشور مواج غرقه شدند، دیگر نشانی از آنان باز نیامد و در اولین گام گم شدند. و این تنها مخصوص پاکان و پاک جانان از ذمائم است، نه تر دامن‌اندعی. عود و هیمة به صورت به هم می‌مانند، اما چون سوخته گردند، عود از هیمة ممتاز شود و بوی خوش آن بر وجود عود گواهی دهد.

عود و هیمة چون به آتش در شوند هر دو بر یک جای خاکستر شوند این به صورت هر دو یکسان باشد در صفت فرق فراوان باشد گری پلیدی گم شود در بحر کل در صفات خود فرو ماند به دل جنبش او جنبش دریا بود او چه نبود در میان زیبا بود

پیش هستی مطلق، در نیستی باید زد تا به طفیل تابش نور خورشید وجود، ذره وار در پرتو آن پدیدار گشت و بدو هست شد. از این راه باید نزار چو نان موی شد تا رد آن کوی راه یافت. از فنا نیاید بیم داشت که نهایت فنا عین بقاست. روغن چون در چراغ فانی شود، لباس نور پوشد و به نور تبدیل گردد. تار هر و از ذمائم اخلاق و اوصاف ناستوده فانی نشود، به حیات طیبیه تقوی و فضیلت زنده نگرده و بقا نیابد.

چون شود شخص تو چون مویی نزار جایگاهی سازدت در زلف یار گر تو هستی راه بین و دیده‌ور موی در موی این چنین اندر نگر هر که او رفت از میان اینک فنا چون فنا گشت از فنا اینک بقا گر تو را هست ای دل زیر و زیر بر صراط و آتش سوزان گذر غم مخور کاتش ز روغن وز چراغ دوده‌ای پیدا کند چون پر زاف چون بر آن آتش کند روغن گذر از وجود روغنی آید بدر گرچه ره بر آتش سوزان کند خوشتن را قالب قرآن کند گرمی خواهی که تا آنجا رسی و اندر آن منزلگه والا رسی خویش را اول ز خود بی خویش کن پس بر اقی از عدم در پیش کن

سپس هدهد مرغان را گفت به داستانی گوش سپارید تا سری از اسرار فنا را بشما باز گویم: شبی پروانگان مجمعی ساختند و وصف شمع آغاز کردند و همگان بی تاب و نازار، وصل وی را خواستار آمدند. سرانجام جملگی بر آن شدند که یکی تن از بی جست‌وجو بر خیزد و از شمع نشانی باز آورد. پروانه‌ای بال بر گشاد و به سوی کاخی که شمع در آن می‌سوخت، روانه شد. از دور پرتو شمع را دید. به سوی یاران باز گشت و شمه‌ای از اوصاف شمع بر شمرد. بزرگ پروانگان که ناقدی هوشیار بود، گفت: این پروانه را از شمع خبر نیست، و از او آگاهی ندارد. دیگری از بی کار بر خاست و به سوی شمع پر کشید و خود را به پیرامون او رسانید و لختی بر گرد شمع طواف کرد و به شعله او نزدیک شد؛ اما تاب نیاورده باز گشت و لختی از صفات شمع را باز گفت.

بزرگ پروانگان که صیرفی احوال بود گفت: این را نیز از شمع خبری نیست. پروانه‌ای بی پروا، مست مست و از خود بی خبر، به سوی شمع پر کشید. پای کویان و سرافشان خود را بر شمع زد و چو نان دلدادگان، دست در آغوش شعله برد و شمع را تنگ در بر کشید. لهیب شمع در پرتو بالش گرفت و او را پای تاسر بسوخت و یک پاره آتش کرد. ناقد چون از دور این بدید گفت: این پروانه، شناسای شمع است و بس؛ و کس جز او خبر ندارد که شمع چگونه است.

یک شبی پروانگان جمع آمدند در ضعیفی طالب شمع آمدند جملگی گفتند می‌باید یکی کو خبر آرد ز مطلوب اندکی شد یکی پروانه تا قصری ز دور در فضای قصر، دید از شمع نور بازگشت و دفتر خود باز کرد و وصف او در خورد فهم آغاز کرد ناقدی کو داشت در مجمع مهی گفت او را نیست از شمع آگهی شد یکی دیگر گذشت از نور در خوشتن بر شمع زد از دورتر پر زنان در پرتو مطلوب شد شمع غالب گشت و او مغلوب شد بازگشت او نیز مشتی راز گفت وز وصال شمع شرحی بازگفت ناقدش گفت این نشان‌نی‌ای عزیز همچو آن دیگر نشان دادی تو نیز دیگری بر خاست می‌شد مست مست پای کویان بر سر آتش نشست دست و گردن گشت با آتش بهم خویش را گم کرد با او خوش بهم ناقد ایشان چو دید او را ز دور شمع با خود کرد همرنگش ز نور گفت این پروانه در کارست و بس کس چه داند؟ او خبردار است و بس

«منطق‌الطیر» ادامه دارد

### شعارهای سیاسی در ادبیات مشروطه

سروده‌های آغاز انقلاب، گاه سیاسی محض و فاقد ویژگی‌های لازم شعر مانند: زبان استوار، امازها و صُور خیال زنده و تازه هستند. ضرورت‌ها، نیازها و عطش اجتماعی، فضای سیاسی و مبارزاتی و هیجان‌ها و التهاب‌های شاعرانه‌ای که متأثر از اوضاع و شرایط خیزش و قیام مردمی بود، به شدت شعر را تحت تأثیر قرارداد، و سروده‌ها از این جهت به دوره مشروطه بسیار شبیه می‌شوند.<sup>(۱)</sup> اگر شعر و ادبیات عصر مشروطه را مطالعه کنید، به صدق این ادعای بیشتر پی خواهید برد.

بدون هیچ اغراقی، ادبیات عصر مشروطه بیش تر به بیانیه‌های تند سیاسی و اجتماعی می‌ماند و سیمای شاعران مردمی و مشروطه خواهی همچون: میرزاده عشقی، عارف قزوینی و فرخی یزدی بیشتر به یک مجاهد یا چریک انقلابی شباهت دارد تا یک شاعر! به نمونه‌های زیر توجه کنید:

ترقی اندرین کشور محال است

که در این مملکت فقط الرجال است

خرابی از جنوب و از شمال است

بر این مخلوق، آزادی و بال است<sup>(۲)</sup>

«میرزاده عشقی» در سروده‌ی زیر نیز شاعر به واگویه گلایه‌های سیاسی خویش به زبانی معمولی و کوچک - بازاری پرداخته است:

تا چند کشی نعره که قانون خدا کو؟

گوش شنوا کو؟

آن کس که دهد گوش به عرض فقرا کو؟

گوش شنوا کو؟<sup>(۳)</sup>

و یا:

طبع من مسئول تاریخ است، ساکت مانم ار

هان به وجدانم مرا تاریخ مدیون می‌کند<sup>(۴)</sup>

زبان شعر عصر مشروطه به زبان کوچه و بازار - دست کم در گروهی از شاعران، مثل سید اشرف، عارف و عشقی - نزدیک می‌شود، اما اینها شاعران کم‌سوادی بودند و شعرشان پر از غلط‌های دستوری است. البته «عشقی» شاعر با استعدادی بود و اگر مطالعه بیشتری می‌کرد، به دلیل استعداد سنت شکنی که داشت، می‌توانست خیلی از کارهای نیما

زبان شعر عصر مشروطه به زبان کوچه و بازار - دست کم در گروهی از شاعران، مثل سید اشرف، عارف و عشقی - نزدیک می‌شود، اما اینها شاعران کم‌سوادی بودند و شعرشان پر از غلط‌های دستوری است. البته «عشقی» شاعر با استعدادی بود و اگر مطالعه بیشتری می‌کرد، به دلیل استعداد سنت شکنی که داشت، می‌توانست خیلی از کارهای نیما

بقیه از صفحه اول  
محتاج غمزه نیست گرت قصد خون ماست  
چون رخت از آن تست به یغما چه حاجت است  
(حافظ)

خون ریخته می‌بینی، گویی که چه خون ریزی  
از غمزه بپرس آخر کاین خون به چه می‌ریزی  
(خاقانی)

پس غمزه در این بیت نمی‌تواند به معنی غم‌خیزی و سخن چینی باشد. دکتر ذکاء در ادامه معنی بیت:

«یارب چه غمزه کرد صراحی که خون خم

بانه‌های غلغلش اندر گلو بیست»

به نقل از کتاب «در باره حافظ ۱۵۱» آورده است: «صراحی چه دلبری و کرشمه‌ای کرد که خون در گلوئی او گیر کرد؟» به نظر می‌رسد این معنی از حریم مطلوب به دور باشد؛ چون معشوق غمزه می‌نماید، پس عاشق مقابلش باید جان دهد. و اگر در جایی هم اشاره‌ای به جان دادن صراحی شده است؛ در آنجا صراحی به منزله عاشق است، نه معشوق.

به عنوان مثال در این بیت:

چهره من جام و چشم من صراحی کن

چون صراحی بر سر جام تو جان خواهم فشاند

«خاقانی»

آدم که به یک غمزه دهم جان چو صراحی  
مستان تو خواهم که گزارند نمازم  
(حافظ)

در ابیات فوق، صراحی در مقام عاشق است. اما معمار بزرگ سخن فارسی این زیبایی را در جایجایی جایگاه عاشق و معشوق می‌بیند؛ یعنی صراحی را در مقام معشوق و خم را در مقام عاشق قرار می‌دهد. پس با عنایت به این معنی، دیگر نیازی نیست که فکر کنیم تناقضی در کار بوده است. صراحی ظرف اندام، دچار فتنه جویی شده است!

## روزمرگی در شعر معاصر

راقیل از نیما انجام دهد؛ اما افسوس که در دوره بحرانی بی

زندگی می‌کرد و عاقبت عمرش هم وفا نکرد. به هر حال، چون «عارف» و «عشقی» می‌خواستند

سستزی بین زبان ادب و عامه ایجاد کنند، به همین دلیل، زبانشان پر از غلط‌های دستوری است.<sup>(۵)</sup> در عصر مشروطه، فرخی یزدی یکی از سیاسی‌ترین

شاعران است. وی سری پرشور، و زبانی سرخ دارد، و عاقبت نیز به جرم «هویدا کردن اسرار»، زبانش را می‌دوزند و

زندانی می‌کنند:

سر به زیر پر از آن دارم که دیگر آن زمان

با من آن مرغ‌لخوانی که می‌نالید نیست

بی گناهی گر به زندان میرد با حال تباه

ظالم مظلوم کش هم تا بد جاوید نیست

وای بر شهری که در آن مزد مردان درست

از حکومت غیر حبس و کشتن و تبعید نیست!<sup>(۶)</sup>

همچنان که می‌بینید، شعر هابه شعر و بیانیه‌های سیاسی می‌ماند و از پرداخت هنری و شاعرانه در آنها اثری نیست. گویا قصد شاعر از سرودن آنها فقط پاسخ به ندای وجدان و ایفای رسالت اجتماعی در برابر ملت بوده است. این شعر نیز از میرزاده عشقی است. شاعر در این سروده، لحنی معترض، پر خاشاک و عصبی دارد؛ به گونه‌ای که گاهی از دایره ادب نیز خارج می‌شود:

جمهوری سردار سپه مایه ننگ است

این صحبت اصلاح وطن نیست، که جنگ است

از کار قشون حال خوش از ما چه توقع؟

این فرقه بر این گل‌شبان نیست، پلنگ است

بی‌علمی و آوازه جمهوری ایران

این حرف در این مملکت امروز جنگ است

اموال تو برده است به یغما و سو خوابی

آن کس که بی حفظ تو دستش به تنگ است

آزادی و مشروطیت افتاده به زحمت

این گوهر پر شیشه در کام نهنگ است<sup>(۷)</sup>

در دهه‌های چهل و پنجاه به خاطر او جگیری مبارزات مردمی علیه نظام ستمشاهی، در موزه ادبیات شاهد شکل‌گیری گونه‌ای دیگر از شعر با عنوان «شعر چریکی» هستیم که پرچمدار این گونه ادبی در آن روز و روزگار یک

آنجا که در آن مقاله آمده است: «به صراحی و خم برگردیم»، حافظ در برابر تناقض قرار گرفته است. با استناد به شواهد و قرائن، جرم صراحی قطعی به نظر می‌رسد؛ ولی شاعر این اتهام را باطنانمی پذیرد. در واقع یک مسأله حقوقی جز این مطرح می‌شود که تحقیق و به نتیجه رساندن آن محال می‌نماید. حافظ با خود می‌اندیشد که این صراحی با این اندام ظریف و گردن نازنین چه گناهی مرتکب شده است که خون

خم به گردش افتاده است؟ گیریم که غمزه کرده است، کیفر غمزه که خفه شدن نیست!... در اینجا ناگزیر بر این مفهوم اقامه می‌شود که چه بسا بی‌گناهانند که کیفر می‌بینند و خون دیگران به گردنشان می‌افتد. سؤال حافظ جوابی ندارد. (حافظ‌شناسی ص ۱۴۳) به نظر می‌رسد این معیار بلندای سخن حافظ نارساست. اگر واقعا منظور حافظ از خون در گلو بستن صراحی به معنی گیر کردن خون در گلوئی صراحی بود، دیگر نیازی به احساس

تعجب و شگفتی از غمزه صراحی نبود که در نهایت خودش را خفه بکند و بعدا نتیجه گرفته شود که: «این یک سر نوشت

کور است! و رسم زمانه این است!» (همان ص)

جهت روشن شدن این مهم باید به معنی «خون اندر گلو بیست» دقت کافی شود. بستن تنها به معنی مسدود شدن و انعقاد نیست. گونه‌های شبیه این ترکیب، معانی متضاد دارند. به عنوان مثال «آب را از بند بست» به معنی بستن آب و هم باز کردن روان ساختن آن است. (دهخدا، لغت‌نامه)

جهت روشن شدن این مهم باید به معنی «خون اندر گلو بیست» دقت کافی شود. بستن تنها به معنی مسدود شدن و انعقاد نیست. گونه‌های شبیه این ترکیب، معانی متضاد دارند. به عنوان مثال «آب را از بند بست» به معنی بستن آب و هم باز کردن روان ساختن آن است. (دهخدا، لغت‌نامه)

جهت روشن شدن این مهم باید به معنی «خون اندر گلو بیست» دقت کافی شود. بستن تنها به معنی مسدود شدن و انعقاد نیست. گونه‌های شبیه این ترکیب، معانی متضاد دارند. به عنوان مثال «آب را از بند بست» به معنی بستن آب و هم باز کردن روان ساختن آن است. (دهخدا، لغت‌نامه)

بحث صدور مجوز کتاب، بحث داغ حوزه کتاب است. بهره‌مندی صد ناشر از سیستم جامع صدور مجوز در مرحله نخست و مرحله اصلاحات همراه با کد رهگیری و کلمه عبور، اقدام پسندیده‌ای است که در این تنگی وقت و معضل ترافیک تهران می‌تواند از اتلاف وقت ناشران سرگردان جلوگیری کند و به کار نشر سرعت بیشتری بخشد.

مدیرکل محترم اداره کتاب، در حیطه مدیریتی خود موفق عمل می‌کند. او به رفع کاستی‌ها و معطلات عرصه نشر تلاش دارد و همکارانش را در اجرای موفق طرح یاری می‌دهد؛ اما وزارت ارشاد همگام با تسریع صدور مجوز و صرف آن همه نیرو در مرکز بررسی کتاب، می‌تواند به ناشران متعهد اعتماد کرده و تمام مراحل بازبینی و مجوز و چاپ و نشر کتاب را به صنف شریف ناشران واگذارد و خود به عنوان ناظر کیفی و تقویت نرخ چاپ کتاب و تألیف قلوب اصحاب قلم عمل نماید تا ویرترین فرهنگی ایران بزرگ، چشم‌نوازتر دیده شود.

بعد از نطق عالمانه دو ستم، با مرکز (IT) اداره بهزبستی تماس گرفتیم و بعد از دادن کلمه عبور و

کد رهگیری، از چگونگی لغو مجوز شاعری پرسیدیم که پاسخ دادند:

شاعران غیر مجاز، جمع‌آوری می‌شوند!

## ادب و هنر



۵ رضا اسماعیلی

انقلابی آرمان خواه و از جان گذشته مانند «خسر و گل‌سرخ» است، شعر زیر نمونه‌ای از سروده‌های این آزادیخواه عدالت‌طلب است:

دستی میان دشنه و دیوار است

دستی میان دشنه و دل نیست

از پله‌ها فرودی آیم

اینک بدون پا

\*\*\*

لیلای من همیشه پشت پنجره می‌خوابد

و خوب می‌داند

که من سبیده دمان

بدون دست می‌آیم

و یارای گشودن پنجره به من نیست.

\*\*\*

در زیر ریش رگبار تیغ برهنه

می‌دانم - تو دامنه می‌خواهی - می‌دانم

تا از کناره بیایی

و پنجره‌ها را

رو به صبح بگشایی.

من با سیاهی دو چشم سیاه تو خواهم نوشت:

دستی همیشه منتظر دست دیگر است

چشمی همیشه هست که نمی‌خوابد.<sup>(۸)</sup>

پس نوشت‌ها: .....  
۱- محمد رضا سنگری، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، ج ۱، پالیزان، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱  
۲- میرزاده عشقی، تاریخ ادبیات ایران، شرکت چاپ و نشر ایران، ص ۸۳  
۳- محمد رضا شفیعی کدکنی، ادوار شعر فارسی، سخن، ۱۳۸۰، ص ۳۴  
۴- همان، ص ۴۳  
۵- همان، ص ۴۲  
۶- مهدی مظفری ساوجی، شهد، اماشو کران، تندیس، ۱۳۸۳، ص ۱۰۶  
۷- همان، ص ۲۸۰  
۸- داریوش شاهین، راهیان شعر امروز، نشر معراجی، صص ۳۰۴ و ۳۰۵

پس نوشت‌ها: .....  
۱- محمد رضا سنگری، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، ج ۱، پالیزان، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱  
۲- میرزاده عشقی، تاریخ ادبیات ایران، شرکت چاپ و نشر ایران، ص ۸۳  
۳- محمد رضا شفیعی کدکنی، ادوار شعر فارسی، سخن، ۱۳۸۰، ص ۳۴  
۴- همان، ص ۴۳  
۵- همان، ص ۴۲  
۶- مهدی مظفری ساوجی، شهد، اماشو کران، تندیس، ۱۳۸۳، ص ۱۰۶  
۷- همان، ص ۲۸۰  
۸- داریوش شاهین، راهیان شعر امروز، نشر معراجی، صص ۳۰۴ و ۳۰۵

## تأملی در غمزه صراحی

صد جوی آب بسته‌ام از دیده بر کنار  
بر بوی تخم مهر که بر بکارمت  
آب بستن: یعنی باز کردن آب که همان اشک است؛ یا در شواهدی دیگر از حافظ که بیانگر این نکته است:  
بر رهگذرت بسته‌ام از دیده دو صد جوی  
تابو که تو چون سرو و خرمان بدر آیی  
جوی‌ها بسته‌ام از دیده به دامن که مگر در کنارم نبشاند

سبهی بالایی. پس «خون اندر گلو بستن»؛ یعنی خون اندر گلو روان ساختن. با توجه به این مفاهیم می‌توان نتیجه گرفت که معنی ذیل مناسب بیت مذکور باشد که:

خدایا، صراحی چه ناز و کرشمه‌ای کرد و چه رعنائی و طنازی کرد که با نعره‌ها و نغمه‌های زیبایی خود خون خم را در گلوئی خویش جاری ساخت؛ یعنی جان خم را گرفت و غمزه و طنازی اوباعث شد که خم محو دل فریبی او گردد و هر آنچه در وجودش دارد، تقدیم او بکند. یعنی در حقیقت جانش را انتشار صراحی بکند. در اینجا مسأله خون به گردن گرفتن نیست، بلکه بر عکس مسأله ایثار عاشقانه است که عاشق یعنی خم، ندا درمی‌دهد که: «اقتلونی یا فتاتی، اِن فی قتلی حیاتی». «فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ: پس چون دیدند او را، بزرگ داشتندش و بریدند دست‌های خود را». (سوره یوسف آیه ۲۰۳)

یعنی خم به خاطر این که مبهوت غلغل نغمه‌ها و زیبایی غمزه صراحی بود، از ریختن خود خون بی خبر بود؛ چون:

این مدعیان در طبلش بی‌خبرانند

آن را که خبر شد خبری باز نی‌آمد

«گلستان سعدی»



بحث صدور مجوز کتاب، بحث داغ حوزه کتاب است. بهره‌مندی صد ناشر از سیستم جامع صدور

مجوز در مرحله نخست و مرحله اصلاحات همراه با کد رهگیری و کلمه عبور، اقدام پسندیده‌ای است که در این تنگی وقت و معضل ترافیک تهران می‌تواند از اتلاف وقت ناشران سرگردان جلوگیری کند و به کار نشر سرعت بیشتری بخشد.

مدیرکل محترم اداره کتاب، در حیطه مدیریتی خود موفق عمل می‌کند. او به رفع کاستی‌ها و معطلات عرصه نشر تلاش دارد و همکارانش را در اجرای موفق طرح یاری می‌دهد؛ اما وزارت ارشاد همگام با تسریع صدور مجوز و صرف آن همه نیرو در مرکز بررسی کتاب، می‌تواند به ناشران متعهد اعتماد کرده و تمام مراحل بازبینی و مجوز و چاپ و نشر کتاب را به صنف شریف ناشران واگذارد و خود به عنوان ناظر کیفی و تقویت نرخ چاپ کتاب و تألیف قلوب اصحاب قلم عمل نماید تا ویرترین فرهنگی ایران بزرگ، چشم‌نوازتر دیده شود.

بعد از نطق عالمانه دو ستم، با مرکز (IT) اداره بهزبستی تماس گرفتیم و بعد از دادن کلمه عبور و

کد رهگیری، از چگونگی لغو مجوز شاعری پرسیدیم که پاسخ دادند:

شاعران غیر مجاز، جمع‌آوری می‌شوند!



## شاعران

## غیر مجاز!

### حاشیه نویس



معرفی مجموعه شعر فرانو «لطفاً برایم اسپند دود کنید»/ حمیدرضا اقبال‌دوست/ایلیا/۱۳۹۰

## لطفاً برای فرانو، اسپند دود کنید!

شاعران بزرگ باز نشسته شدند و نوعی ملوک‌الطوایفی در شعر پدید آمد که چون مدیریت نشده، در انتهای دهه هفتاد، خاموش و فراموش شد.

هجوم تئوری‌های ادبی و بحث پست مدرن و رمان نو توسط مترجمین آگاه، دگرگونی خاصی در ذهن و زبان شعر معیار ایجاد کرد که به تشکیل جزایر کوچک شعر انجامید. نام‌های تازه، حرف‌های تازه را به میان کشید و جسارت ادبی از سوی شاعران فرهیخته جوان به شکوفایی شعری شکوهمند دامن زد که اگر بزرگان شعر و منتقدین آگاه به یاری آن می‌شنافتند، شعر امروز به زیاترین مرحله خود می‌رسید. شعری که جلوتر از منتقدین حرکت کرد، حرمت بزرگان را رعایت ننمود و جنون جوانی و انرژی بیش از حد در چاپ و نشر مجموعه‌ها آن را متوقف کرد.

دهه هشتاد از تجربیات دهه هفتاد گذشت و به غریبال پیشنهادها و نظرات صادره پرداخت و آنچه را که موجب جذب و جلب مخاطب فهیم بود، برداشت که مهم‌ترین آن زبان ساده بود و طنز نهان با کلمات ملموس و عینی و بریدن از ذهنیات و رؤیا و مالیخولیو و کلیشه و تکرار مضامین.

انسان در دمند معاصر را جایگزین معشوق مغرغی هزار ساله کرد و ماه و ستاره و آسمان را با معضلات محیط زیست عوض کرد. از ناوک مژگان برای آوارگان شیرین، سرنگ انسولین ساخت و شعر را به خدمت مردم و جامعه در آورد و نامش را گذاشت «شعر فرانو». فحش‌ها شنید و تذکریه‌ها دید تا عاقبت بخیر شد.

حالا شعر فرانو پایه پای انسان امروز در چهار گوشه ایران پرگهر نفس می‌کشد. دانشجویان ارشد به پیشنهاد اساتید خوشفکر ادبیات، رساله‌اش را می‌نویسند و شاعران شعورمند به گسترش آن می‌کوشند. حال در آغاز دهه نود هستیم. حدود ده سال از پیشنهاد شعر فرانو می‌گذرد. چندین مجموعه با عنوان شعر فرانو به جامعه ادبی تقدیم شده است و شاعران زیادی به این زبان شعر می‌نویسند. باش تاصبح دولتش بدمد – کاین هنوز از نتایج سحر است!

جدیدترین دفتر شعر فرانو، بعد از ملخ‌های حاصلخیز، از سوی شاعر فروتن صومعه‌سرای جناب «حمیدرضا اقبال‌دوست» به بازار شعر عرضه شده است با نام: «لطفاً برایم اسپند دود کنید» از انتشارات فرهنگ ایلیای رشت. اقبال‌دوست، فرانوی خاص خود را می‌سراید، همچنانکه شاعران آستارایی که هر یک به زبان خاص خود، فرانو را ادامه می‌دهند؛ با فراز و



اکبر اسغیر

نشیب‌هایی در ساختار و زبان و سوژه. اما آنچه آنها را در مجموعه فرانو جای می‌دهد، همان سادگی زبان و سوژه‌مداری ملموس از معضلات محیط زیست و انسان امروز است که شعر را در خدمت جامعه و جهان امروز قرار داده است: توپ/ شبیه رونالد شده‌ام یاروبر تو کارلوس؟/ این را کو دکی از پدرش می‌پرسد/ که تمام آینه‌ها را جمشع کرده بود/ پس از شیمی درمانی.

\*\*\*

فیнал غیر مترقبه در شعر فرانو یک هنرنمایی برای غافلگیری مخاطب است. اقبال‌دوست در اکثر شعرهای این دفتر بر این ویژگی غالب آمده است:

ساعت/ رأس ساعت ۶ صبح/ بازنگ ساعت/ هر روز به زور برمی‌خیزم/ جز تعطیلات/ که قیراق و سر‌حال/ بیدار می‌شوم/ رأس ساعت ۶ صبح!

\*\*\*

طنز نهان در جای جای این دفتر از ویژگی‌های دیگر شعر اقبال‌دوست است:

اورژانس/ آماده‌شد داده‌اند/ هلال احمر، نیروی انتظامی، پلیس راه، بیمارستان‌ها، مرده‌شورهای محترم.../ داریم به سفرهای نوروزی می‌رویم!

\*\*\*

گنجشک/ همیشه خیال می‌کنم/ گنجشک‌های فلسطینی/ بایقیه جاها فرق می‌کنند/ آنها وقتی کودکی سنگی برمی‌دارد/ فرار نمی‌کنند.

\*\*\*

شعر ساده با شعر آسان فرق دارد در فرانو ساختاری محکم و قصه‌مند می‌تواند به فرانو جان تازه‌ای ببخشد در غیر این صورت شعری نیمه‌جان ارائه خواهد شد: زن‌بوره‌ای بی‌عسل/ ماه عسل‌شان/ به چند روز نکشید/ با قهر به خانه آمدند/ بوی تعفن گل‌های گلابول گندیده شب عروسی/ همه‌چارا گرفته است.

\*\*\*

شعر ک با شعر فرانو فرق دارد هر چند ملموس و زیبا نوشته شود: پرواز/ در شرکت ابریشم/ پرواز پر وانه‌ها/ در نطفه سقط می‌شود.

\*\*\*

حمیدرضا اقبال‌دوست، بعد از مجموعه شعر «این شعر هاز من نیست /۸۶/ ایلیا» در دومین مجموعه خود، شاعری در آشنا و شعورمند ظاهر شده است. زبانش در خدمت معضلات محیط زیست و انسان معاصر است. در سوژه‌پردازی بی‌همتاست و خیلی زود خود را به شعر امروز معرفی کرده است. یک شاعر شهرستانی که در ده‌ای ملی می‌سراید:

سیل/ ابرها تمامی ندارد/ آسمان خیس، زمین خیس، مترسک خیس/ شالیزار را آب برده است/ این هم از مزایای پخش سراسری دعای باران!



اسماعیل امینی

## استدلال و استحسان در شعر

یعنی شعر می‌خواهد مخاطبان را بآن در یافت حسی و شخصی شاعر هم‌راه و سهیم کند. استحسان، یعنی بیان علتی زربیا برای رخدادها، یکی از شیوه‌های تأثیر گذار در شعر است. برخی منتقدان شستاین‌ده در محافل ادبی، بایی ذوقی تمام این گونه ارتباط‌های زیبا میان پدیده‌ها را انکار می‌کنند و گمان می‌کنند که با استدلال علمی، نقطهٔ ضعف شعر را کشف کرده‌اند. مثلاً وقتی می‌خوانیم:

نسیم نیست نه بیم است بیم دار شدن

که لرزه می‌فکند بر تن سپیداران

با آن که می‌دانیم در ختان سپیدار بر اثر وزش بادی می‌لرزد، اما از این سخن تازه‌ای که شاعر برای بیان علت لرزیدن در ختان آورده است، لذت می‌بریم و متأثر می‌شویم. و یا اگر شاعر برای بیان علت حرکت آرام نسیم در میان گل‌ها، این پرسش لطیف و عمیق را طرح می‌کند که:

گل به گل این سان که خرامد نسیم

در پی عطر گل افیون کیست؟

آیامی توانیم با استدلال علمی بگویم که نسیم در جست‌وجوی چیزی نیست؟! و با قیافهٔ حق به جانب، دیگران را از خواب غفلت (!) بیدار کنیم که: امروزه علم ثابت کرده است نسیم چیزی نیست جز جابه‌جایی هوای سرد و گرم! بنابراین، نه عاشق است نه پیک خوش‌خبر است و نه با عطر یار و رایحهٔ کوی محبوب می‌آید!

شاید باطل بودن این دیدگاه خیلی بدیهی به نظر برسد، اما اگر رنگ و لعاب بسیاری از نقدهای متجدد و موسوم به مدرن و علمی را کنار بزنیم، با همین استدلال‌های سطحی و عاری از ذوق هنری مواجه می‌شویم.

برکه‌های بیابان را به رسم تحفه برای خلیفه به بغداد ببرند تا خلیفه با کمک خود به زندگی فلاکت‌بار آنها سر و سامانی بدهد. به زعم ایشان، خلیفه هم مانند آنها از نعمت آب محروم است و اینن تحفه – کوزه‌ای آب گل آلود نایاب – موجب سرور خلیفه خواهد شد. باین باور، اعرابی کوزه‌ای آب گل آلود تعبیه می‌کند و به رسم پیشکش به دارالخلافه می‌برد و به خلیفه تقدیم می‌کند. خلیفه کریم هم با کرامت تحفه را می‌پذیرد و اعرابی را با بخشیدن درهم و دینار می‌نوازد و به مأموران فرمان می‌دهد تا او را از طریق دجله و فرات به مقصدش برسانند.

وقتی چشم اعرایی به دجله و فرات

ار تبساط منطقی و عقلی میان پدیده‌ها و رخدادها، موضوع علم است. یعنی علم می‌خواهد علت هر رویداد را کشف کند و توضیح بدهد و بر اساس نظم منطقی یافته‌های خود را دسته‌بندی کند.

مثلاً علم می‌تواند چگونگی افزایش ضریان قلب را توضیح دهد و انواع آن را معرفی کند و دربارهٔ تأثیرات آن بر جسم و روان انسان بحث کند. اما وقتی در شعر می‌خوانیم:

ای دل من سر مزن بر سینه این سان ناشکیب

لحظه‌ای دیوانه جان آرام‌نشین خواهد آمد

طبعاً توقع نداریم که شاعر بادر نظر گرفتن دستاوردهای متخصصان قلب و یا حتی با ملاحظهٔ مطالعات روانشناسی، دربارهٔ تپش قلب و بی‌قراری عاشقانه‌اش شعر بسراید.

اگر چه برای این کار مانعی هم وجود ندارد؛ یعنی گاهی دستاوردهای علمی ممکن است به کار شعر بیاید.

به هر حال وقتی شعر می‌خوانیم، از پیش‌پذیرفته‌ایم که گزاره‌های شعری، گزاره‌های عاطفی و انشایی هستند؛ یعنی محتمل صدق و کذب نیستند.

وقتی مادری می‌گوید که فرزند، من زیاترین کودک دنیاست. این سخن او را نمی‌توان تصدیق یا تکذیب کرد و از آن بدتر این است که کسی بخواهد با دلایل علمی و با استدلال منطقی ثابت کند که از فرزند آن مادر کودک‌ز زیاتری در جهان هست.

البته می‌توان گفت که این زیبا دیدن فرزند، مقوله‌ای شخصی است و دیگران ممکن است نخواهند با آن مادر هم‌نظر باشند.

اما سخن شاعران با آن که غالباً بر خاسته از دریافت‌های شخصی است، با گزاره‌های شخصی دیگر تفاوت دارد و آن این است که شاعران با هنر سخنوری، دریافت‌های خود را برای دیگران به شیوه‌ای مؤثر و پذیرفتنی بیان می‌کنند.



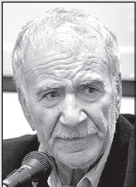
### توقدر آب چه دانی

که در کنار فراتی؟!



\* محمد رضا سهرابی‌نژاد

سه شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۰- شماره ۲۵۱۲۶



دکتر غلامحسین دینانی

گفت و گوا: کریم فیضی

### حافظ و چند مسأله بنیادی

#### در ساحت سخن

❖ **با ذهن خالی، چگونه می‌توان به سراغ چیزی رفت؟ این کار بی‌معنی است.**

خب، پس ماقتی اول به سراغ مصداق می‌رویم، بدون معنی این کار را نمی‌کنیم، بلکه این کار را با معنی انجام می‌دهیم. و یگتن‌اشنانین می‌گوید: ما سراغ مصداق می‌رویم و بعد معنی پیدا می‌شود. بحث این است که بدون معنی، نمی‌توان به سراغ مصداق رفت. اگر بخواهیم وارد این بحث‌ها بشویم، سخن طولانی خواهد شد و من نمی‌خواهم سخن طولانی شود.

❖ **پس، اجازه بدهید برگردیم به تحقیق در شعر یا شعرشناسی.**

شعرشناسی، موازین خودش را دارد. ما گاهی شعر را از نظر لفظی و زیبایی سخن و مقولاتی مانند وزن و قافیه و موازین شعر می‌سنجیم.

❖ **البته پرسش من از ماهیت شعر است.**

ماهیت شعر مسئله‌ای قابل بحث است. به سادگی نمی‌توان گفت که ماهیت شعر چیست. عده‌ای می‌گویند: شعر، سخن موزون و مقفی و متخیل است. عده‌ای دیگر از متأخرین، در این اوصاف تصرف کرده‌اند. آنها وزن و قافیه را حذف می‌کنند و خیال را کافی می‌دانند که نتیجه‌اش این است که اگر سخنی وزن و قافیه داشته باشد، ولی فاقد خیال باشد، کلام موزون است، نه شعر.

در مورد ماهیت شعر هم سخنان زیادی گفته شده است. هنوز میزان‌معینی که همه در باب آن متفق‌القول باشند، به وجود نیامده است. آنچه مسلم است، این است که خیال در شعر نقش دارد، یا به صورت کامل و کلی، یا کمتر از آن. در مجموع، نقش خیال را در شعر به هیچ عنوان نمی‌توان انکار کرد.

❖ **خب، در اینجا این بحث پیش می‌آید که: خود خیال چیست؟!**

این بحث‌ها هست و من منکر آنها نیستم. فکر می‌کنم اگر بخواهیم وارد این مباحث بشویم، سخن ماطولانی خواهد شد.

به هر روی، فکری می‌کنم برای شناخت شعر، قبل از هر چیز باید موازین شعر را بشناسیم. به فرض هم که وزن و قافیه کنار برود – مانند شعر نو فارسی – انسجامی در شعر و در لفظ و معنی باید باشد تا انضباط و تازگی شعر را تضمین کند. در شعر، علاوه بر تخیل، ابداع و نو بودن هم ضروری است و نگاه تیزی باید در آن باشد که به پس پرده برود. البته هر خیالی نمی‌تواند در اعماق نفوذ کند. در مجموع، اگر این مسائل را کشف کنیم، شعر را خواهیم شناخت.

برای شناخت شعر، شاعر را هم باید شناخت و از ساحت فرهنگی‌اش اطلاع حاصل کرد. از نوع حرف‌ها و مضامینی – که در هر شعری وجود دارد – می‌توان ساحت شعر را شناخت. می‌توان دید که شاعر چه چیزی را توصیف کرده و دستش به کجاها رفته و رسیده است. همچنین، معانی موجود در شعر، در چه جایگاهی است.

شعر، یک زبان گویاست که ما را به ساحت‌هایی می‌برد که در دسترس اشخاص معمولی نیست و افراد عادی به آنها نمی‌رسند. بله، شعر قدرتی دارد که ما را به ساحت‌های پیچیده و پنهان هستی می‌رساند. باید دید که یک شعر، تا چه حد ما را در ساحت‌های سخن جولان می‌دهد.

❖ **شماره واقع، شعر را به سخن برمی‌گردانید و ساحتی که طبق تحقیقات اخیر تان برای سخن قائل هستید و در تألیف و رساله‌ای مفرده: یعنی «فلسفه و ساحت سخن» آن را ذکر کرده‌اید.**

بله، من معتقدم سخن ساحتی دارد که زبان‌شناسان متوجه آن نیستند، چون سخن را صرفاً در ساحت معینی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند. به نظر من، سخن ساحت‌های نامتناهی دارد؛ یعنی لایه‌لایه است. نباید تنها به وضوح و تمایز بسنده کرد و گفت: چون وضوح دارد و متمایز است، پس معنی‌دار است.

وضوح و تمایز در سخن شرط هست، ولی سخن لایه‌های مختلف دارد. من از این موضوع با عنوان «ساحت‌های سخن» یاد می‌کنم و به همین جهت هم اسم کتاب خودم را «فلسفه و ساحت سخن» گذاشته‌ام. فلسفه، یکی از ساحت‌های سخن است. عرفان یکی دیگر از ساحت‌های سخن است.

❖ **طبق این مینا، شعر را هم می‌توان ساحتی دیگر از ساحت‌های سخن دانست.**

بله، شعر از ساحت‌های سخن است و تخیلی که در شعر می‌آید، به چیزهایی اشاره دارد و رموز و اسرار ناگشوده‌ای را برای انسان فاش می‌کند و درهایی را باز می‌کند که پیش از آن پاز نبوده است. تخیل با حرکت و رفتنش به جاهایی که قبلاً رفته بود، درهایی را باز می‌کند.

در مجموع، شعر از ساحت‌های سخن است. آن گاهی در ساحتی معین است، گاهی هم به اعماق می‌رود. امر وزی‌هاچندان به اعماق بهانمی‌دهند، اما من به اعماق باور دارم و سطوح را لایه‌هایی عمقی می‌دانم، نه در عرض هم که در طول هم. بنابراین، شعر می‌تواند سطوح داشته باشد و ما می‌توانیم از وجود لایه‌ها و سطوح مختلف در شعر حرف بزنیم.

ادامه دارد





هومن ظریف

## خون آشام‌های باختر و ادبیات خاور

**بایرون و عشق به فرهنگ ایران**

سخن خونها خورد تازان لب نازک برون آید
ز خون خلق سیراب است از بس لعل خونخوارش
*«صائب تبریزی»*
پس از آشنایی با زیر وبم احوالات و زندگی لُرد بایرون، می‌توانیم به گونه‌ای بهتر و مستندتر به زوایای روحی او نزدیک شویم. مردی چون بایرون که سیلان روحی پر تلاطمی دارد و در بروز دادن آن ابایی نداشته است؛ شاعر شعر بلندی است به نام «کافر». همان گونه‌که اشاره شد، لُرد بایرون، نه تنها خود صاحب آثاری با مضامین خون‌آشامی است، بلکه در حلقه ادبی دوستانش، نویسندگان و شعرای دیگر را در نگارش ملودرام‌هایی که به سبک‌های دلهره‌آور میل دارند، تشویق کرده است.
شعر: «کافر» لُرد بایرون، شعری حماسی است که نخستین مشخصات یک خون‌آشام را بروز داده است. خون‌آشامی که با مکیدن خون قربانی خود، باعث نابودی او می‌شود. مطلع این شعر چنین آغاز می‌شود: «نفسی نیست تا شکند این موج را / موجی که در گور آتني‌ها در سیلان است / آن مزاری که بر فراز



صخره در تابش است / رهنمون قایقرانان است که رو به سوی خانه دارند / بر فراز آن خاک / که او چنین بیهوده آرام گرفته است / کلدامین روز این قهرمان سیراز خاک بر خواهد آورد، بار دگر؟»
کوتاه سخن این که، لُرد بایرون همان گونه که اشاره شد، زبان ارمنی را فرا گرفته بود و به ادبیات آن عشق می‌ورزید. از سویی، مادر خاقانی، شاعر بلندپایه ایرانی نیز ارمنی است.
شاید سخن به گزافه نگفته باشیم که لُرد بایرون، ترجمه ذهن خیال‌افزای خاقانی است. مِشت نمونه خروار است و توجه به بی‌یتی از خاقانی، سزاوار که می‌گوید:

خون چو خاقانی ریخته لعل تست

قصه او خون او باز ده از لعل هم

معنای نزدیک این بیت چنین است: اکنون که خون همچون منی از لبان سرخت می‌ریزد، از عاشق و داستان عاشقی او یالب شیرین خود یاد کن.

و بی‌تی دیگر از خاقانی که می‌گوید:

خونم همی خوری که تو را دوستم بلی

تُرک این چنین کند که خوردخون به دوستی
مراد از تُرک در پیت فوق، معشوق لجوج و سرکش و البته زیبارو است؛ نه لزوماً تُرک به معنای قومیت.

جالب این‌که صفت جاودانگی خونخواران و دراکولاهای ادبیات غربی که در آثار برام استوکر و آن رایس (Anne–Rice) –نویسنده رمان مصاحبه با یک خون‌آشام –مشهود است، در لابلای ابیات و استعارات خاقانی به وفور دیده می‌شود. توجه کنید به ترکیب و صفی «لعل جانفزا» در این بیت خاقانی:

مرادلی است پرز خون، به بند زلف تو درون

پناه می‌برم کنون، به لعل جانفزای تو
و جالب‌تر این‌که لُرد بایرون بدون آنکه حتی یک‌روز در زندانی گرفتار شود، شعر طویل و پراحساس «زندانی شیلن» را می‌سراید. او توانسته است از اشعار «حسبیات» دیوان خاقانی، همذات‌پنداری خوبی با لحظات سخت زندانیان برقرار کند.
شاید برخی از دوستان –که کم هم نیستند– بیا خواندن این سخنان نگارنده، اعتراض کنند که نمی‌توان دستاوردهای چند نویسندهٔ بزرگ را با دلائل و مدارکی که نمی‌تواند مستدل باشد، خفیف و نازل دانست. اما قصد ما هر گز چنین نیست؛ بلکه منظور این است که سوای مکاتب هنری و ادبیات غرب، «ایسم»‌ها در ادبیات شرق وجود داشته است؛ اما به علت این که طبقه‌بندی و نقدپذیری هنر و ادبیات از نقاط ضعف کشورهای خاورمیانه است، هیچ‌وقت در مسیر تاریخی مکاتب هنری، خاقانی را به عنوان یک هنرمند سورتال یا اکسپرسیونست قلمداد نکرده‌اند. اگرچه نقد سخن این کمینه، حق هنرمندان و ادیبان ایرانی است، اما خوانندگان فرزانة واقف هستند که بسیاری از علاقه‌مندان فرهنگ و ادب، پست مدرنیزم را در غرب می‌شناسند و استعاره و تشبیه‌های بی‌کران شعرائ قدیم را واقعی نمی‌نهند. اگر چه حق هم با علاقه‌مندان ادب امروز است! چرا که اگر برای تهیهٔ دیوان «ناصر خسرو»، «خاقانی» و «منوچهری» به کتابفروشی‌های شهر خود سری بزنید؛ یا اصل دیوان‌ها را نمی‌یابید، یا اگر هم بیابید، با چنان قیمتی مواجه می‌شوید که عطای خریدن را به لقای دیدن فیلم‌های گرگ و میش، می‌بخشید!

زمانی که جدیدترین قسمت فیلم‌های خون‌آشامی را با مبلغ یک هزار تومان ناقل بر روز DVD می‌توان خرید، چرا به سراغ دیوان‌های شعرای کلاسیک خودمان برویم که حتی باین که به زبان فارسی است، برای خواندنش نیاز به مترجم و زیرنویس داریم!

**لُرد بایرون و متون کلاسیک ایران**

بگذریم و بگوییم که لُرد بایرون از کودکی عاشق ادبیات شرق و به ویژه شعر ایران بود و از این رو در حسیهٔ معروف او به نام «زندانی شیلن» (prisoner of chillon) ردپای آشکاری از تأثیر و تأثر از حسبیات شاعرانی چون: «خاقانی» و «مسعود سعد سلمان» و «وحشی بافقی» مشاهده می‌کنیم.

ادامه دارد



بقیه از صفحه اول

بپردازند، قطعا در آموزش و نوع کارشان و نیز شیوهٔ ارائه آثارشان تأثیر گذار است.
نظرم این است که هنرمندان موسیقی پاپ به سمت تولید آلبوم‌هایی با مضامین و موضوعات متنوع بروند. چه اشکالی دارد که در کنار ساخت قطعات عاشقانه، آثاری نیز با موضوع مذهبی، ایران، وطن، مضامین اجتماعی، طبیعی و... تولید شوند؟ اگر نگاهی به آثار ساخته شدهٔ دهه ۷۰ که موسیقی پاپ به صورت جدی رشد پیدا کرد، ببندازیم؛ متوجه تنوع در مضامین می‌شویم که البته تأثیر گذار، زیبا و دلنشین هم بودند.

# حمایت، توقع زیادی نیست!

اما هم اکنون آثار موسیقایی یکنواخت شده‌اند. یکی از مواردی که باعث ماندگاری و ساخت قطعات زیبای می‌شود، شعر آن اثر است و پیشنهادم به دوستان هنرمند، استفاده از اشعار قدماست. وقتی یک آهنگساز انواع شعرها را بررسی کند، موجب خواهد شد که به گنجینه غنی ادبیات کهن پارسی هم سرزند و از آن نیز بهره‌برداری کند. در واقع هدف ما این است که روزی بتوانیم از ترکیب موسیقی پاپ ایرانی در صحبت‌ها یمان استفاده کنیم.»

**موسیقی بومی و آثار کلاسیک**

«توجه به موسیقی بومی و تزریق آن در آثار کلاسیک ایرانی و کلاسیک جهانی،» موضوع مورد بحث دیگر بورنگ با میرزمانی است:

«در موسیقی کلاسیک جهان، آهنگسازان بزرگی چون بارتوک، چایکوفسکی و دیگران بودند که از موسیقی فولکلوریک مناطق خودشان استفاده می‌کردند. در ایران هم همین‌طور است. گریگور یان، احمد مستان یا آهنگسازانی که در حوزه موسیقی کلاسیک جهانی و علمی کار می‌کردند، از این آثار بومی زیاد استفاده کرده‌اند. البته این اتفاق در موسیقی پاپ هم دیده می‌شود. بسیاری از خوانندگان و آهنگسازانی که چه قبل و چه بعد از انقلاب در حوزه موسیقی پاپ فعال بودند، از میراث فولکلوریک کشور در این عرصه زیاد استفاده کردند. براین اساس، توجه ما این است که در این دوره نیز این اتفاق باید به شکل اصولی‌تر بیفتد. متأسفانه در حال حاضر وقتی به دیدن یک کنسرت پاپ می‌روید، اصلاً از موسیقی خودمان و هویت ایرانی هیچ نشانه‌ای دریافت نمی‌کنید. من توصیه‌ام این است که هنرمندان توجه ویژه‌ای به این مقوله داشته باشند و از



ملودی‌های ایرانی و از فضای موسیقی نواحی مختلف کشور استفاده بیشتری ببرند.»

او در قسمت دیگری از مصاحبه در این خصوص چنین اشاره می‌کند: «سیاست ما بر این است که به این ژانر از موسیقی بیشتر بها دهیم؛ به گونه‌ای که در برنامه‌هایمان از موسیقی نواحی بیشترین استفاده را خواهیم کرد. در خصوص تولید آلبوم نیز طرح معاونت هنری مبنی بر انتشار یک اثر از هر استان را دنبال خواهیم کرد که امیدواریم مدیران کل ادارات استان‌ها نیز در این رابطه همکاری لازم را با ما انجام دهند.»

میرزمانی در پاسخ به این سؤال که: «در سال‌های اخیر، آهنگسازان برجستهٔ ایرانی آثاری را در قالب سمفونی نوشته‌اند که قابل اجرا با ارکستر سمفونیک است، اما این هنرمندان هیچگاه برآی ضبط، از ارکستر سمفونیک تهران استفاده نمی‌کنند و ارکسترهای خارجی را به ارکستر ایران ترجیح می‌دهند. چرا؟» می‌گوید:

«من خودم به این مسأله حساسم و امیدوارم در این دوره کمتر شاهد چنین موارد باشیم که آثار آهنگسازان ایرانی در خارج از کشور ضبط شوند. امیدوارم آهنگسازان به کمک کنند. ما هم سعی خواهیم کرد شرایطی فراهم کنیم که با اطمینان خاطر، آنها این کار را در ایران انجام دهند. مثلاً شاید بتوانیم برخی بخش‌های ارکستر را در استودیو با هم ضبط کنیم. به عنوان مثال، بخش زهی ها –بادی چوبی –بادی برنجی و... را با هم بگیریم و تک تک ضبط نکنیم که امیدوارم باین کار یک مقدار نظر آهنگسازان را تغییر دهیم. چون مشکل ضبط ارکستری در ایران، تک تک ضبط شدن سازهاست که این خود هزینه بالایی را می‌طلبد.»

**بخش بین الملل موسیقی**

و اماروتی «بخش بین الملل دفتر موسیقی»، یکی دیگر از نقاط امیدبخش برای اهالی موسیقی است: «یکی از بخش‌هایی که فعلاً نه در آن شرکت خواهیم کرد، امور بین‌الملل است. سال‌های گذشته واحد بین‌الملل دفتر موسیقی، کار ثابتی داشت و تنها به رصد کردن جشنواره‌ها بسنده می‌کرد؛ اما از زمانی که من آمدم، تأکید کردم در این حوزه گنجینه‌ای از اطلاعات مربوط به خوانندگان، آهنگسازان و نوازندگان کشورهای اسلامی جمع‌آوری شود تا در مواقع مختلف بتوانیم از این هنرمندان و نیز حضورشان در کشور برای برقراری ارتباطات فرهنگی و

تأثیر گذاری فرهنگ‌های همسو استفاده کنیم. مرادات هنری، بویژه در عرصهٔ موسیقی، در شکل‌گیری و رشد فرهنگ کشور مؤثر است. ما مایل نیستیم یک دیوار دور خودمان بکشیم و فقط کارهای هنرمندان کشورمان را اجرا و در نهایت از آنها تعریف کنیم. قطعاً یکی از مواردی که نیاز به فعال شدن دارد، دعوت از گروه‌های بین‌المللی است.

در واقع، موسیقیدانان و نوازندگان خارجی با حضورشان در ایران علاوه بر ارائه هنرشان، با ایران و شرایط اقلیمی، فرهنگ و میراث فرهنگی ما نیز آشنا خواهند. این خود باعث آشناعه فرهنگ ایرانی در دیگر کشورها می‌شود. –این هنرمندان در بازگشت به کشور هایشان مبلغان مامی شوند که این حرکت بسیار مثبت است. از سوی دیگر اجرای این گروه‌ها در ایران هم

## حمایت، توقع زیادی نیست!

هنرمندان ما را در ارائه آثارشان تشویق می‌کند و هم تأثیر بسزایی در نوع نگاهشان به انواع موسیقی دارد.»

ساخت قطعاتی برای ارکسترهای سمفونیک و ملی و تمرکز بیشتر بر ساخت قطعات کوتاه و همچنین اجرای قطعات مجزا توسط گروه کر دفتر موسیقی (که پیشتر با ارکسترهای سمفونیک و بعضاً با ارکستر ملی روی صحنه رفته است) از سایر افکار و دغدغه‌های مدیر دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

**گسترش موزه صبا**

«گسترش موزه صبا»، اقدام مؤثر و سازندهٔ دیگری است که مورد توجه محمد میرزمانی است: «موزه صبا، زیر مجموعهٔ ارشاد است که تاکنون با توجه به کمبود بودجه و مشکلات مالی، تنها سِر با ایستاده است. یکی از طرح‌های آیندهٔ من، گسترش این موزه است. مکان موزه محدود و ساختمان قدیمی است و شرایط خوبی ندارد که باید به آن رسیدگی شود که البته مستلزم بودجه خوبی برای بازسازی است. موزهٔ صبا خیلی کوچک است و فضایی برای گسترش و برگزاری برنامه‌ها ندارد، اما اگر ما بتوانیم چند تاز ساختمان‌های اطراف موزه را خریداری و آنها را با موزه یکی کنیم، می‌توانیم فضای جالبی ایجاد کنیم که برای دانشجویان و هنرمندان موسیقی، با توفقی برای مذاکره و تبادل اطلاعات باشد. در واقع می‌توان با گسترش فضای موزه بخش دوران معاصر را اضافه و نمایشگاه ساز و موسیقی و همچنین کنسرت‌های موسیقی برگزار کرد. اگر ما به جایی برسیم که در موزه صبا، سالن آمفی تئاتر داشته باشیم و بتوانیم مراسم خاص بر گزار کنیم، به نتیجه مطلوبی رسیده‌ایم. البته من نمی‌دانم چه زمانی این هدف عملی می‌شود، اما در دفتر موسیقی ارشاد این دغدغه وجود دارد و امیدوارم بتوانم آن را عملی کنم.»

**جشنواره‌های حذف شده**

«برپایی جشنواره‌های حذف شده» از دیگر اهداف دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است: «جشنواره‌ها معمولاً عرصه و حوزه‌ای هستند که بالاترین و بیشترین فرصت را برای طراحی، برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری فرهنگی دارند. من خیلی به جشنواره‌ها امید دارم و علاقه‌مندم مثل گذشته و با شکوه‌تر برگزار شوند.

جشنواره موسیقی نواحی امسال با نگاه مثبت معاون هنری وزیر ارشاد برگزار شد که سال‌های آینده هم شاهد برگزاری آن خواهیم بود. در خصوص جشنواره‌های دیگر هم مشغول کار هستیم؛ به گونه‌ای که هم اکنون برگزاری «جشنواره ذکر و ذاکرین» را در دست بررسی داریم و امیدواریم همین امسال این جشنواره دوباره راه بیفتد. همچنین برای ماه رمضان سال آینده نیز در صدد برگزاری جشنواره‌ای بین‌المللی با عنوان «آوای محمدی» هستیم. «جشنواره بانوان و جوان» هم در حال بررسی است که در صورت تأمین بودجه، آنها را نیز سال آینده برگزار خواهیم کرد.»

میرزمانی در خصوص جشنواره بین‌المللی آوای محمدی و منحص نبودن محتوای این جشنواره به موسیقی رمضان، توضیح هوشمندانه و مدبرانه‌ای می‌دهد: «[جشنواره بین‌المللی آوای محمدی] یک جشنواره جدید است که کشورهای اسلامی که در زمینه موسیقی فعال هستند، می‌توانند گروه‌هایشان را شرکت دهند. در واقع جشنواره‌ای است که موضوعات و مضامین مذهبی را در بر دارد، اما مربوط به ماه رمضان نیست و فرصت جدیدی است که بتوانیم در جهت آن وحدتی که حضرت امام (ره) به آن اشاره داشته‌اند و رهبر معظم انقلاب تأکید دارند، گام برداریم.»

**لزوم تبلیغات رسانه‌ای**

و اما موضوع آخر، لزوم «تبلیغات رسانه‌ای» از منظر میرزمانی است (البته باز هم تأکید می‌کند که نگاه و سؤالات کارشناسانه امیرسعید بورنگ هم ستودنی و قابل ستایش است).

–[بورنگ]: آیا دفتر موسیقی وزارت ارشاد در بحث قیمت بلیت کنسرت‌ها و آثار ارائه شده در آنها هم ورود پیدا خواهد کرد؟

–[میرزمانی]: در مرحله اول، تمام صحبت‌ما روی توصیه است. استفاده از اشعار قدما، ملودی‌های ایرانی و فولکلور نواحی مختلف کشور همه توصیه است. به نظر می‌رسد اگر اینها اعمال شود، قطعاً خیلی از مشکلات حل می‌شود. مسأله دیگری که ما در این خصوص در دست بررسی داریم، انجام تبلیغات رسانه‌ای است. به گونه‌ای که قصد داریم نیمی از هزینه‌های این تبلیغات را دفتر موسیقی پرداخت کند تا همهٔ هنرمندان بتوانند

## ادب وهنر

در روزنامه‌ها آگهی داشته باشند. همچنین در زمینهٔ اجارهٔ سالن هم کمک مختصری خواهیم کرد که موسیقیدانان محلی و سنتی بتوانند از پس هزینه‌ها بآیند. اعمال نظر روی قیمت بلیت‌ها نیز زمانی صورت می‌گیرد که ما پول داشته باشیم و بگوییم ۵۰ درصد ارامای دهیم که متأسفانه بودجهٔ ما خیلی محدود است. سالن‌ها هزینه‌های هنگفتی دارند تا بتوانند سرپایمانند و با هزینه اندک نمی‌توانند به حیثشان ادامه دهند. سالن‌ها هم باید درآمد داشته باشند تا بتوانند این برنامه‌ها را امیزبانی کنند. در این ارتباط دستمان چندان باز نیست.»

**طرح چند سؤال همیشه‌بی‌پاسخ!**

در مطالبی که شرحش رفت، در چند جای آن از کمبود بودجه سخن رفته بود. در جهت اعزام گروه‌های موسیقی به خارج از کشور، گسترش موسیقی صبا و تبلیغات رسانه‌ای و دهها مسألهٔ مهم دیگر که تأمین بودجهٔ مناسب در جهت تحقق آنها حرف اول را می‌زند.

آسیب شناسی این مسأله از دو حیث مستثنی نخواهد بود. اول این که شاید بودجه‌ای که توسط دولت برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نظر گرفته می‌شود، بودجهٔ مناسبی نیست و یاین که احتمالاً بودجه‌ای که توسط آن وزارتخانه برای موسیقی تخصیص می‌یابد، ناکافی است. در خصوص مورد اول که وزارت فرهنگ و ارشاد بایستی در جهت لزوم تخصیص بودجهٔ مناسب‌تر و مکفی برای فرهنگ و هنر کشور، در دولت پافشاری کند (و دولت نیز قطعاً توجه لازم را خواهد داشت) و در خصوص ظن دوم که دیگر مشخص است که مسؤول کیست! بسیاری از مسائل فوق و دهها برنامهٔ مهم ناگفته که حتماً در این مصاحبه وقت صحبت راجع به آنها نبوده و قطع به یقین از نظر آن مدیر دوراندیش غافل نمانده و نخواهد ماند. از جمله توجه به مقولاتی چون آسیب شناسی مسأله آموزش موسیقی در کشور (از دانشگاه‌ها و هنرستان‌ها گرفته تا آموزشگاه‌های آزاد در سراسر کشور)، سازسازی و توجه به مشکلات هنرمندان صنعتگر سازنده ساز، توجه به مشکلات مؤلفان و ناشران آثار موسیقایی، نقش پژوهش در ارتقای موسیقی و جایگاه پژوهشگران این رشته، تأمین ارباب فن این هنر به لحاظ مالی و توجه به مسائل معیشتی و رفاهی آنان؛ همه و همه نیازمند اختصاص بودجه کافی است.

و اما نکتهٔ مهم دیگر که در این مصاحبه اصلاً به آن اشاره نشده و حتماً لزومی به صحبت راجع به آن نبوده (زیرا جواب آن از پیش روشن است)، نقش و جایگاه صدا و سیما و به خصوص سیما (رسانه ملی) در حمایت از این هنر است. اگر خاموشی صدا بانوان را در این سه دهه نادیده بگیریم (که در حقیقت نیمی از صدای موسیقی در کشور خاموش مانده است)، عدم نمایش ساز و آلات موسیقی و عدم توجه و ارزش گذاری به شأن و منزلت واقعی این هنر شریف و هنرمندان آن دیگر جای اغماضی را باقی نخواهد گذاشت. مسأله تبلیغات رسانه‌ای که در مصاحبه به آن اشاره شد، آیا تا به حال مورد توجه سیما بوده است؟

آیا رسانه‌ای که خود را ملی می‌خواند و داعیه حمایت از فرهنگ و مظاهر بارز آن چون هنر را دارد، نمی‌تواند در تبلیغات گستردهٔ بازرگانی خود، قسمتی را برای فعالیت‌ها و اتفاقات مهم موسیقایی اختصاص دهد؟ آیا پخش یک تیزر تبلیغاتی (با شرایط مالی مناسب) برای هنرمندی که عمر شریف خود را صرف فرهنگ و هنر این مرز و بوم کرده و حالا قصد برپایی یک کنسرت را دارد، توقع زیادی است؟!

چگونه است که انواع تبلیغات چپیس و بستنی و پفک نمکی را از آن رسانهٔ محترم شاهد هستیم ولی محض نمونه، آیا تبلیغی از یک فعالیت موسیقایی در طول این سال‌ها صورت گرفته است؟ توجه نکردن به مظاهر ملی (به خصوص هنر ملی) که اگر ایران را در جهان متمایز کرده همین فرهنگ و تمدن کهن و هنر غنی آن بوده که این کشور را متمایز و ممتاز ساخته است و نه مسائلی از قبیل فوتبسال. آیا اگر فقط ده درصد از توجه و حمایتی را که رسانه ملی از (مثلاً) فوتبسال صورت می‌دهد، به موسیقی اختصاص می‌یافت؛ موجب شکوفایی این هنر مظلوم نمی‌شد؟!

عادلاً قضاوت کنیم. آیا تمدن کهن ایران را در جهان با شعر و موسیقی و خوشنویسی آن می‌شناسند یا با فوتبالمان؟! (البته هر چیز در جای خویش باید باشد و در این نوشتار خدای ناکرده قصد تخریب و تخدیش عرصه‌های دیگر را نداریم. کشور پیشرفته‌ای چون ژاپن، همان توجهی را که به علم و تکنولوژی خود دارد، همان توجه را نیز به حوزه‌های فرهنگی، ورزشی، مذهبی و اعتقادی و سایر عرصه‌های دیگر دارد؛ یعنی رعایت و اعمال عدالت و مساوات!) اما متأسفانه، آن چیز که بیش از هر چیز، هنر دوستان این دیار را می‌آزارد، قدره از پشت بستن ودایهٔ مهربان‌تر از مادر نشان دادن بعضی از آقایان در خصوص موسیقی است که در پس سخنان محبت‌آمیز و دلسوزانه آنچنانی اما متظاهرانه‌شان، تیشه را از بیخ بر ریشهٔ این هنر نهاده‌اند. خود را گول زنیم، اندکی متألمانه‌تر ببیند بشیم!

**لزوم حمایت همه‌جانبه**

حال که این اقبال شامل حال موسیقی شده که یک مدیر از جنس این هنر، موسیقیدان و آشنایه امور مدیریتی، آن هم در سطح کلان، زمام‌امور را در دست گرفته و چنین اندیشه‌های مدبرانه و آتیه نگرانهای را هم در سر دارد؛ واجب است که ارباب فن موسیقی نیز کمر همت بسته و حمایتی همه‌جانبه‌ای را از این اهداف و اندیشه‌ها برآز دارند، تا شاید این اتحاد و مهادلی هنرمندان، حمایت سایر ارگان‌ها و نهادهای دیگر را نیز برانگیزد و یا برانگیزاند. حمایت، توقع زیادی نیست!

**پی‌نوشت:**

۱- روزنامه جام جم، چهارشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۰، ص ۷





اهل نظر، پریش رادنباله‌رو ذوق و اندیشه‌های پدرش مرحوم آشفته می‌دانند و این نکته ظریف از زبان او نیز در یکی از شعرهایش به صراحت بیان شده است که:

«آشفته» شو «پریش»، که حافظ به نکته گفت:

هان‌ای پسر بکوش، که روزی پدر شوی

البته او این نکته را در بسیاری از محافل و مجالس ادبی - که به همت همین پدر و پسر هر هفته در شهر ضارب گزار می‌شد، یادآوری می‌کرد و می‌گفت:

زبان حال دل ماست شعر مای دوست

سختن یکی ست، چه «آشفته» گوید و چه «پریش»

«پریش» اما برادری هنرمند به نام «امید سیاره» دارد که نوازنده و آهنگساز است و به روی بسیاری از اشعار پدرش یعنی مرحوم آشفته و برادرش پریش، آهنگ‌هایی ساخته است و چند اثر از او نیز توسط خوانندگان معروف کشور همچون مختاباد، پژمان مبری، بیژن خاوری، مهرداد کاظمی، حمید غلامعلی پور و علی تفرشی خوانده و پخش شده است. امید سیاره نیز از جمله کسانی است که شهرت خاصی میان هنرمندان و شاعران و اهل فرهنگ استان اصفهان و شهر ضارب دارد. وی معتقد است که تواضع، مهربانی و مردم‌دوستی، زلالی و صفای دل پدرش آشفته و برادرش پریش از دلایل اصلی شهرت آنها بین مردم اصفهان و شهر ضارب است. اینک غزلی از استاد پریش شهر ضارب.

#### نقاب

تو را شناخت نگاهم، نقاب را بردار

ستاره سایه ندارد، حجاب را بردار

تنور شعله‌ورم، دست بر دلم مگذار

پرس و پرده این التهاب را بردار

چو بُوت‌راب که از شیر با نمک پرداخت

بس است گریه بر این چشم، خواب را بردار

هنر نکردم، اگر سایه‌ام به خاک افتاد

ز خاک ای دل من، آفتاب را بردار

به لقمه پای نهادن کمال ناشکری است

به احترام سبوی شراب را بردار

ز سالخورده ضراحی دوی پیری خواه

چو خُم شدی ز خُم می، شیب را بردار

قلندرانِ طریق احتیاط نداشتند

دو راهه نیست جنون، انتخاب را بردار

صلاح کار تو مطرب اگر چه خاموشی ست

دلم گرفت خدا را، رُباب را بردار

به عطر صومعه خاکم مکن نفاق آمیز

شراب و شمع مرا بس، گلاب را بردار

گناه از من امیدوار او، زاهد!

تو بهر توشه فردا، ثواب را بردار

به عذر آتش پنهان «پریش» در خود سوخت،

کنون که شعله به سر گشت، آب را بردار

نگاهی به زندگی و آثار استاد آشفته و استاد پریش شهرضایی به مناسبت چهلمین روز درگذشت

## پرواز اندوهبار «آشفته» و «پریش»



حسن فرامند

آثاری از مناقب و مراثی اهل بیت (ع)، غزل‌ها، آثار کلاسیک و اشعار محلی دیگری نیز از او آماده چاپ باقی مانده است، اما مهم‌ترین بخش آثار او، همان شعرها و آثاری است که مردم کوچه و بازار و اهل نظر و اهل ادب استان اصفهان و شهرضا از او زیر لب زمزمه می‌کنند و در بیشتر مساجد و تکیای شهرضا نیز شعرهایی از او به صورت کاشی بر در و دیوار نصب شده است، افتخاری که در زمان حیات کمتر شاعری نصیب او شده است.



«... پریش، ذوق و مستی را از پدر - که خود از شاعران بنام شهر ضاربست - به میراث برده است و به سبب همدمی و انس دائم با شاعران آسمانی ادب پارسی، هم از شور و حال و شراب و شهود در جام شعر آنان سر مست شده است.»

اشعار استاد پریش با لهجه محلی شهرضایی، طرفداران زیادی میان مردم شهرضا و استان اصفهان دارد، به شکلی که نوار کاست و سی‌دی‌هایی از جلسات شعرخوانی او گردآوری شده و دست به دست در میان مردم این استان می‌گردد و به اصطلاح امروزی‌ها، بلوتوث هم می‌شود.

از آثار مکتوب و بجا مانده او می‌توان به «دیوان پریش» و مجموعه «اشک‌ها و لبخندها» از او اشاره کرد و نیز یک مجموعه جدید که از او گردآوری و قرار بود به زیر چاپ برود و امید است اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در این زمینه دست‌ها را بالا بزند.

در اینجای یک نمونه از غزل‌های این شاعر گرانمایه را می‌خوانید:

**گردباد**

غم آلود نشاط روزگار، از من چه می‌خواهی؟

ز پا افتاده‌ام گشت و گذار، از من چه می‌خواهی؟

امیدم رنگ می‌بازد، به گل از من چه می‌پرسی

خزانم، برگ می‌ریزد بهار، از من چه می‌خواهی؟

شتابان گردباد دشت خاک آلود دورانم

شکب از من چه می‌جویی؟ فرار از من چه می‌خواهی؟

ره کوی سلامت را، سراغ از من چه می‌گیری؟

میان عشق و سوز و انتظار، از من چه می‌خواهی؟

جهان «آشفته» ای در زندگی، در محنت آبادم

مرا، کم کرده طوفان در غبار، از من چه می‌خواهی؟

محال است کسی در شهرضا زندگی کند و نام و آثاری از استادان «آشفته» و «پریش» را بر زبان جاری نسازد و محال است کسی چون رهگذر و مسافر از این شهر عبور کند و نام استاد پریش و استاد آشفته به گوش او نخورد.

مردم کوچه و بازار، مردم ادیب پرور و فرهنگی و هنردوست این شهرستان سال‌های سال است که با ترانه‌ها، غزل‌ها و شعرهای مرده می‌استاد آشفته و استاد پریش این پدر و پسر شاعر و ادیب زندگی کرده و غزل‌های آنها را زیر لب زمزمه می‌کنند، در حالی که در محل کسب و کار و خانه و زندگی آنها نیز از مرحوم حمید مصدق، شاعر پرآوازه کشورمان که - زادگاهش شهرضا بود - همواره خاطر ه‌ها، یادها و شعرها و عکس‌هایی بین مردم شهرضا رد و بدل می‌شود و آثار و تصویر او نیز زینت بخش زندگی مردم شهر ضارب است.

#### اقداریغ و درد...

دریغ و درد که شهرضا، شهری که سرزمین مادری بسیاری از چهره‌های سرشناس علمی، ادبی، فرهنگی و زادگاه بزرگانی چون استاد الهی قمشه‌ای و خاندان پر مرتبت اوست، این روزها سوگوار است. سوگوار اندوه از دست دادن استاد پریش و استاد آشفته، این پدر و پسر شاعر و ادیب که به فاصله یک ساعت این دنیای فانی را ترک کردند و شهرضایی‌ها را در سوگ خود نشانند.

آری این دو شاعر گرانمایه، این دو ذخیره ادب، که عمری در کنار مردم کوچه و بازار شهرضا سپشتند، اکنون در میان مانیتند و جامعه ادبی شهرضا، این روزها سوگوار آنان و در تدارک برگزاری آیین چهلمین روز درگذشت آنان است.

ضمن گرامیداشت یاد و خاطره این دو شاعر بزرگ و دوست‌داشتنی استادان اصفهان و شهرضا و نیز ضمن تسلیت به جامعه فرهنگی، هنری و ادبی، مردم و خانواده‌های محترم این دو چهره ادبی این قسمت از ستون شعر، ضمیمه ادب و هنر این هفته را به معرفی زندگی و آثار این دو شاعر شیرین زبان شهرضایی اختصاص می‌دهیم با ذکر این نکته که یادمان باشد که چندی پیش نیز جامعه ادبی استان اصفهان و اراک سوگوار از دست دادن مرحومان استاد فرهاد پرویز و مهدی پرویز پدر و پسر شاعری بودند که به فاصله یک سال، چشم از دنیا بستند. یاد و خاطره آن عزیزان نیز گرمی باد.

#### استاد آشفته

قاسم سیاره، متخلص به «آشفته» متولد ۱۳۰۳ در شهر ستان شهرضا و به نوشته خودش دارای تحصیلاتی در حد امکان بود و به مشاغل غیر دولتی حسابداری و هنری پرداخت و در سال‌های اخیر باز نشسته بود. او فرزند مرحوم «هاشم سیاره» شاعر شناخته شده شهرضایی بود که از او کتاب‌های «جنگل مولا» و «گلشن معرفت» به چاپ رسیده است و میان اهالی شهرضا و استان اصفهان شهرت زبانزد دارد. آمار دیوان و مجموعه آثار استاد آشفته به نام «دیوان آشفته» در سال ۱۳۶۰ و مجموعه شعر «دو گاه» او در سال ۱۳۷۰ و مجموعه شعر «خوشه» او در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده، در حالی که مجموعه

## ناظر کیفی، گرفتار بی کیفیتی!

تلویزیون

#### احمد ایتمامی

نه انگار که هر لحظه ممکن است بمیرد - به طبق روایت سریال - از بر رخ خارج شود. البته این رفتار او خیال‌بیننده را نیز راحت می‌کند؛ چون می‌تواند اینک به اسودگی فیلم را تماشا کند و به راحتی آخر قصه را هم حدس بزند.

#### رمدیوس در هوا

یادمان باشد که برخی تماشاگران با دقت نگاه می‌کنند؛ پس به این دقت احترام بگذاریم! گیریم که «یاور» گرفتار قانون است و از سوی دیگر «جمشید» خود را به پلیس معرفی کرده و اشاره‌ای هم شده که «روزبه» دستگیر شده است؛ اما چرا یکی از شخصیت‌های فیلم که در دل قصه جا دارد، به کلی به فراموشی سپرده می‌شود؛ چگونگی بعد از ناپدید شدن امیر حسین، به یکباره، تصویر خواهر او نیز محو می‌شود؟ حتی در آخرین قسمت هم هیچ نشانی از او نیست. خوب است کمی از مارکز یاد بگیریم که زمانی که خواست از دست «رمدیوس...» رها شود، او را به کجا فرستاد.

و نکته دیگر این که روح امیر حسین - به جای خودش - داریم در کنار خواهرش به سر می‌برد. در حالی که امیر حسین اطلاعاتی از سیاه‌بختی خواهر خود (سولماز غنی) ندارد و گویی در همه این سال‌ها برای اولین بار به تنها خواهر خود - تنها خویشش - سر زده است!



هستیم، این خانوم کیه؟

سستی‌های سریال، زمانی بیشتر توی ذوق می‌زند که مینا در گفت‌وگوهای طولانی با امیر حسین (مهدی سلوکی) سریال را بیهوده استرجاع می‌کند؛ این در حالی است که تصاویر به اندازه کافی گویا و رساست و نیز به زبان این ژانر نزدیکتر. چون با یک فیلم سریالی مواجهیم نه با نمایشنامه رادیویی. گاهی دوربین دقایق زیادی بی حرکت به روی سه پایه قرار می‌گیرد و «مینا» مرتب در حال توضیح و واضحات و تکرار توضیحات قبلی است. بی‌گمان لحظه به لحظه رخدادها را شرح و تفسیر کردن، و زبان تصاویر را نادیده گرفتن، به یک سریال تلویزیونی لطمه می‌زند و آن را به یک تولید در ژانر شنیداری نزدیک می‌کند؛ به گونه‌ای که می‌شد از نشیمن به اتاق رفت و در به روی خود بست و سریال را نگاه کرد!

فیلمنامه‌نویس نیز در دیالوگ نویسی، زحمت چندانی به خود نداده است، در حالی که با کمی دقت و نظر خواهی از کار کشته‌ها



و باز نویسی می‌توان دیالوگ‌ها را بهبود بخشید. جایی مینا داورمانانه می‌گوید: «اوه، اوه... شوهر خواهره‌ت؟ چه خلافت قیافه‌اش!...» (و در جای دیگر با پیش آگاهی می‌افزاید: «کریم، چه اسم غلط اندازی هم داره!»)

امیر حسین در حساس‌ترین لحظات (لحظه مرگ) آنقدر آرامش خیال دارد که یاد حال گردش است و یاد خانه خواهر خود و بسامینا در حال گفتگو است و انگار



بقیه از صفحه اول

دلبستگی‌های مینا به زیبایی‌های طبیعت، ابراز علاقه به حضور در جمع خانواده و این که حتماً زمان صرف غذاهای سه‌گانه می‌کشد سر سفره و در کنار خانواده باشد، زیاست و یادرس خوانی‌اش و نشستن در کلاس تاریخ از صحنه‌های برجسته فیلم است و می‌خواهد بگوید که گشتن از پی خوشبختی در آفاق، بیهوده است و لحظات ناب و لذت‌بخش زندگی، همین لحظات عادی و ساده موجود در انفاست، که انسان بی‌توجه و سر به هوا از کنارشان می‌گذرد.

به جز یکی دو مورد، بازی هنرمندانه بازیگران و شیرینی سوالات و کارهای «پروام» - که در امتیاز نبودن و بی‌قصه بودن سریال را کمی همپوشانی می‌کند - سراسر مجموعه از سکاسها و دیالوگ‌های زائد و گاه پرت، پراست. مانند توهین به آدم بزرگ‌هایی که کارگردان آنها را کودک فرض کرده است. (البته نه به این معنی که توهین به کودک رواست!).

صحنه‌های سریال گاهی آنقدر کشدار و خالی از محتوایست که بیننده شک می‌کند کارگردان قبل از آن که سازنده باشد، یک ناظر کیفی و حرفه‌ای نیز هست. اما لحظه به هوش آمدن امیر حسین، دکتر بیمارستان، رفتاری نابرابر از نده و مانند مربی‌های مهد کودک دارد: «اسمت چی، اینجا کجاست، در چه سالی





#### شعر المروزی

#### مه گرفته ترین قله

احسان قدیمی

و پوچ مثل گلی توی مشت من واشد
صدای خنده ات از پشت هیچ پیداشد
دری به سمت نبودن، دری به روی سکوت
کنار بغض من آهسته بسته و واشد
چقدر ابر درون نگاه من پیداست
چقدر گریه که با شانهٔ تو معنا شد
چقدر دایره اطراف قطره ای باران
طواف می‌کنداین قطره را که دریاشد
تو رویروی زمستان خفته در کوهی
تو مه گرفته ترین قله‌ای که تنها شد
غروب یخ زده مابین دست‌های پدر
غروب در نفَس سرد کودکی‌ها شد
دو حرف سرد و کشیده به گوش من می‌خورد
درون آینه مردی شبیه بابا شد

#### زن فکر می‌کند...

سیامک بهرام‌پرو

«زن! می‌زنم به کوه، دو لول مرا ببار!»...

در چشم زن: غرور... شکستن... طناب دار!

زن فکر می‌کند که چه سخت است زندگی!

زن فکر می‌کند چه سیاه است روزگار!

زن قطره قطره توی نگاهش امید مرد

زن تکه تکه پیر هنش تیره، داغدار

زن فکر می‌کند که غزل‌ها دروغ بود

در پیچ و تاب وحشت این سال بی بهار

زن فکر می‌کند که: نمی‌خواهم این غرور–

– را در کنار فاجعه، صد سال آزار!

پس کو خیال گله و نی؟ کو ترانه‌ها؟

کورقص سرخ دامن چین چین... و پنبه زار

اصلاً ولش کن این همه را؛ بی خیال من!

با دخترت بگو چه کنم؟ طفلکم: نگار!

«بابام کو؟» که گفت بگویم که از پدر

یک تل خاک سرد، همین، مانده یادگار!

نه، نه، ببین! به جان خودت رسم مرد نیست–

– این رفتنت و ماندن من، صبر کن، سوار!...

زن توی ترس و تلخی و تردید، گنج گنج

فریاد مرد: ای... دو لول مرا ببار!

یک مرد پر حرارت و بانوی منجمد

یک دست، یک دو لول... سپس بغض در غبار!...

#### فرقی نمی‌کند آدم باشیم یا موش کور!

محسن نوبخت

فاصله

معنای عجیبی دارد.

می‌شود بینمان رو بانی کشید

و آن را در سال‌های دور فتح کرد.

فرقی برایت نمی‌کند؟!

وقتی بریده شود،

این ارتباط ماست که قطع خواهد شد؟!

حتی می‌شود

بارهای بزرگ

روبان زمین را برید و آن را دو نیم کرد.

آن وقت همهٔ ارتباط‌ها یکطرفه می‌شود

عشق‌ها به طرف خود آدم بر می‌گردند

و فنجان‌های قهوه، فال‌هایمان را با لامی آوردند

آدم عقی می‌زند از این همه مساوات!

ببین!

زمین اگر دو نیم شود،

سقوط می‌کند.

#### قابل توجه دوستان!

صفحهٔ «سبزینه» در انتظار آثار خوب شماست. اما تنها با ارسال اشعار، مقالات، ترجمه‌ها و یادداشت‌های خود به نشانی ایمیل زیر می‌توانید شاهد انعکاس آنها باشید. آثار رسیده، به دقت بررسی و در این صفحه درج خواهد شد.
پست الکترونیکی سبزینه برای دریافت آثار و اشعار دوستان
saherkakaei@gmail.com



«باید برای زمین مترسکی می‌ساختیم»، عنوان مجموعه شعری است از حسام‌الدین مهدوی که توسط انتشارات داستان سراسر شمارگان ۱۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است، نوشتهٔ حاضر به بررسی دغدغه‌های این شاعر در این مجموعه می‌پردازد.

حسام‌الدین مهدوی در این دفتر شعری اش، بیشتر از دغدغه‌های فکری – فلسفی، اجتماعی و به مقدار اندکی از دغدغه‌های شخصی اش سخن به میان می‌آورد. بزرگترین دغدغهٔ شاعر در این مجموعه، مسألهٔ خداوندیshi است. در روزگاری که روح معنویت در جوامع بشری خشکیده است و انسان روز به روز از خدا دور و دورتر می‌شود؛ در عصری که سخن از مرگ خدا به میان می‌آید و در دنیایی که انسان، این پادشاه دمنشانه، همه چیز را رام کرده تا به جان همنوع خویش بیفتد؛ شاعر انگشت به دهان، به تفکر درباره این بزرگترین دغدغهٔ بشریت می‌پردازد.

مدرنسم او را از خدا جدا کرده و تنها و بی‌پناه و سرگردان در هستی رها نموده است. در روزگاری که انسان با اندیشه‌های اوانیستی اش می‌خواهد خود را همدیف و حتی بالاتر از خدا قرار دهد، ما دیگر با انسان قبل از هبوط مواجه نیستیم که با تواضع در مقابل خدای خود به گناهانش اعتراف کند.

همه چیز دگرگون شده، انسان در مقابل خدای خویش دیگر «ظَلَمْتُ نَفْسِی» بر زبان نمی‌آورد، بلکه با گستاخی تمام در برابر او قد علم می‌کند. او اگر چه روزگاری خلیفهٔ خدا بر روی زمین بوده است، اکنون می‌خواهد صاحب مطلق زمین باشد و خدا را از عرصهٔ هستی به در کند:

«چه خداوندی بود، انسان/ وقتی در جواب معلمش گفته بود/ ضمیر یعنی کلمه‌ای / که اسمش را می‌کشد/ تا جانشین آن شود.» (ص ۱۴)

در چنین روزگاری است که شاعر دستش را از خدا کوتاه می‌بیند:

«ما دیگر دستمان به دهانمان نمی‌رسید/ به چشمانمان نمی‌رسید/ به پلک‌هامان که از عطش یک وضو می‌سوخت/ به خدا/ به کلمات.» (ص ۹)

حکایت او حکایت انسان از خود بیگانهٔ عصر ماشینسمی است که خود را بی‌سرنپناه و یرت شده در هستی می‌یابد که هیچ تکیه گاه و مأنی برای خود سراغ ندارد. عصری که او را حتی از حمایت خدا نیز بی بهره کرده است:

«افلاطون، شاعران را از شهر بیرون راند/ خدا/ آدم و حوا را/ همه سرگردانیم در روستای زمین.» (ص ۵۷)
او برای رهایی از این بن بست، به فکر بنا کردن آرمانشهری می‌افتد تا در آن خواسته‌هایش را تحقق بخشد. شاعر در جای جای اشعارش از ایدهٔ آرمانشهر سخن به میان می‌آورد. مفهوم آرمانشهر گاهی در اشعار او به گذشته ار جاع داده می‌شود؛ به روستایی که مأمن صفا و آرامش برای شاعر بوده و آن را از دست داده است. اتوپایی سوخته:

«من از اتوپای سوخته حرف می‌زنم/ روستایی که/ من/ تو/ خدا/ و جهان را خواهد لرزاند/ روستای من از شهر شما که دغدغهٔ مردمانش / به خط کردن پیامبران خسته / برای سوگندهای ریز و درشت و / خواهش‌های کاغذی است/ هزاران سال فاصله دارد/ در روستای من هر انسان، رسولی است/ هر رسول، خدایی/ هر خدا یقینی که در خط‌های صاف جانی می‌شود.» (ص ۱۹)

اما گاهی شاعر خود به این نکته واقف می‌شود که امکان بازگشت به این آرمانشهر سوخته را ندارد؛ پس آن را به آینده حواله می‌کند:

«اما هنوز در آرمانشهر تو/ در حسرت سرپناهی روزها رامی‌شمارم.» (ص ۳۹)

حکایت او، حکایت انسانی است که امروزش را باخته و برای تسلی دردهایش یا به گذشتهٔ از دست رفته و یا به آیندهٔ موهوم پناه می‌برد.

مهدوی شاعری است که جامعه اش را خوب درک کرده است. جامعه‌ای که او در آن زندگی می‌کند، در مرحلهٔ گذار از سنت به مدرنسم است. شاعر در این گذار، خود را با دو دنیای کاملاً متفاوت مواجه می‌بیند؛ یک دنیای سنتی که مملو از صفا و روشنی است و کاسه‌هایی لبریز از خدا:

«بهار بود/ هوا بسود/ پدر بود/ مادر بود/ با خدایی که از کاسه‌هامان لبریز بود.» (ص ۲۴)

و در مقابل این دنیای سنتی، دنیایی مدرن که همهٔ دارایی شاعر در دنیای سنتی را می‌خواهد از او بگیرد:

«پدرِ پدرِ /مادرِ پدرِ /خداِ پدرِ /با کاسه‌هایی که از تجدد لبریز می‌شد.» (۲۵)

شاعر در برابر این هجوم، سخت نگران است. او برای بیان تقابل سنت و تجدد، از دو واژهٔ شهر و روستا کمک می‌گیرد. روستا نمادی از صفا و سادگی و سنت‌های محبوب شاعر، و شهر نمادی از مدرنسم و نظم و منطق خشک حاکم بر آن است. او در برخورد با ماشینسم آزرده خاطر شده و از این که روستایش را به شهری سرد فروخته، پشیمان است:

«ما روستاها را به شهری سرد فروختیم/ و معبد‌ها را به بزرگراه‌هایی که/ نه جنگل‌ها را می‌شناسند/ نه کوچه‌ها را/ و نه سراغی از دخترانی داشتند/ که از چشمه برنگشته بودند.» (ص ۳۶)

او مادرش را که در شعر او نمادی از هر گونه محبت،

نگاهی به مجموعهٔ «باید برای زمین مترسکی می‌ساختیم» / سرودهٔ حسام‌الدین مهدوی

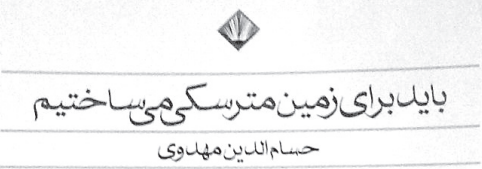
# افلاطون، شاعران را از شهر بیرون راند!

مهربانی و البته در شعر زیر نماد وطن است، در کارزار همین سنت و تجدد از دست داده است:

«من مادرم را پیش از آن که به دنیا بیایم / در کارزار حدوث و تجدد/ بر سر اثبات یگانه واژه‌ای از دست دادم/ آری.../ این گره ابدی دست‌های من بود.» (ص ۴۲)

اما تکلیف شاعر در این بین چیست؟ او چه باید بکند؟ از یک طرف سنت‌هایش را دوست دارد و از طرفی خودش را به ترقی‌های مادی عصر حاضر نیازمند می‌یابد. راه چاره چیست؟ شاعر در اندیشهٔ بنیاد آرمانشهری است که شاید در آن بتوان این دو مجموعه را با هم آشتی داد و به زندگی بهتری دست یافت: «روستا را دوست دارم به خاطر مادرم/ شهر را به خاطر پدرم/ و آرمانشهر را برای عقده‌هایم.» (ص ۸)

از دیگر بن مایه‌هایی که در این مجموعه شعر، بسیار با آن برخورد می‌کنیم؛ بن مایهٔ شک و تردید است. او گرفتار عصری است که انسان در میان سیلی از ایدئولوژی و مکتب‌های رنگارنگ، سر در گم مانده و قدرت انتخاب خویش را از دست داده است. اگر انسان سنتی به آسمان ایمان داشت و انسان مدرن همه چیز حتی خدا را هم زمینی کرده است، او در برزخ میان این دو گرفتار آمده؛ نه سنتی است و



حسام‌الدین مهدوی

(مجموعه شعر)



نه مدرن. هم به آسمان شک کرده و هم به زمین. او به تمام آنچه که به او به عنوان مکتب و ایدئولوژی ارائه شده، شک کرده است:

«به زمین شک کرده‌ام/ به آسمان‌ها نیز/ به همهٔ آنچه که شما بدان تأکید دارید/ آخر من/ همهٔ دار و ندارم را/ چکمه‌های دخترم/ گوشواره‌های مادرم/ عصای پدرم را/ فروخته‌ام/ و از کنیشان دو وجب بهشتی را خریده‌ام/ که هفت صاحب دارد.» (ص ۳۰)

فقدان انسانیت و ارزش‌های انسانی در جهان امروز، از دیگر دغدغه‌های شاعر است. در روزگاری که انسان، دنیا را به کام آتش کشیده و کشت و کشتار و قتل و خونریزی تمام جهان را در بر گرفته است؛ شاعر، انسان‌ها را با این حقیقت تلخ رو به رو می‌کند که:

«ما به دنیا آمده بودیم/ که سگ را رام کنیم/ اسب را/ بز را/ گندم را/ سنگ را/ زمین را/ این غایت حیوان ناطق ناقص بود.» (ص ۵۱)

آیا به راستی رسالت انسان این بود؟ ما آفریده شده بودیم که پیش بینی ملائکه مبنی بر قتل و فساد در زمین را به تعبیر درست رسانده باشیم؟

«ما همه چیز را رام کردیم/ زمان را/ زمین را/ آنگه برای یک حس مشترک/ به جان نوع خویش افتادیم/ این تصویر حیوان ناطق ناقص نوع کش بود.» (ص ۵۲)

در چنین احوالی شاعر، حکایت دیوژن را به یاد می‌آورد که با چراغ گرد شهر در پی یافتن انسان بود و امید به یافتن انسان، این گوهر خارج از صدف کون و مکان، را به سخره می‌گیرد.

نکتهٔ دیگری که در این اشعار به چشم می‌خورد، گله‌مندی شاعر از بی‌عدالتی‌های اجتماعی است:

«نمی‌خواهم در جریان شما بقیتم/ و مثل شما/ با سیگار و خنده‌های کاغذین/ از من پذیرایی کنند/ خط کش‌های شما/ فاصله‌هایشان یکسان نیست/ تا گردن‌های ما را/ وجب کنند.» (ص ۴۱)

فقر اجتماعی از دیگر مسائلی است که روح شاعر را می‌آزارد. او از «پنجره /از دحام سخت کودکان گرسنه/

## ادب‌و هنر



محسن احمدوندی

و خیابان‌هایی که روزیشان را از روزهای مرده/

گدایی می‌کردند» (ص ۴۶)
مشاهده می‌کنند و از دیدن «دخترانی که پنج شنبه‌ها را در حسرت خیابان‌های ممتد/ لبخندهای سرخ و/ روزهای خورشید گرفته/ به گوشه‌اشان آویزان کرده بودند.» (ص ۴۷) متأثر می‌شود.

شاعر گاهی در بیان این تأثرات به زبانی تلخ و طنزآمیز نیز متوسل می‌شود:

«طفلک شهرزاد/ دکترها جوابش کرده بودند/ تا سر چارراه‌ها/ با گونه‌های زرد/ نگاه‌های تیز و کودکانی به پشت/ برای طیاره‌های آهنی/ اسپند دود کنند.» (ص ۶۵)
نکتهٔ دیگر، دیدگاه شاعر دربارهٔ تاریخ است. او معتقد است که ظلم و ستم بیماری مسری تاریخ است و همیشه عده‌ای غالب و عده‌ای مغلوب بوده‌اند و همیشه قدرت دست به دست در بین سلطه گران چرخیده است و هر مستبدی مواد مصالح زورگویان نسل بعد از خود را فراهم کرده است:

«چنگیز گردن‌ها را زد/ تا مصالح کاخ‌های آقا محمد قاجار را فراهم کند.» (ص ۲۳)

ظالمان تاریخ در هر دوره‌ای و جامعه‌ای در لباسی دیگر ظاهر شده‌اند و ظلم‌پذیری ملت‌ها باعث شده که در هر عصری مترسکی را علم کنند تا بر آنها حکمرانی کند. او در شعری بازبانی طنزگونه این مسأله را چنین بیان می‌کند:

«پوتین‌های هیتلر/ عصای چنگیزخان/ دندان‌های نیش ژنرال فرانکو/ تبسم‌های رنگ پریدهٔ امین/ عینک آفتابی تیمور لنگ/ باید برای زمین مترسکی می‌ساختیم.» (ص ۶۵)

در عصری که همه چیز به سوی جهانی شدن به پیش می‌رود، شاعر با نگاه تیز بین خود، هشدار می‌دهد که فرایند جهانی شدن ممکن است همه چیز را به نفع گفتمان‌های سلطت فرهنگی سوق دهد و فرهنگ‌های بومی مضمحل و نابود شوند. امیربالسم جهانی نه تنها اقتصاد جهان را به سوی تک محوری و وابستگی شدید به قطب‌های قدرت به پیش می‌برد، بلکه با زرق و برق و رنگ آمیزی‌های فریب‌آلود، فرهنگ‌های کشور‌های ضعیف در این رقابت را نیز به نفع خود مصادره می‌کند، تا یگانه مسند نشین جهان در همهٔ عرصه‌ها باشد. اگر روزی با تیر و تفنگ به استعمار جهان می‌پرداختند، امروز می‌خواهند قلم‌ها و پرچم‌ها را که نمادی از دانش و بینش و هویت ملت‌ها هستند، مصادره کنند:

«آنها با دست پر آمده بودند/ با تیر و تفنگ/ خشاب‌هایی که به تعداد همهٔ کودکانمان بود/ آنها با خنجرهایی خسته برای تقسیم دموکراسی آمده بودند/ چراغ برای خودشان/ گندم‌ها/ پرچم‌ها/ خیابان‌ها/ خودکارها/ همه غنیمتشان بود.» (ص ۱۲–۱۱)

مهدوی، شاعری اجتماعی است و بیشتر اشعارش حول «من اجتماعی» او می‌چرخد؛ اما هر از گاهی به شعرهایی در این دفتر بر می‌خوریم که حول «من فردی» شاعر شکل گرفته و دغدغه‌های شخصی او را بیان می‌کنند و می‌توان آنها را در دو دستهٔ نوستالوژی‌های گذشته، به خصوص دوران کودکی و عشق و معشوق، جای داد.

او همیشه بالحنی اندوهناک از کودکی اش یاد می‌کند؛ از بهشت گمشده‌ای که در پشت سرش قرار گرفته و راه بازگشتی برای شاعر به آن نیست:

«از مدرسه برمی‌گشتم/ تنها آرزویمان این بود/ که خودمان باشیم/ با دست چپ مشقمان را بنویسیم /رنگ آبی به سبزه‌های نقاشی‌مان بزنیم/ اعداد را از هفت شروع کنیم/ و الفبا را به نون ختم کنیم.» (ص ۷۲)

روزهای خوش کودکی بی‌که به ریا و تزویر دنیای بزرگسالی آمیخته نبود و همه چیز رنگ و بوی صفا و صمیمیت می‌داد:

«کودک بودیم/ حساب را یاد نمی‌گرفتیم/ تا به اندازهٔ آغوشمان همه چیز را دوست داشته باشیم.» (ص ۷۸)

در مقابل، بزرگسالی برای او سراسر نخوست و تیرگی است:

«بزرگ شدیم/ همهٔ روزها لباس سبزه به تن کردند/ این همهٔ بزرگی ما بود.» (ص ۸۳)

گذشته از بعضی عاشقانه‌های زیبا که در این دفتر می‌بینیم، مثل این قطعه:

«سیب‌ها به سمت تو آمدند/ نگاه‌ها/ لبخندها/ انگشت‌ها/ به سوسوی تو بودند/ و نیوتن آسیمه سر/ قانون و سوسه را نوشت.» (ص ۵۰)

معشوق در شعر مهدوی کم‌رنگ جلوه می‌کند. معشوق در شعر او با سرما همراه است. مزاجی زمستانی دارد که می‌تواند حکایتی از رنگ باختن احساس‌ها و عواطف باشد. دیماه برای او یادآور معشوق است؛ ماه سرما و انجماد:

«جدول کلمات متقاطع/ هفت آخر/ با دو حرف اضافه/ ماه سرد/ تو[.]» (ص ۷۱)

میان شاعر و معشوق همیشه فاصله‌ای هست و حتی اگر همه چیز هم مهیا شود که او به معشوقش برسد، این دنیاست که به آخر می‌رسد و مانع از این وصال خواهد شد.

«پنج هزار سال قبل از میلاد مسیح/ تو را می‌شناختم/ چهار هزار و پانصد سال طول کشید تا نامت را فریاد کنم/ و پانزده قرن/ تا تو را بنویسم/ قرن حاضر، قرن همه چیز بود/ ما به هم رسیدیم/ دنیا به آخر.» (ص ۶۶)



لای قلمیهای ما



رضا رفیع

## یکی سکه را بکشد پایین!

این روزها در بازار طلا و سکه، عجب بشکن بشکنی راه افتاده است... صدای رکودشکنی جهانی طلا گوش فلک را پر کرده است. حالا سودش و دودش -جداگانه- به چشم چه کسانی می‌رود، خدا عالم است. ما به سهم ناچیز خودمان، فقط یک سکه از مال خدا داریم که همان را گذاشتیم توی فریز ببینیم چه زمانی برای فروشش بهتر است که نه سیخ بسوزد، نه کباب، نه صاحب سیخ کباب!... خدا به داد دل مردان ازدواج کرده‌ای برسد که بر اثر جوگر فنگی اول آشنایی (که شاعر فرموده است: اول آشنایمون پادم میاد، پادم میاد/ گفتم بگیر سکه هامو خیلی زیاد، خیلی زیاد...)، تعداد سکه‌های مهریه‌عاشان را همطر از سال تولدش در نظر گرفتند و این روزها را در نظر نگرفتند. الان احتمال خواب از سرشان پریده است.

### حسب الحال:

«روزها فکر من این است و همه شب سختم»

که چرا این همه سکه شده کابین زخم؟

آخرین خبر هولناک: با افزایش قیمت هر اونس طلا در بازارهای جهانی -چنان که افتد و دانی- و عبور آن از مرز و درز ۱۹۰۰ دلار ناقابل، قیمت هر سکه طلا در کشورمان از مرز ۶۰۰ هزار تومان عبور کرد که در نتیجه، رکورد جدیدی بی سابقه‌ای را بر جای گذاشت. کارشناسان سکه شناس بر این باورند که قیمت طلا در طول ۱۱ سال گذشته، مرتب در حال افزایش بوده است؛ اما در حال حاضر دیگر شورش را در آورده است بی صاحب شده!...



### محض یادآوری:

چه کسی بود صدازد:

-مردم!

اقتصاد همه جا

کل جهان

هر چه شود

داخل کشور ما

آب از آب تکان نابخورد؟!....!

-آشنا بود صدا

مثل هوا با تن برگ

-برگ یا کوبیده-

و مرتب می‌گفت:

-همه چی آرومه... من چقدر خوشحالم....

و ادامه می‌داد:

-دوستان!... باز بگم.... باز بگم؟!.... سندش موجود

است!... صاحبش مفقود است!...

بسته پیشنهادی:

اگر چه افزایش نرخ سکه، چنان که عرض شد، شدیداً تحت تأثیر نوسانات جهانی آن است و دخل و ربط چندانی به ما و مال ما ندارد؛ معذالک چون وجدانمان اجازه نمی‌دهد که بی طرف باشیم و دست روی دست بیاوریم و دیگر از در و دیوار بگذاریم و فقط تماشاچی باشیم (آن هم اگر در نهایت تهمت تماشاچی نما نخوریم نعوذ بالله!)؛ فلذا به روای معمول و مقبول خودمان در این جور مواقع اضطرابی، یکسری پیشنهادهایی را ردیف می‌کنیم، بلکه یکی دو تایش گرفت و به سهم ناچیز خودمان در پایین شنیدن نرخ سکه، نخودی در آتش انداختیم؛ انداختنی!... ملاحظه بفرمایید:

۱- **تعیین مهریه توسط دولت:** تا اطلاع ثانوی برای کنترل بازار سکه، تعیین میزان و مقدار سکه برای قباله زوجه، با اجازه بزرگترها، از بخش خصوصی یعنی والدین عروس و داماد، به بخش دولتی منتقل شود. شاید دولت مثل سایر موارد، در این مورد هم گل کاشت و پایین کشید تعداد یا نرخ سکه‌ها را.

۲- **تغییر مهریه طلایی:** بهتر است که تأقیمت طلا متلاطم و بحرانی است، خانواده‌ها به عوض طلا، از نقره و برنز و... سایر فلزات ارزشمند (و نه مثل طلا لرزشمند) استفاده کنند. سالهاست این کار در عرصه ورزش انجام می‌شود، و احدی از ورزشکاران، دلاوران شاکسی خصوصی نبوده است و مقابل دوربین لبخند هم زده است و -باز هم- اسنادش هم موجود است.

۳- **بدگویی از سکه:** در برخی مواقع، اگر چه موضوعی به ظاهر اقتصادی یا سیاسی است، اما با یک کار درست فرهنگی می‌شود تر تریب آن را داد. مثلاً همه همیشه از طلا تعریف می‌کردند و باز هم می‌کنند. خب، جزوات و کتاب‌هایی تألیف و تدوین کنیم اندر باب مضرات بی شمار طلا و سکه. به گونه‌ای که طرفداران طلا، در نزد فک و فامیل خود، اگر زبان به تعریف و تبلیغ گشودند، همانجا سکه یک پول شوند.

۴- **تزریق سکه:** باز هم بانک مرکزی ناامید نشود و اگر شمش طلایی ته انبارش دارد، الباقی را هم رو کند یا نصفش را نیمرو کند. منتهی اگر قصد تزریق سکه به بازار داشت؛ این بار اولش مثل پنی سیلین تست بزند، آنگاه در ادامه جریان، طوری آن را تزریق کند که جاش تا مدت‌ها باقی نماند و باعث تورم محل تزریق نشود. به گونه‌ای که کمپرس آب گرم معدنی هم افاقه نکند، و فقط با پنجر گیری مگر بشود بادش را خالی کرد.



ای کاش ژنوم<sup>(۱)</sup> این دو استاد را هم از بانک ژنتیکی کشور متبوعشان روی DVD ریخته شود تا جهانیان و مخصوصاً اهالی ناشناخته کهکشان راه کشکی به توانایی‌های نخبگان ما رشک ببرند.

### پی‌نویس:

۱- سی سال از زمانی که کاوشگرهای بین ستاره‌ای ویجر ۱ و ۲ در سال ۱۹۷۷ به فضا پرتاب شدند، می‌گذرد. هر دوی این کاوشگرها یک صفحه طلایی خاص را با خود حمل می‌کنند؛ دیسک گرامافونی که حاوی موسیقی و عکس‌هایی از زمین است که نشان‌دهنده گونه‌گونی حیات و فرهنگ در زمین به موجودات هوشمند فرازمینی است. محتوای دیسک: در صفحه‌ای ۱۲ اینچی مسی با روکش طلا چکیده‌ای از فرهنگ و آثاری از حیات گونه‌های مختلف قرار داده شده است:

- ۱۱۵ عکس که البته به صورت آنالوگ هستند.

- صوتی از زمین: از رعد و برق گرفته، تصاویری گریه یک شیر خوار، صدای یک وال، رعد و برق، صدای برخورد امواج به ساحل، صدای قلب انسان و گام برداشتنش.

- موسیقی‌های منتخب از فرهنگ‌ها و نواحی مختلف (۹۰ دقیقه): موسیقی‌های مختلفی از باخ و بتهوون تا لوتیس

آرمسترانگ و چاک بری در دیسک گنجانده شده‌اند.

موسیقی‌ها متعلق به فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف هستند: چین، ژاپن، آذربایجان، اندونزی، مکزیک، پرو، بلغارستان، سنگال و...

- سلام و خوشامدگویی به ۵۵ زبان: جالب است که

بدانید این خوشامدگویی‌ها با زبان آکادمی که در سومر

۶ هزار سال پیش صحبت می‌شد شروع می‌شود و به زبان

WU یک لهجه چینی ختم شده است. البته به نظر می‌رسد

این کار بیشتر یک اقدام سمبولیک باشد، چرا که با توجه به

اندازه کوچک کاوشگرها در مقایسه با فضای بین ستاره‌ای،

بسیار بعید است حتی در صورت وجود حیات فرازمینی،

این دیسک‌ها پیدا شوند، حتی در صورتی که موجودات فرا

زمینی این دیسک‌ها را پیدا کنند، با توجه به گذشت زمان

زیاد آنها جنبه تاریخی خواهند داشت و به علاوه ممکن

است آنها زمانی پیدا شوند که دیگر نسانی از حیات در

زمین نباشد.

2- kashkywaygalaxy... 3- milkywagalaxy

۴- همه ژن‌ها (متفاوت) در یک سلول یا ویرون.

می‌توان ژنوم انسان را که در DNA ذخیره شده است با یک

کتابخانه به صورت زیر مقایسه کرد:

- کتابخانه شامل ۴۶ کتاب (کروموزوم) است.

- کتاب‌ها بین ۴۰۰ تا ۳۳۴۰ صفحه (ژن) دارند.

- هر کتاب دارای بین ۴۸ تا ۲۵۰ میلیون حرف

(نوکلئوتیدهای A,C,G,T) است.

- بنابراین کتابخانه در مجموع از بیش از ۶ میلیارد

حرف تشکیل شده است.

- کتابخانه در درون یک هسته سلول به اندازه یک نقطه

کوچک قرار دارد.

- یک کپی از کتابخانه (تمام ۴۶ کتاب) در تقریباً همه

سلولهای بدن ما قرار دارد.

یکی از فرصت‌های طلایی و رؤیایی هواداران تیم‌های باشگاهی، دریافت جواز تیم‌های محبوبشان برای دربی‌های بین قاره‌ای و ورود به رده‌های بین سیاره‌ای و کسب مقام قهرمانی جام در جام کهکشان راه شیری است.

من حس می‌کنم و با تمام وجود لحظه‌شماری می‌کنم

که اگر روزی پیامی نسبت به پروژه پرتاب ماهواره‌های

صلح دوستی به سمت کهکشان راه کشکی مخابره شد، به

عنوان هوادار تیم جهانی فوتبال این کهکشان محبوب، فریاد

بزیمم که: «کهکشان راه شیری چی کارش می‌کنه?... سولاخ

سولاخش می‌کنه!»

و اما فرستادن یک مناظره به فضا چه جذابیتی می‌تواند

داشته باشد؟ پس از این که خیلی این مسأله سر زبان‌ها افتاد

و برنامه بیست و یک و سسی درباره آن گزارش ویژه پخش

کرد با خود گفتم، واقعا مگر این مناظره چه فرقی با دیگر

مناظرات تلویزیونی دارد؟ مرحوم عادل سعیدی پور، آخر

این برنامه‌ها بود و البته او می‌توانست فیتیه را تا جایی بالا

بکشد که کار مراحل شنیع کشیده نشود. اما باز ذهنم متوجه

اصل خبری شد که می‌گفت مناظره بین یک استاد با سواد

فوتبال و استاد با سابقه فوتبال بود؛ پس نمی‌توانست شنیع

باشد.

سعی کردم مکتوب این مناظره جالب را پیدا کنم. اما

یکی از دوستان که همیشه منتقد بود و انگار از شکم مادرش

با یک فقره گریه انتقادی و «نگ» زن‌ان پا به عرصه وجود

گذاشته، به در منزل ما آمد. سرش را از پنجره مجازی به

درون خانه داخل کرد و گفت: «چطوری عشق فوتبال؟»

این دوست طرفدار تیم مریخ که همیشه لباس‌های

قرمز می‌پوشید و اصلاً چراغ قرمز را برای سیاره محبوبش

مریخ دوست داشت؛ پس از خوش و بش همیشگی، بخشی

از مناظره این دو استاد با سابقه و با سواد را از ناچاری روی

دستمال کاغذی نوشت. در این روزگار مجازی، نمی‌دانم

چگونه و از کجا و هنوز این کاغذهای خاص و مخصوص

سال ۲۰۱۱ میلادی را به عنوان کاغذ یادداشت به دست

می‌آورد. اما جرّم او دو چندان است. متن یک مناظره داغ

و تاریخی بین دو استاد گرانقدر ورزش ملی و مهم «جهان

شمول» فوتبال را روی کاغذ نوشته است. آن هم مناظره‌ای

که ابرقدرت‌های کشورهای مشترک‌المضار سودان، رأی بر

ثبت آن بر روی لوح طلایی داده‌اند.

از آن همه پرسش و پاسخ رد و بدل شده مناظره داغ

فوتبال استاد «گرم‌کن» و استاد «عمودی مدرن»، این بخش

قابل ستایش بود:

«به تو ربطی نداره -/ تو نه شما/ تو، تو، تو/»

چقدر یاد دعوای بیجکی ام افتادم، مخصوصاً

دعوای کهن کودکان ۱۵۰۰ سال پیش که mp3 آنها

را قرن هاست حفظ کرده‌ام. همان سادگی کودکانه و

همان لجاجت بچه‌گانه در جملات مناظره این دو استاد

گرانقدر فوتبال دیده می‌شد. باز هم به داشتن چنین استادان

رفیق‌القلب و دلسوزی افتخار کردم و متوجه شدم خروجی

سازمان ملل مختلط، بر اندیشه کوه فکرائی چون دوست

منتقد، بسیار چیرگی دارد و باز هم به جایگزین کردن این

دعوای کودکانه به جای گریه معصومانه نوزاد، آفرین گفتم.

طالع‌سنگستان

## مناظره تاریخی فوتبالی با کهکشان راه کشکی!

هومن ظریف

ابتدا قرار بود روی لوح‌های طلایی یا همان CDهای زرین، صدای نوزاد برتر تر سال را بفرستند؛<sup>(۱)</sup> اما این برنامه کلیشه‌ای در شورای عالی سازمان ملل مختلط<sup>(۲)</sup> به خاطر مخالفت چند کشور رأی نیاورد.

در واقع کشورهای «سودان شمالی»، «سودان جنوبی»،

«سودان پادشاهی جنوب شرقی»، «سودان پادشاهی جنوب

شمالی» و «جمهوری نئوسوسیالیستی سودان مرکزی»

به عنوان جمهوری تازه استقلال یافته از سودان جنوبی،

۵ کشور آفریقایی بودند که توانستند رأی نهایی سازمان

ملل را وتو کنند.

شاید عجیب به نظر بیاید که ۵ کشور مشترک‌المشاغل

چگونه نتوانسته‌اند رأی ۵۵ عضو سازمان ملل را وتو کنند.

قضیه از این قرار بود که کشور تازه استقلال یافته

«جمهوری نئوسوسیالیستی سودان مرکزی»، نفوذ زیادی

در فدراسیون فیفا داشت. فیفا در پی وقوع یک مناظره

داغ بین دو مدیر با سابقه و با سواد فوتبال، پیشنهاد ثبت

جهانی این مناظره فوتبالی را داد و سازمان فضایی

کشورهای مشترک‌المضار، به خاطر این که ریاستش در

دست پسرعمومی ناتنی رئیس فدراسیون فیفا بود، مصوبه

بی سابقه‌ای را تصویب کرد.

به هر حال قرار شد به جای فرستادن صدای نوزاد و

حتی سمفونی‌های بتهوون به فضا که دیگر تکراری شده

بود، این مناظره داغ فوتبالی را بر روی یک عدد سی‌دی از

جنس طلای ۲۴ عیار رایب کنند و آن را با سفینه‌ای به فضا

بفرستند.

اما جالب‌ترین نکته در این میان، استدلال مسئولان

سازمان فضایی کشورهای مشترک‌المضار بود. آنها در

بیانیه‌ای نیمه رسمی عنوان کرده بودند که چون سفینه به

سوی کهکشان راه کشکی<sup>(۳)</sup> پرتاب می‌شود، فرصت خوبی

است که از این پس تجارت ورزشی کشور را به‌ویژه در

خصوص ورزش پر طرفدار فوتبال -به صورت بسته‌های

فرهنگی -اطلاعاتی به سوی ساکنان ناشناخته کهکشان راه

کشکی بفرستند.

در بیانیه پرو پیمان مسئولان سازمان فضایی کشورهای

مشترک‌المضار، بر روی تجارت پیشین تمرکز شده بود:

«با توجه به دستاوردهای علمی حاصل از پرتاب ماهواره

پژوهشی به سوی دیگر ستاره‌های کهکشان راه شیری<sup>(۴)</sup> و

اعدام قاتل «عادل سعیدی پور» در فضای عام بین کهکشانی

در جریان پرتاب سفینه پرسپولیس ۴۵۱، باید ترتیبی اتخاذ

شود که چنین فعالیت‌های خلاقانه‌ای بار دیگر در راستای

تحقیق آرمان‌های فضایی و راه‌اندازی پروژه ۶ پرتاب

ماهتابه هوشمند که جدیدترین وسیله استراق سمع است؛

مناظره فوتبالی داغ اخیر را به عنوان پدیده‌ای ادبی به سوی

ساکنان ناشناخته کهکشان راه کشکی لحاظ شود»

من به عنوان یک شهروند فوتبال دوست، با شنیدن

این اخبار به خود بالیدم که این مناظره به کشور ما به وقوع

پیوسته است. امیدوارم مربی‌های گرانقدر فدراسیون فوتبال

هدایت تیم‌های نماینده سیاره زمین را به خوبی انجام بدهند

و چه در مسند مربی‌گری و چه در مسند مدیریت باشگاهی،

موفق باشند.

تپسم و هتک

## علیرضا ابوسعیدی



\* متولد ۱۳۵۸ - تهران

\* فارغ التحصیل انیمیشن دانشگاه صدا و سیما

\* مدرس خانه کاریکاتور

\* سابقه فعالیت در زمینه کاریکاتور و تصویرسازی با نشریات

متعدد.

\* تقدیر شده از چند جشنواره داخلی و خارجی

\* برپایی بیش از ۱۳ نمایشگاه گروهی در ایران و یک نمایشگاه

انفرادی در مونترال کانادا (۲۰۰۲)





